





**مؤسسه آموزش عالی آفاق**

**دانشکده اقتصاد و علوم انسانی**

**گروه فقه و حقوق**

**پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**تحلیل حدی یا تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر**

**استاد راهنما:**

**دکتر صالح نوری**

**استادان داور:**

**دکتر محمد حسن جوادی**

**دکتر حامد رحمانی**

**پژوهشی و نگارش:**

**امیر زندی فر**

**تابستان ۱۳۹۸**

## تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق مؤسسه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به مؤسسه آموزش عالی آفاق ارومیه می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام مؤسسه آموزش عالی آفاق، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب **امیر زندی فر** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی **الهیات-فقه و مبانی حقوق** گرایش **حقوق خصوصی** دانشکده **اقتصاد و علوم انسانی** مؤسسه آموزش عالی آفاق به شماره‌ی دانشجویی ..... در تاریخ ..... از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان "**تحلیل**

**حدی یا تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر**" دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت‌های پژوهشی و آموزشی و تحصیلات تکمیلی مؤسسه آموزش عالی آفاق، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام مؤسسه آموزش عالی آفاق را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (من جمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط مؤسسه و ...) را می‌پذیرم و مؤسسه آموزش عالی آفاق را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **امیر زندی فر**

امضا و تاریخ:

تقدیم به:

پدر، مادر، همسر عزیزم

و به تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز رضای الهی و  
پیشرفت و سعادت جامعه همدنی ندارند، و جوان مردانی که جان و مال خود را در حفظ و اعتلای این  
مرز و بوم فدا نموده و بزرگان، دانشمندان می نمایند.

## تقدیر و تشکر

شکر، خدایی را که به من توانایی داد تا در باغ معرفت او وارد شده و تحفه‌ای از آن لطف بیکران به جان و دل بهره‌جویم، و در رسیدن به اهداف رساله‌ی حاضر قدم‌های محکم و استوار بردارم.

از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر صالح نوری که در این پژوهش کمال راهنمایی را نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

باشکر از همسر مهربان و فداکار، که در این امر همواره یار و مشوق بنده بودند.

## چکیده

یکی از موضوعات مهم در عرصه ملی و بین المللی در چند دهه اخیر و بخصوص عصر حاضر پدیده مواد مخدر و آثار زیان بار آن بر جوامع انسانی و بشری است. با توجه به توسعه علم و فناوری و در نتیجه روشن شدن ابعاد ویرانگر مواد مخدر، این پدیده به صورت تهدید جدی برای بهداشت عمومی، امنیت سیاسی، اجتماعی، جوامع و ملل مختلف شناخته شد. کشور ما به لحاظ قرار گرفتن در مجاورت بزرگترین کشور تولید کننده مواد مخدر یعنی کشور افغانستان و مسیر ترانزیت این مواد از آثار سوء این پدیده ایمن نبوده و این قضیه تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی متعددی را برای کشور در بر داشته است، لذا قانون گذاران کشور جهت مقابله با این پدیده خانمان سوز اقدام به وضع قوانین و مجازات های مختلف نمودند و یکی از این مجازات ها اعدام می باشد. عده ای از فقها مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض و حدی می دانند عده ای دیگر اعدام را در صورت تکرار و تعدد تعزیری می دانند و عده ی کثیری هم معتقدند که اعدام در جرایم مواد مخدر از احکام حکومتی بوده و حاکم شرع می تواند جهت حفظ سلامت جامعه و تنظیم امور آن مرتکبین جرایم مواد مخدر را با احتساب شرایطی اعدام نماید.

**کلمات کلیدی** اعدام، مواد مخدر، جرائم مواد مخدر

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

### فصل اول: کلیات پژوهش

۳	۱-۱- مقدمه و هدف.....
۴	۲-۱- پرسش های اصلی.....
۵	۳-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۶	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۶	۵-۱- جنبه جدید بودن و نو آوری طرح در چیست؟.....
۶	۶-۱- روش انجام تحقیق.....

### فصل دوم: مفهوم شناسی و تاریخچه مواد مخدر و آشنایی با جرایم مرتبط با آن

۹	۱-۲- تعریف لغوی ، اصطلاحی و حقوقی حد.....
۹	۲-۲- تعریف لغوی، اصطلاحی و حقوقی تعزیر.....
۱۰	۳-۲- مفهوم مواد مخدر و سابقه ی تاریخی آن.....
۱۰	۱-۳-۲- تعریف لغوی و اصطلاحی مواد مخدر.....
۱۱	۲-۳-۲- سابقه ی تاریخی مواد مخدر.....
۱۱	۱-۲-۳-۲- سابقه ی تاریخی مواد مخدر در جهان.....
۱۲	۲-۲-۳-۲- سابقه ی تاریخی مواد مخدر در ایران.....
۱۳	۴-۲- تقسیم بندی انواع مواد مخدر.....
۱۳	۱-۴-۲- مواد مخدر گیاهی.....
۱۴	۲-۴-۲- مواد روانگردان گیاهی.....
۱۵	۳-۴-۲- مواد روانگردان صنعتی یا شیمیایی.....
۱۵	۴-۴-۲- مواد مخدر مجاز.....
۱۵	۵-۴-۲- مواد مخدر آرام وسخت.....
۱۶	۵-۲- انواع جرائم مواد مخدر.....
۱۶	۱-۵-۲- جرائم اصلی.....
۱۸	۲-۵-۲- انواع جرائم مرتبط با بزه های ارتكابی مواد مخدر.....
۱۹	۶-۲- آثار سوء گرایش به مواد مخدر.....
۲۱	۷-۲- کیفرهای جرائم مربوط به مواد مخدر در نظام حقوقی ایران.....

- ۲۲-۷-۱- کیفر اعدام در جرائم مواد مخدر.....
- ۲۶-۷-۲- کیفر حبس ابد.....
- ۲۷-۷-۳- کیفر شلاق.....
- ۲۸-۷-۴- جزای نقدی.....
- ۲۸-۷-۵- ضبط و مصادره اموال.....

### فصل سوم: بررسی مجازات اعدام در رابطه با جرائم مواد مخدر در حقوق جزایی ایران

- ۳۳-۱-۳- سابقه ی قانونی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر.....
- ۳۳-۱-۱- مجازات اعدام در قبال مواد مخدر در قوانین قبل از انقلاب.....
- ۳۷-۱-۳- مجازات اعدام در قبال مواد مخدر در قوانین بعد از انقلاب.....
- ۴۳-۲-۳- نظریات موافقین و مخالفین مجازات اعدام در رابطه جرائم مواد مخدر.....
- ۴۳-۱-۲- ادله موافقان مجازات اعدام.....
- ۴۶-۲-۲- ادله مخالفان مجازات اعدام.....
- ۳-۳- جایگاه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر بر قرارداد ها و معاضدت های بین المللی و پیامد های آن.....
- ۵۶-۱-۳- لزوم همکاری بین المللی در امر مبارزه با مواد مخدر.....
- ۵۸-۲-۳- استرداد مجرمان و موانع آن.....
- ۶۰-۳-۳- خدشه دار شدن اعتبار بین المللی ایران.....

### فصل چهارم: تحلیل کیفر اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر در فقه اسلام

- ۶۵-۱-۴- تبیین مبانی فقهی مواد مخدر.....
- ۶۵-۱-۱- حکم تکلیفی.....
- ۶۵-۱-۱-۱- حرمت استعمال مواد مخدر.....
- ۶۶-۱-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در قرآن.....
- ۶۶-۲-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در روایات.....
- ۶۶-۳-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در احکام عقلی.....
- ۶۷-۴-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن از باب آکل سم و اضرار شخصی و اجتماعی.....
- ۶۷-۵-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن از باب قاعده حرمت اسراف.....
- ۶۸-۲-۱-۱-۱- حرمت تولید ، معاملات و قاچاق مواد مخدر.....
- ۶۸-۱-۲-۱-۱- قاعده حرمت مقدمه حرام.....
- ۶۸-۲-۲-۱-۱- قاعده نفی سبیل.....



۶۸	۴-۱-۲- احکام وضعی .....
۶۸	۴-۱-۲-۱- سفاهت و محجوریت معتاد .....
۶۹	۴-۱-۲-۲- عدم تملک سرمایه های کسب شده به وسیله ی قاچاقچیان .....
۶۹	۴-۲- بررسی مبنای مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر .....
۶۹	۴-۲-۱- تبیین لغوی و اصطلاحی افساد فی الارض .....
۷۱	۴-۲-۳- ادله ی طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض .....
۷۴	۴-۲-۴- ادله ی مخالفین مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض .....
۸۱	۴-۳- محاربه .....
۸۲	۴-۳-۱- عناصر تحقق جرم محاربه .....
۸۳	۴-۳-۲- افساد فی الارض مستقل از محاربه .....
۸۳	۴-۳-۳- ادله ی طرفداران مجازات اعدام مرتکبین جرائم مواد مخدر از باب محاربه .....
۸۵	۴-۳-۴- ادله ی مخالفین مجازات اعدام مرتکبین جرائم مواد مخدر از باب محاربه .....
۸۹	۴-۴- بررسی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب تعزیرات .....
۸۹	۴-۴-۱- ادله طرفداران تعزیرات .....
۹۰	۴-۴-۲- ادله مخالفین تعزیرات .....
۹۱	۴-۵- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب امر به معروف و نهی از منکر .....
۹۱	۴-۵-۱- تبیین معنای لغوی و اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر .....
۹۲	۴-۵-۲- ادله مخالفین مجازات اعدام از باب امر به معروف و نهی از منکر .....
۹۳	۴-۵-۳- ادله موافقین مجازات اعدام از باب امر به معروف و نهی از منکر .....
۹۵	۴-۶- تجویز مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر در صورت تکرار جرم از باب تعزیر .....
۹۷	۴-۷- تجویز مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر با حکم حکومتی .....
۹۸	۴-۸- آرای فقهای اهل سنت پیرامون مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر .....

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۰۵	۵-۱- نتیجه گیری .....
۱۰۶	۵-۲- پیشنهادات .....
۱۰۹	منابع و ماخذ .....

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مقدمه و هدف

یکی از موضوعات مهم در عرصه ملی و بین‌المللی در چند دهه اخیر و بخصوص در عصر حاضر، موضوع پدیده مواد مخدر و آثار زیان بار آن بر جوامع انسانی و بشری است. با توجه به توسعه علم و فناوری و در نتیجه روشن شدن ابعاد ویرانگر این پدیده به صورت تهدید جدی برای بهداشت عمومی، امنیت سیاسی و اجتماعی، تمامی جوامع انسانی و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر پیدا کرده اند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار داده و همچنان مورد تهدید قرار می‌دهد و حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزهای مستمر و همه‌جانبه از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاشهای اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. (غنجدی، ۱۳۸۶)

به شهادت تاریخ رواج دهنده مواد مخدر در ایران عوامل انگلستان بودند که در عصر صفویه راه‌های کشت خشخاش و استفاده از تریاک را رواج دادند به نحوی که ابتدا به دربار صفویه راه یافت و بعد از آلوده کردن شاهان و شاهزادگان و درباریان صفوی به درون مردم سرایت کرد و نحوه‌ی گسترش آن به قدری وسیع و سریع بود که بعد از گذشت زمان کوتاهی، اپیدمی شده و درون قهوه‌خانه‌ها به صورت رسمی و به عنوان تفنن استعمال می‌شد.

در جوامعی چون جامعه ما که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مجاورت بزرگترین کانون تولید مواد افیونی و مسیر ترانزیت این مواد همچنان تحت تاثیر شرایط قرار گرفته و نتوانسته خود را از آثار سوء این امر ایمن نگه دارد و این قضیه مسلمانان تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی متعددی را برای کشور در بر داشته و به علت اینکه اکثر افراد آن از مردم مسلمان و معتقد به احکام نورانی اسلام تشکیل یافته است، برعهده علما و دانشمندان است که با تبیین معارف، اخلاقیات و احکام دین، وظیفه و تکالیف شرعی فرد را در این باره مشخص نموده و جامعه به ویژه جوانان را از ورطه مفساسدی مانند مواد مخدر باز دارند. (غنجدی، ۱۳۸۶)

قوانین کشور ما برگرفته از نظام حقوقی اسلام می‌باشد و این نظام حقوقی با توجه خاص به مصالح و منافع فردی و اجتماعی و درجه بندی نمودن آنها، نظام کیفری خود را به صورت یک نظام کیفری دو گانه ارائه نموده است. در این نظام کیفری برای جرایمی که مصالح و منافع ثابت و لایتغیری را هدف قرار می‌دهند، مجازاتهای ثابت و غیر قابل تغییر تحت «حدود و قصاص» در نظر گرفته شده است و برای جرایمی که به مصالح و منافع کم‌اهمیت تر و یا متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی‌های مجرم است، مجازات‌های متغیر و انعطاف‌پذیری تحت عنوان «تعزیرات» تعیین نموده است.

در کشور ایران قانونگذاری از چندین دهه پیش جهت مقابله با این پدیده خانمان سوز به وضع قوانین و مقررات پرداخته است. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده، یعنی مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، از

جمله قاچاق مواد مخدر (خرید، فروش، حمل، توزیع و ...) اعمال مجازات‌ها شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت به عنوان نمونه‌هایی از پیشگیری‌های کیفری در نظر گرفته شده است. در بین مجازات‌های پیش‌بینی شده برای مرتکبین جرائم مواد مخدر، مجازات اعدام از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است، چرا که مجازات اعدام در بین مجازات‌های بدنی علیه تمامیت جسمانی، شدیدترین آنهاست. و در واقع مجازات اعدام همواره آخرین ضمانت اجراست که باید در نظر گرفته شود و در مهم‌ترین جرایم تجویز می‌شود. (رحم دل، ۱۳۸۶)

. با بررسی متون فقهی در صدر اسلام و در زمان تبیین احکام اولیه، مواد مخدر به معنای امروزی مصداق عملی نداشته و بعداً با پیدایش و شیوع آن در جوامع بشری توسط فقها و مراجع عظام تقلید برای آن مصداق و مجازات تعیین شد. از گذشته اختلاف دیدگاه‌هایی بین تعدادی از فقها و حقوق دانان در خصوص ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر مطرح بوده که با دسته‌بندی مجازات‌های تعزیری در هشت درجه در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و عدم ذکر مجازات اعدام در این ماده این اختلاف نظرها بیشتر و عمیق‌تر گردیده است. این اختلاف دیدگاه‌ها و استدلال‌هایی که فقها و علمای حقوق در جهت اثبات نظریه خود ارائه می‌دهند به گونه ایست که برخی از قضات و متصدیان امر مبارزه با مواد مخدر را با چالش جدی رو به رو نموده است.

## ۲-۱- پرسش‌های اصلی

- ۱- مجازات اعدام برای مرتکبین جرائم مواد مخدر حدی است یا تعزیری؟
- ۲- مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر باید در مورد چه افرادی قابلیت اعمال داشته باشد؟
- ۳- بازدارندگی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تا چه میزان است؟

### فرضیه اول:

مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ماهیتاً تعزیری و از نوع مجازات‌های حکومتی است.

### فرضیه دوم:

مجازات اعدام باید در صورتی که مرتکب نقش سردستگی یا سرمایه‌گذار داشته باشد اعمال شود.

### فرضیه سوم:

کارایی مجازات اعدام در زمینه کاهش جرایم مواد مخدر در سطح پایینی بوده است.

### ۱-۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

پایان نامه هایی با این عنوان مشاهده نشد اما پایان نامه های زیر می تواند نزدیک به موضوع باشد. حامدی در سال ۱۳۹۵ در پایان نامه ای با عنوان "تحولات مجازات اعدام در مواد مخدر در حقوق کیفری ایران" به بررسی دیدگاه های موافقین و مخالفین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر پرداخته و در نهایت چنین نتیجه گیری نموده است که در خصوص امکان تعیین مجازات اعدام به وسیله مقنن در مورد جرایم مواد مخدر تردید وجود دارد، سیاست جنایی ایران در اعدام مرتکبین جرایم مواد مخدر بسیار تند بوده و می توانست بیشتر از حبس و مجازات های جاگزین استفاده نماید. سینایی در سال ۱۳۹۲ در پایان نامه ای با عنوان "مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر" با در نظر گرفتن کثرت مجازات اعدام اقدام به بررسی پیامدهای اجتماعی آن بر خانواده های محکومین و از طرف دیگر پیامدهای سیاسی و بین المللی آن از نظراتی که با مطالعه فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر بدست می آید، پرداخته و نهایتا مبادرت به ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری و یا حداقل در محدود کردن آن نموده است. عابدی در سال ۱۳۸۷ در پایان نامه ای با عنوان "بررسی فقهی - حقوقی مجازات اعدام و حبس در جرائم مواد مخدر" به بررسی تاثیرات مثبت و منفی مجازات اعدام در جرایم مختلف نموده و نهایتا به بررسی پیامد های مجازات اعدام بر خانواده های قربانیان و جامعه نموده است. کاظمی در سال ۱۳۹۳ در پایان نامه ای با عنوان "تاثیر مجازات اعدام در بازدارندگی (هدف ارباب فردی و اجتماعی) ارتکاب جرایم مواد مخدر و روان گردان ها" تلاش کرده ماهیت مجازات اعدام را در جرایم مواد مخدر و روان گردان را از بعد حقوقی مورد بحث قرار دهد و از سویی دیگر، معین سازد که اعمال این نوع مجازات ها در جرایم مواد مخدر چه تاثیری بر بازدارندگی این جرایم در نظام حقوقی ایران دارد. مهرگان در سال ۱۳۹۵ در پایان نامه ای با عنوان "تناسب مجازات اعدام جرایم مواد مخدر و روانگردان" به بررسی مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که مشتمل بر کیفر اعدام می باشد را نموده و در ادامه اقدام به تحلیل معیارهای در نظر گرفته جهت انتساب و استحقاق اعدام و متناسب بودن نوع و کیفیت و میزان جرایم ارتكابی با اعدام نموده است. وحدت طاهر در سال ۱۳۹۴ در پایان نامه ای با عنوان "نقش بازدارندگی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر" به بررسی میزان کارایی مجازات اعدام از لحاظ ارباب فردی و عمومی در بازدارندگی جرایم مواد مخدر و روان گردان پرداخته است.

#### ۴-۱- اهداف تحقیق

ضمن نتیجه گیری و تحلیل نظریات فقها و علمای حقوق در خصوص حدی یا تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر با ارائه راهکارهای مناسب به رفع شبهات اقدام می گردد.

#### ۵-۱- جنبه جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

با توجه به تجدید نظر در قوانین مرتبط با مواد مخدر ، پژوهش جنبه نوآوری دارد.

#### ۶-۱- روش انجام تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات، اسناد و مقالات الکترونیکی انجام می پذیرد. پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل بر روی داده و تطبیق آرای گوناگون و ارائه نظرات خود، در نهایت به نتیجه گیری و پیشنهادات خواهد رسید.

## فصل دوم

# مفهوم شناسی و تاریخچه مواد مخدر و آشنایی با جرایم مرتبط با آن

## ۲-۱- تعریف لغوی، اصطلاحی و حقوقی حد

در کتب لغت حد به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است. از قاموس وصحاح به دست می آید که معنای آن دفع و منع است. راغب اصفهانی در مفردات می گوید: «حد عبارت است از واسطه میان دو چیز که از اختلاط آن جلوگیری می کند» لذا حد را از آن جهت حد گویند که میان دو شیء واقع شده و منع از اختلاط است به تصریح راغب علت تسمیه حد زنا و حد خمر آن است که مرتکب را از ارتکاب جدید باز میدارد و دیگران را از ارتکاب منع می کند. (قریشی، ۱۳۶۴)

آن طور که صاحب مجمع البیان ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره، یادآوری می شود در اقرب موارد که حد به معنای تأدیب است درالمنجد، معجم، متن اللغة و مجمع البحرین به همین معنا (تأدیب) است. حد از نظر اصطلاح به آن عقوبتی می گویند که برای آن در کتاب و سنت معین شده است: «الزانیه والزانی فاجلدو کل واحد منهما مائة جلد».

تعریف حقوقی «حد»: حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. و انواع مجازات های حدی پیش بینی شده در قانون عبارت است از: اعدام، شلاق، قطع عضو، تبعید، حبس ابد و تراشیدن سر می باشد. (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده ۱۵)

## ۲-۲- تعریف لغوی، اصطلاحی و حقوقی تعزیر

تعزیر یعنی کیفری که در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در مقابل حد است و در فقه بر کیفری اطلاق می شود که بر خلاف حد، شارع مقدس اندازه هایی برای آن مشخص نکرده. (نجفی، ۱۲۷۴ق) در مسالک الافهام در تعریف تعزیر چنین آمده است که تعزیرات جمع تعزیر در لغت به معنای ادب کردن است و در اصطلاح شرع عبارت است از عقوبتی که در غالب موارد در اصل شرع برای آن اندازه هایی معین نگردیده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق)

تعریف حقوقی «تعزیر»: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

ج- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

د- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی. (قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ ماده ۱۵)



## ۲-۳- مفهوم مواد مخدر و سابقه ی تاریخی آن

غم انگیز ترین تراژدی انسان معاصر و از جمله مسائل اجتماعی جهان را که سلامت میلیون ها انسان را به شدت تهدید می کند اعتیاد به مواد مخدر است. مواد مخدر نامی عام است بر کلیه ترکیب های طبیعی و شیمیایی که غالباً توأم با ایجاد حس وابستگی و اختلال در روند فعالیت جسمی و مغزی همراه است.

## ۲-۳-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی مواد مخدر

تعریف کاملی برای مواد مخدر و روانگردان که جامع و مانع باشد نمی توان یافت، زیرا اثر اینگونه مواد، حتی یک ماده (مانندکانابیس) متفاوت است. بعضی مخدر، برخی محرک، تعدادی توهم زا و شماری اثرات گوناگون دیگری مانند سستی زا و ... بر جسم، روان و یا هر دو دارد، حال آنکه مخدر بمعنی سست کننده اعصاب است و فقط شامل یک دسته از مواد می شود. اصطلاح روانگردان که از مفهوم وسیع تری برخوردار است، جسم را از نظر لغوی در بر نمی گیرد، مضافاً آنکه از حیث ترکیبات شیمیایی نیز متنوع بوده و از منابع طبیعی مختلفی استخراج، استحصال و ساخته می شود. (اسعدی، ۱۳۸۲)

### تعریف لغوی:

مخدر از باب تخدیر به معنای چیزی است که سبب سست شدن اعضای بدن و رخوت در اعصاب می روان می شود به همین دلیل است که به آن مواد روان گردان نیز گفته می شود. در پارسی بدان افیون گویند و تریاق معرب آن است و در اصل، تریاک است که به معنای پادزهر بوده و شیرۀ میوه گیاه خشخاش می باشد همین معنا نیز در ادبیات فارسی به کار رفته است:

«گر تو زخم زنی به که دیگری مرهم» «ور تو زهر دهی به که دیگری تریاق»

در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: ادویه ای که بی خوابی و سستی اندام آرد (گیاه) چیزهایی که اعضای آدمی را بی حرکت و سست می کند. (دهخدا، ۱۳۷۹)

### تعریف اصطلاحی:

درباره مواد مخدر تعاریفات زیادی آمده که به نظر می رسد بهترین این تعریف ها این است: «هر مواد خام یا ساخته شده که دارای عناصر تحریک کننده یا تسکین دهنده که در غیر موارد طبی یا صنعتی بکار برده شود و مصرف آن ها باعث معتاد شدن و دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شود. مثل حالت سرخوشی و لذت، خواب آلودگی و سستی و ضررهایش بالای فرد و جامعه چه از نگاه جسمی یا روحی و یا اجتماعی ظاهر گردد، مواد مخدر گفته می شود.» این تعریف همه انواع و اقسام مواد مخدر موجوده را در عصر حاضر و آنچه در آینده کشف شود در بر می گیرد.

### ۲-۳-۲- سابقه ی تاریخی مواد مخدر

آشنایی با مواد مخدر (اعتیادآور) سابقه ای بس طولانی دارد. در طول تاریخ، انسان از مواد مخدر زمانی به عنوان دارو برای از بین بردن و التیام دردها استفاده می کرده است. و زمانی هم برای ایجاد لذت و یا فرار از ناراحتی ها و همچنین در جشن ها و مراسم مذهبی و گاهی توسط جادوگران مورد استفاده قرار می گرفته است. البته مواد مخدر شیمیایی عمردرازی ندارد و ساختن آنها به دوران اخیر بر می گردد.

### ۲-۳-۱- سابقه ی تاریخی مواد مخدر در جهان

بر خلاف آن چه که مشهور است، چینی ها اولین مردمی نبودند که با تریاک آشنایی داشتند؛ نوشته های باقی مانده از تمدن سومری ها نشان می دهد که این قوم از کهن ترین اقوامی هستند که نه تنها از تریاک استفاده می کرده اند، بلکه نام «گیاه شادی بخش» نیز بر آن نهاده بودند که هنوز به این نام شایع است. پزشکان آشوری نیز صدها سال پیش از میلاد مسیح به خواص دارویی این ماده پی برده بودند. ساکنان سرزمین هند نیز در شمار نخستین آشنایان با گیاه مخدر (کوکنا) می باشند و گفته می شود هنگامی که داریوش بزرگ آن کشور را فتح کرد، هندی ها افیون را می شناختند و آن را مصرف می کرده اند.

خشخاش ابتدا در مصر کشت شده و به نام «تئائیکا» معروف بوده است. ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، تخم خشخاش از مصر به یونان برده شد و در آن جا رواج پیدا کرد.

مجارستان، اولین کشور اروپایی بود که با خشخاش آشنا شد. گیاه شناسان آن کشور ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، آن را می شناختند و شیره اش را به کار می بردند.

سابقه استفاده از تریاک، با توجه به آن چه ذکر شد، بسیار کهن است، زیرا در چند هزار سال پیش با کشف این ماده مخدر به دست سومری ها، ابتدا به نام یک داروی مسکن و تدریجاً به نام ماده ای «مکثیف» و «مخدر» مورد استفاده قرار گرفت. هر چه هست، استعمال افیون در گذشته به صورت کنونی نبود، بلکه جنبه طبی داشت و فقط به دستور طبیبان مصرف می شد. اما بعد از قرن پانزدهم، افیون، یکی از ابزارهای اروپاییان در راه نیل به سیادت و آقایی شان بود.

باشروع انقلاب صنعتی (اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸) و بسط تجارت و ارتباط و از همه مهم تر نیاز صنایع نوپای انقلاب صنعتی بر سرمایه، روند جدیدی در مسائل مختلف جهانی آغاز شد. در این میان تریاک نقش تازه ای پیدا کرد. به طور کلی تاریخ ورود تریاک به کشورهای جهان سوم با نفوذ استعمارگران به این کشورها مصادف بوده است، هدف استعمارگران از ورود تریاک به کشورهای جهان سوم را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱- جلوگیری از رشد نطفه های قیام و مبارزه

۲- از بین بردن زمینه های تولید و خودکفایی

۳- به دست آوردن بازار فروش و درآمد و سود بیشتر (احتشامی، ۱۳۸۵)

بدیهی است که تولید انبوه مواد مخدر و عرضه وسیع آن در بازارهای وسیع جهانی روز به روز بر شمار مصرف کنندگان مواد مخدر افزوده است به گونه ای که امروزه اعتیاد به مواد مخدر در ردیف بحران های جهانی قرار گرفته است.

### ۲-۲-۳-۲- سابقه ی تاریخی مواد مخدر در ایران

در ایران باستان، در کتاب اوستا از گیاه کانابیز (شاهدانه) به عنوان یک ماده بیحس کننده نام برده شده است، لکن ایرانیان دوران قدیم به مواد مخدر معتاد نبودند، به شهادت تاریخ بازرگانان عرب، در قرن پنجم قبل از میلاد، تخم خشخاش را به نام دارو به ایران وارد کرده و از آن جا به چین بردند. در بررسی های انجام شده درباره تریاک آمده است که این ماده از سوی پرتغالی ها به هندوستان وارد شده و قرن ها بعد انگلیسی ها با شیوع امپریالیسم، سهم بسزایی در شروع اعتیاد به تریاک در کشورهای مختلف داشته اند. برخی بر این عقیده اند که ورود تریاک به ایران، ره آورد حمله اعراب یا چنگیز بوده و گروهی آن را ارمغانی از حمله تیمور به ایران تلقی می کنند. برخی شواهد تاریخی نشان می دهد که مصرف تریاک در ایران به منزله دارویی مسکن، نتیجه پی جویی ابو علی سینا و زکریای رازی بود و این دو جزء اولین پزشکانی بوده اند که خواص تریاک را شناخته اند. دسته ای دیگر تریاک را سوغات لشکر کشی نادرشاه به هندوستان می دانند، ولی قدر مسلم آن است که در عصر صفویان، مصرف این ماده متداول بوده و در این زمان، استعمال تریاک بیشتر به منظور تعدیل اضطراب خاطر بزرگان و درباریان عالی مقام صورت می گرفته است.

در قرن دهم هجری، شاه طهماسب، پیش گیری از مصرف مواد افیونی را جدی تلقی کرده و دستور معدوم شدن مواد موجود در دربار را اعلام می نماید. در زمان شاه عباس، ظاهراً مصرف این ماده توسعه بیشتری پیدا کرده بود، زیرا گفته می شود شربت کوکنار در آن زمان رایج بوده است، به طوری که شاه عباس دوم ضرورت مبارزه با آن را دریافته و برای جلوگیری از مصرف آن و جمع کردن بساط افیون، ناگزیر از صدور فرامین و احکام مؤکدی می گردد.

در زمان صفویان، استعمارگران اروپایی با دو هدف عمده در ایران دست به کار شدند: اول این که بین ملل مسلمانان و جوامع اسلامی تفرقه بیندازند و با دامن زدن به کینه ها و دشمنی ها و برجسته نمودن اختلافات، قدرت اسلامی را به افول کشانده و تضعیف نمایند. دیگر این که با پخش مواد افیونی و اشاعه آن توسط عوامل و ابادی مستقیم و غیر مستقیم خود، استعمال تریاک را در ایران رواج دهند .

به طور کلی، دود کردن تریاک در ایران، از زمان ناصر الدین شاه شروع شد و آن گونه که مدارک نشان می دهد، در دوره امیرکبیر کشت خشخاش به طور آزمایشی در اطراف تهران آغاز گردید. در دوران پهلوی نیز بحث مواد مخدر به همین منوال ادامه پیدا کرد، تا اینکه پس از سالها بی توجهی بالاخره تحت فشار سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۳۳۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک وضع شد. البته قوانینی قبل از سال ۱۳۳۴ نیز وجود داشت که فقط استعمال علنی تریاک را ممنوع اعلام می کردند، این قوانین بیشتر برای تظاهر و عوام فریبی و نیز برای سرپوش نهادن به اعتراضات جوامع بین المللی به عنوان مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر وضع شده بود، چرا که بنا به گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در سال ۱۳۴۹، خاندان پهلوی فعالیت های مربوط به قاچاق مواد مخدر را در ابعاد وسیع و همراه با سرمایه گذاری های چند صد میلیون دلاری به انجام رساندند و عملاً وابستگان به دربار بزرگ ترین قاچاقچیان مواد مخدر در ایران و در بعد جهانی بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استعمارگران که دست خود را کوتاه می دیدند برای نابودی انقلاب و یا کنترل آن، اشاعه مواد مخدر را به عنوان یکی از حربه ها و شاید مهم ترین حربه به کار گرفتند. (احتشامی، ۱۳۸۵)

## ۲-۴- تقسیم بندی انواع مواد مخدر

### ۲-۴-۱- مواد مخدر گیاهی

**الف- تریاک:** ماده ای که از ریشه گیاهی به نام خشخاش (کوکنار) به دست می آید، رنگ آن قهوه ای تیره است، توسط بافور یا وافور کشیده و یا دود می شود و همچنین از طریق دهان به صورت خوراکی خورده می شود.

**ب- سوخته تریاک:** ماده ای که بعد از مصرف تریاک به جا می ماند و آن را سوخته تریاک می نامند آن را در آب حل کرده می جوشانند و از صافی عبور می دهند، باقیمانده خمیر است که (تفاله) نامیده می شود. (حسینی، ۱۳۶۸)

**ج- شیره تریاک:** شیره مطبوخی که قوی تر از تریاک می باشد و از سوخته تریاک به دست می آید شیره تریاک ماده خمیری، سفت و غلیظ به رنگ قهوه ای تند مایل به سیاه می باشد (حسینی، ۱۳۶۸) برای تریاک آثاری از قبیل، کمتر شدن هوش و حافظه، کمتر شدن عواطف و احساسات، فاصله گرفتن شخص مصرف کننده از تاثیرات خارجی یا محیطی، فرورفتن در حالت نشاط و سرخوشی پس از مصرف آن و ... ذکر شده است.

**د- مرفین:** پودری است کریستالی به رنگ قهوه ای روشن یا سفید که از تریاک یا از ساقه خشخاش به دست می آید و به صورت پودر، قرصی، کپسول و آمپول در دسترس است و از طریق خوراکی، کشیدن،

تزریق زیرپوستی یا داخل سیاهرگی مصرف می شود که البته تزریق آن معمول تر است. طعم آن تلخ و بویی تند و زننده دارد. متوسط مرفین موجود در تریاک ۱۰٪ است یعنی از هر ده کیلو تریاک، یک کیلو مرفین به دست می آید. (حسینی، ۱۳۶۸)

**ح- هروئین:** از هر کیلوگرم مرفین ۹۰۰ گرم هروئین به دست می آید که این کار باید حتما در لابراتوار های خاص و ترکیب انیدریک استیک هم لازم است. احکام در خصوص هروئین هم مانند مرفین ذیل ماده ی ۸ اعمال می شود.

**خ- کدئین:** از دیگر مشتقات معروف تریاک است و بطور کلی داروی مسکنی است که به شکل شربت یا قرص مورد استفاده قرار می گیرد. کدئین یا از تریاک یا از مرفین به دست می آید و مصرف زیاد آن اعتیاد آور است. برای کدئین در صورت اعتیاد به آن آثاری زیانباری از جمله توقف دستگاه تنفس، اختلال گوارشی، بیهوشی و متشنج شدن به مرگ، ایجاد یبوست، ضعف قوه ی بینایی، گرفتگی عضلات و بهم خوردگی عادات ماهانه در زنان ذکر شده است. (احتشامی، ۱۳۸۵)

#### ۲-۴-۲- مواد روانگردان گیاهی

**الف- حشیش:** از سرشاخه های گلدار شاهدانه به دست می آید. حشیش نام های زیادی دارد؛ مانند بنگ، بنج، چرس گراس، شوکران، قنب هندی یا ورق قنب و ماری جوانا. اتفاقا بنگ، چرس و گراس در قانون مبارزه با مواد مخدر در ماده ی ۴ نام برده شده است. حشیش ضررهای نابودکننده تری نسبت به تریاک و مشتقات آن دارد؛ بیهوشی های مکرر در اثر اختلال وظایف مغز، کند ذهنی و کودنی، دچار فراموشی شدن، اختلال دستگاه گوارش، اختلال در حرکت قلب و از بین بردن آن، اختلال در سیستم تنفسی، ضعیف شدن سلول های جنسی و ناتوانی جنسی، تاثیر سوء بر گلبول های سفید بدن و متعاقبا کم شدن مقاومت بدنی فرد مصرف کننده از جمله آثار سوء است که مصرف حشیش باقی می گذارد.

**ب- کوکائین:** ماده ای است که از رگ برگهای گیاه در محیط قلبیایی استخراج می شود پودر سفید رنگی است که با اندک تکانی شروع به لغزیدن می کند، کوکائین به سرعت از تمام نقاط بدن و حتی از پوست سالم جذب می شود و باعث بی حس شدن آن قسمت می گردد کوکائین به صورت انفیه (کشیدن داخل بینی) تزریق وریدی یا زیر جلدی، خوردن با آب و جویدن برگ مورد استفاده قرار می گیرد. (احتشامی، ۱۳۸۵)

**ج- کراک:** کوکائین دست کاری شده (آمیزه ای است از کوکائین و جوش شیرین) که اثرات اعتیادآور آن بسیار شدیدتر از کوکائین است. به صورت مخلوط با توتون، سیگار یا پیپ استعمال می شود، مصرف چند پیپ آن باعث اعتیاد می شود. (احتشامی، ۱۳۸۵)

### ۲-۴-۳- مواد روانگردان صنعتی یا شیمیایی

می توان از ال.اس.دی، شیشه، اکستازی، نورجیزک و تمجیزک، نخ و یخ(اخیرا مورد استعمال معتادین قرار می گیرد) نام برد.

### ۲-۴-۴- مواد مخدر مجاز

در قالب قرص و آمپول از قبیل متادون، آمپول های بیهوشی ( مثل فنتانیل، تومونال) تا قرص های دیفتوکسیلات و دارو های مسکن و آرام بخش مثل: دیازپام- اکسازپام- کلردیازپوکساید و فنوباریتالها. نوع دیگر این دارو های مجاز که زیاد هم مورد استفاده ی افراد سرما خورده مخصوصا آن هایی که تب دارند قرار می گیرد قرص های کدئین دار مثل استامیتوفن است. البته نکته ای که در خصوص این مواد وجود دارد این است که مواد مزبور با تجویز پزشک به عنوان مصارف دارویی مورد استفاده قرار می گیرند. در این خصوص کنوانسیون مواد روانگردان در ماده ی نه مصرف برخی مواد مخدر به مصارف پزشکی را جاز دانسته و دولت ایران نیز به این کنوانسیون ملحق شده است و مجلس طبق ماده ی ۷۷ قانون اساسی نیز آن را تصویب کرده است. پس در حکم قانون است و لازم الاتباع است.(اسعدی، ۱۳۷۲).

### ۲-۴-۵- مواد مخدر آرام وسخت

امروزه مواد مخدر به دو مفهوم مشابه تقسیم می شود:

**الف) مواد مخدر آرام:** این واژه ترجمه ی Soft Drug می باشد. واژه ی Soft از جمله به معنای نرم، سبک، و ملایم به کار رفته و مراد از Drug نیز هر چند در لغت به معنای دارو است؛ لکن اغلب در مفهوم داروهای غیرقانونی، غیرمجاز و سرانجام مواد مخدر به کار می رود. از کنار هم قرار گرفتن این دو واژه، ترکیب وصفی مواد مخدر آرام یا نرم و یا سبک به دست می آید. مواد مخدر آرام مفهوم نسبتا جدیدی است که لاقلا در ادبیات حقوقی و اجتماعی کشور ما دارای سابقه نمی باشد. این اصطلاح به عنوان ویژگی ای از مواد مخدر با ویژگی های خاص بوده و در مقابل مفهوم مواد مخدر سخت قرار می گیرد باشد.(مطهری، ۱۳۸۷).

مواد مخدر آرام به آن دسته از موادی گفته می شود که مصرف آن احتمالا منجر به عارضه اعتیاد نخواهد شد. علاوه بر آن، مصرف آن نیز دارای آثار سؤ کمتری برای سلامت بدن خواهد بود. همچنین می توان استفاده درمانی از این قسم مواد را به عنوان ضابطه تمایز دیگری با دیگر انواع مواد مخدر دانست. بنابر مراتب مذکور مواد مخدر آرام، آن دسته از مواد مخدر است که واجد ویژگی های سه گانه ذیل باشد:

-میزان اعتیادآوری آن پایین است.

-میزان اثرات منفی آن بر بدن انسان اندک می باشد.

-امکان استفاده درمانی از آن محتمل می باشد . البته مراد از پایین بودن میزان اعتیادآوری آن از یک سو و کم بودن ضررهای جسمانی ناشی از مصرف این مواد از سویی دیگر در مقایسه با نوع دیگر مواد یعنی مخدر هاس سخت می باشد. از مصادیق مواد مخدر آرام می توان به حشیش، ماری جوآنا، DMT، MDMA، LSD، کافئین، مسکالین، سیلوسیبین اشاره کرد.

**ب) مواد مخدر سخت** : این عبارت ترجمه ی **Hard Drug** می باشد. واژه **Hard** در لغت به معنای سخت، شدید، قوی و نامطبوع است و در اصطلاح به نوع خاصی از مواد مخدر گفته می شود که معارض با ویژگی های مواد مخدر آرام می باشد .

بنابر مراتب مذکور، مواد مخدر سخت آن دسته از موادی هستند که به نسبت سایر انواع مخدرات، دارای آثار و عوارض جسمانی بیشتر و غیرقابل اغماض بوده، به هیچ وجه دارای کاربرد درمانی نبوده و به شدت فرد را معتاد و وابسته به خود می کند و با ایجاد زمینه های مصرف بیشتر در هر نوبت، خطرات اجتماعی و بهداشتی شدیدی از جمله مرگ را به همراه دارند و این مواد اغلب، شادی آور و یا افسرده کننده اند. از عمده ترین مصادیق مواد مخدر سخت نیز می توان مواردی همچون : کوکائین، هروئین، متافتامین ، را نام برد. (ابطحی، ۱۳۶۳).

## ۲-۵- انواع جرائم مواد مخدر

در خصوص جرائم مواد مخدر نکته ای که اهمیت دارد، اختصاصی بودن این جرائم است، هرچند که در بیان و تعریف و تبیین آنها از مفاهیم کلی و عمومی استفاده شده است؛ همانند: خرید، فروش، تولید، توزیع و غیره. آنچه که موجب اختصاصی شدن این جرائم و تفکیک آنها از سایر جرائم می شود، در واقع نوع فعل یا ترک فعلی است که مرتبط با مواد مخدر است که برخی مستقیم (جرائم اصلی) و برخی غیرمستقیم (جرائم وابسته) به این مواد ارتباط دارند. به طور کلی جرائم مواد مخدر به دو دسته تقسیم می شود : الف) جرائم اصلی. ب) جرائم وابسته. (باصری، ۱۳۸۶).

این تفکیک و تقسیم بندی در قوانین مختلفی که راجع به مواد مخدر به تصویب رسیده است به خوبی مشاهده می شود. در برخورد جزئی و تعیین مجازات هم با جرائم اصلی به نحو شدیدتر رفتار شده است و مجازات معین برای جرائم وابسته در واقع تابعی از مجازات جرائم اصلی قرار داده شده است.

## ۲-۵-۱- جرائم اصلی

منظور از جرائم اصلی آن دسته از جرائمی که با مواد مخدر ارتباط مستقیم دارند و عبارتند از:

### الف) کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی

برای مبارزه با مواد مخدر اولین راه، جلوگیری از کشت مواد مخدر است. زیرا در جامعه ای که مواد مخدر کاشته و به طور طبیعی تولید شود در اصل صحبت کردن از مبارزه بی فایده خواهد بود. منظور از ممنوعیت کشت مواد مخدر این است که این کار حتی به مقدار کم مانند کشت در یک مزرعه یا باغچه یا حتی یک گلدان کوچک صورت نگیرد و هم اینطور این ممنوعیت شامل همه ی مراحل زراعت اعم از کاشت، داشت و برداشت می باشد. (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰)

### ب) تولید مواد مخدر

تنها کاشتن مواد مخدر (کشت بذر یا گیاه آن) برای به دست آوردن ماده ی مخدر کافی نیست، بلکه باید مراحل طی شود (فیزیکی یا شیمیایی) تا ماده ی مخدر ساخته و تولید شود. این مراحل و عملیات را که منتج به مواد مخدر گوناگون می شود، تولید و ساخت مواد مخدر می گویند. (معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰)

### ج) واردات مواد مخدر

هرچند که پس از انقلاب اسلامی داخلی و مصرف خارجی که توسط ترانزیت مواد از کشورهای تولید کننده از جمله پاکستان و به خصوص افغانستان از مسیر ایران که بهترین و کوتاه ترین مسیر به شمار می رود به کشورهای اروپایی همچنان ادامه دارد و آمار کشف انواع مواد مخدر بیان کننده سیر صعودی واردات آن به داخل کشور است. این جرم، مادر دیگر جرائم مواد مخدر در کشور ماست. زیرا با نبودن مواد مخدر و فقدان آن دیگر بعضی از استعمال و اعتیاد و حمل و نگه داری و خرید و فروش و... مطرح نخواهد بود. هم اکنون تنها راه دسترسی به مواد مخدر در کشور ما واردات غیرقانونی آن از کشورهای دیگر است. (معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰)

### د) صادرات و ترانزیت مواد مخدر

ارسال با فعل مادی مثبت، فرستادن مواد مخدر از نقطه ای به نقطه ای دیگر است. مانند پست کردن مواد مخدر تحقق می یابد. ویژگی ای که این جرم دارد این است که عموماً شخص مرتکب در جابه جایی مواد مخدر مباشرت ندارد و این جا به جایی توسط دیگری صورت می گیرد. صادر کردن عبارت است از فعل مادی مثبت که منتهی به خارج کردن مواد مخدر از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور گردد. (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰)

ترانزیت با صادر کردن و ارسال مواد مخدر متفاوت است، در ترانزیت، مواد مخدر معمولاً به قصد عبور دادن از کشور به کشور دیگر حمل می شوند و قصد توزیع داخلی وجود ندارد ولی در ارسال و صادر کردن، وضعیت به این صورت نیست.





توان خود را برای چرخاندن چرخ سوداگری مرگ قاچاقچیان صرف کرده و مکان هایی را برای استعمال مواد مخدر دایر و اداره می کنند.

#### ب) جرائمی که با متهمان و ادله جرم مواد مخدر در ارتباط اند :

این جرائم شامل: پناه دادن یا فراری دادن متهم یا محکومان مواد مخدر و اخفاء ادله جرم مواد مخدر است. اعمال سیاست جنایی تقنینی مناسب در امر مبارزه با مواد مخدر در مرحله کشف جرم هم باید مد نظر قرار گیرد تا متهمان نتوانند پس از ارتکاب جرم از اجرای عدالت بگریزند، چرا که در غیر این صورت خاصیت اربعایی مجازات از بین خواهد رفت و مجازات اثر اجتماعی خود را از دست خواهد داد. زمانی مفهوم جرم و مجازات یکدیگر را تداعی می کنند که متهم یا مجرم بداند بلافاصله پس از ارتکاب جرم به مجازات خواهد رسید و این ممکن نخواهد شد مگر با اعمال تدابیر و رسیدگی های به موقع، سریع و قاطع و جلوگیری از اختفاء متهم و امحاء آثار و ادله جرم. (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۰)

#### ج) جرائمی که با آلات و ادوات استعمال و تولید مواد مخدر در ارتباط اند :

این جرائم شامل: واردکردن، ساختن، خرید یا فروش، حمل، نگه داری و اختفاء آلات و ادوات استعمال مواد مخدر می باشد.

#### د) جرائمی که با خود مواد مخدر ارتباط دارند :

این جرائم شامل: تقصیر مأموران در جلوگیری از ورود مواد مخدر به زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگه داری معتادان، اختصاص دادن مکانی به منظور انبار کردن، تولید یا توزیع مواد مخدر، واردکردن مواد مخدر به زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگه داری معتادان، قراردادن مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال آن در محل به قصد متهم کردن دیگری و ایراد آنها بر خلاف واقع به دیگری، کوتاهی اعضای شورای اسلامی یا فرماندهان پاسگاه ها و حوزه های انتظامی در گزارش و اطلاع به مراجع ذی صلاح مبنی بر کشت مواد مخدر در حوزه های شهر و روستا. (بکاریا، ۱۳۶۸).

#### ۲-۶- آثار سوء گرایش به مواد مخدر

در این گفتار سعی بر آن داریم که عوارض ناشی از مصرف، سوء مصرف، زیانهای جسمی، روانی، اقتصادی، فردی، اجتماعی و سیاسی مواد مخدر را معرفی نمائیم، که در این رابطه مطالب مشروحی در کتب پزشکی، جامعه شناسی و ... آمده است، که به برخی از آنها اشاره ای می کنیم:

#### الف) زیان های جسمی و روانی کوکائین

۱- تند شدن ضربان قلب و نامنظم شدن فشارخون

۲- درد ناحیه شکم، اسهال یا یبوست، بی میلی و بی اشتها

۳- کاهش حس بویایی، آبریزش بینی

- ۴- انسداد رگها که باعث بالا رفتن فشارخون شده و گاهی سبب پارگی رگ های مغز و خونریزی های مغزی و سگته می شود.
- ۵- بعد از چند بار مصرف حالت های روانی خاصی مانند احساس یا توهم شنیدن صدای مردگان، دیدن حیوانات عجیب و غریب و احساس شدید حقارت درونی در فرد ایجاد می شود.
- ۶- در صورت مصرف کوکائین در زمان بارداری، نوزاد نارس یا حتی غیرطبیعی متولد می شود.
- ۷- اختلال در کار سلول های بینایی باعث توهمات و رؤیت اشیاء رنگی در محدوده بینایی می گردد. (احتشامی، ۱۳۸۵)

#### ب) عوارض و زیان های تریاک و شیره :

تریاک: در قدیم الایام به عنوان دارو برای اکثر بیماری ها مصرف می شد، اما امروزه می دانیم که تریاک خاصیت دارویی ندارد و فقط مسکن و آرام بخش است. و امروزه در علم پزشکی مصرف تریاک و شیره منع شده و زیان هایی به شرح ذیل دارد: ضایعات و آسیب های مغزی و عصبی ، خارش پوست بدن، ناراحتی و کندی تنفس، خشکی دهان ، لکنت زبان ، افسردگی ، بدخلقی ، بی علاقه گی به کار ، انزوا طلبی ، عفونت ریوی ، ایست قلبی در مصرف زیاد ، تهوع و استفراغ ، کاهش اسید معده و اختلال در هضم غذا ، کاهش فعالیت روده کوچک و بزرگ ، یبوست مزمن، بی اشتها، کاهش وزن و سوء تغذیه (گودرزی، ۱۳۷۷) در بعضی تحقیقات پزشکی در ایران نشانه هایی از سرطان مثانه و مری در معتادان به تریاک دیده شده است. (احتشامی، ۱۳۸۵)

#### ج) زیانهای جسمی و روانی هروئین

مصرف هروئین زیان های جبران ناپذیری بر اعضای بدن معتاد وارد می سازد و آنها را در معرض بیماری های گوناگونی قرار می دهد که به پاره ای از آنها اشاره می کنیم : اختلالات قلبی و عروقی، کبدی و تنفسی، اختلال شدید در سیستم اعصاب مرکزی، عفونت مغز، بیماری های مختلف ناشی از آسیب دیدن بخشی از سلول های مغز و نخاع، اغما و مرگ بر اثر مصرف زیاد ، انسداد ناگهانی رگهای تغذیه کننده ریه و عفونت لایه داخلی و دریچه های قلب ، عفونت، التهاب و بیماری مزمن کبد، سخت شدن دیواره و التهاب عروق، عفونت استخوان، نارسایی و عفونت کلیه ها ناشی از حساسیت، بیماری ایدز ناشی از تزریق با استفاده از سرنگ مشترک ، سقط جنین، خونریزی در دوران بارداری. (جهانبخش اصل، ۱۳۵۹).

#### د) زیانهای جسمی و روانی حشیش

حشیش ماده اعتیادآور خطرناکی است که اثرات سوء آن بستگی به میزان مصرف، نوع حشیش، ویژگی های جسمی - روانی مصرف کننده در زمان و مکان مصرف دارد و در شرایط گوناگون، آثار زیانبار مواد مخدر، محرک توهم زا و... را در مصرف کننده به وجود می آورد. برخی از اثرات سوء مصرف حشیش عبارت است از:

- ۱- اختلال در قوه حافظه و درک زمان و مکان، هیجان، ترس، احساس طرد شدگی، غرق شدن در اوهام
- ۲- انتقال سموم حشیش به بدن جنین و رشد ناقص آن
- ۳- قلب مختل کردن بینایی و شنوایی، خواب آلودگی، قرمزی چشم، گشاد شدن غیرعادی مردمک چشم

۴ - بروز حملات آسم، تورم مجرای تنفسی، تغییرات فشارخون و ضربان

## ه) عوارض روانی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی اعتیاد

### ۱- عوارض روانی

بر هم خوردن تعادل روانی، عدم توجه به اصول و مقررات جامعه، ضعف اراده، از بین رفتن احساس مسوولیت، ایجاد احساسات خصومت زا، بی قراری، عصیانگری، اضطراب دائم و احساس بی کفایتی و تنهایی، اختلال در خواب، بروز انواع بیماری ها و اختلالات روانی.

### ۲- عوارض خانوادگی

ناسامانی خانوادگی، محدود شدن روابط خانوادگی، عدم تربیت صحیح فرزندان، خشونت در خانواده، افت سطح فرهنگ اجتماعی و اقتصادی خانواده، گسترش طلاق و کاهش آمار ازدواج.

### ۳- عوارض اجتماعی

مصرف کننده صرف شدن، عدم احساس مسوولیت نسبت به خانواده و جامعه، سطحی و تصنعی شدن روابط اجتماعی و دوری از پیوندهای مستحکم عاطفی، گسترش جرم و جنایت، نشر بیماری های واگیر و خطرناک مثل ایدز و هپاتیت، محروم شدن نسل آینده از تربیت صحیح و ایجاد مشاغل کاذب.

### ۴- عوارض اقتصادی

هزینه بالای استعمال مواد مخدر، هزینه درمان و نگه داری معتادان، کاهش راندمان کار، وقوع آتش سوزی های بزرگ، هزینه های مبارزه با ورود مواد مخدر به داخل کشور، هزینه قضات و دادگاه ها در این خصوص، هزینه اجرای طرح های تحقیقاتی و تشکیل سمینارها. (سایت مرکز تحقیقات اعتیاد پژوهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان)

## د) کیفرهای جرائم مربوط به مواد مخدر در نظام حقوقی ایران

جرم نوعی نابهنجاری است که در جوامع مختلف مصادیق متفاوتی دارد، ممکن است یک فعل یا ترک فعلی که در جامعه ایرانی جرم محسوب می شود در جوامع دیگر جرم نباشد یا آنکه مجازات های یک بزه در جوامع مختلف متفاوت باشد برای مثال مجازات سرقت و... در جوامع مسلمان با سایر جوامع فرق می کند. مصرف و مقدمات مصرف مواد مخدر، از قبیل: تولید، توزیع، خرید و فروش و دایر کردن محل برای مصرف مواد مخدر طبق قانون مجازات، جرم و در فتاوی مراجع عظام تقلید و به حکم عقل سلیم

در اسلام حرام است، چنانچه در کنوانسیون های بین المللی هم ممنوع شده و در تمام کشورها نوعی بزه و ناهنجاری می باشد.

البته مجازاتهای جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر در کشورهای مختلف، متفاوت است، در برخی از کشورها مجازات اعدام برای مواردی ویژه از این جرائم مقرر شده و در کشورهای مانند انگلیس، اتریش، فرانسه و... مجازاتهای حبس ابد یا طولانی مدت سی سال و مصادره اموال و... معین کرده اند. برخی از مجازات ها مانند حبس، مصادره دارایی های حاصل از قاچاق مواد مخدر، محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی، جنبه بین المللی دارد و در کنوانسیون های معتبر بین المللی مانند کنوانسیون ۱۹۸۸ هم پیش بینی شده اند.

البته حقوق دانان برخی از کشورهای غربی، اعتقادی به اجرای مجازات اعدام که سلب حق حیات از یک انسان است و چه بسا توالی فاسد دیگری را برای بستگان فرد معدوم به بار می آورند، ندارند.

مضافاً اینکه در مواردی، اثر بازدارندگی اعدام، در کاهش قاچاق مواد مخدر (به خاطر آنکه اغلب اعدام شدگان مقامات تصمیم گیرنده و رؤسای باندهای سازمان یافته تبهکار قاچاق مواد مخدر نیستند و بلکه افراد اجیر شده یا به تعبیر تجار مرگ، «مورچه ها» می باشند که به محض اعدام شدن، جای خالی آنها را افراد فقیر دیگر پر میکنند) تأیید نشده و تجربه چهل ساله جهانی تأیید می کنند که این اعدام ها در استمرار قاچاق مواد مخدر خللی بوجود نیاورده است. (اسعدی، ۱۳۸۲)

قانون گذار ما بر حسب نوع نگرشی که به پدیده مجرمانه دارد، نوع ضمانت اجرا که مجازات باشد یا اقدام تأمینی بر می گزیند. گاهی دید مقنن حکایت از تنبیه و سزادهی مجرم دارد و گاهی هدفش عبرت آموزی دیگران است. زمانی که به اصلاح مجرم و بازاجتماعی کردن او توجه می کند و گاهی هم چاره ای جز طرد و سرکوب کردن و حذف مجرم نمی باشد، در جرائم مواد مخدر که موضوع مورد بحث ما میباشد، قانون گذار ما در طول سالهای گذشته همواره با شدت مجازات ها خواسته است که به اهداف خود برسد، روح حاکم بر قوانین، اغلب مبتنی بر شدت و حدت بوده است و با تغییرات جزئی تقریباً روند یکسانی را طی می کند. تفاوت عمده در میزان مجازات ها است نه در نوع آنها گاهی به اعدام تکیه شده است و گاهی به حبس های طویل المدت و اخیراً هم بر جریمه های سنگین. (سینایی، ۱۳۹۲)

## ۲-۷-۱- کیفر اعدام در جرائم مواد مخدر

اجرای مجازات اعدام از قدیم در میان ابناء بشر معمول بوده و پس از متمدن شدن انسان و برقراری پاره ای مقررات برای نظم اجتماعی و نزول احکام الهی و حکومت ادیان، اجرای مجازات اعدام درباره جرائم خاصی استمرار یافته و تا اواخر قرن هجدهم میلادی سابقه ای از مذمت کلی اجرای مجازات اعدام در نوشته ها دیده نمی شود. شاید « بکاریا » نخستین کسی باشد که درباره حذف مجازات اعدام باب سخن

را گشوده و افکار عده ای را به این امر جلب نموده است. بعد از بکاریا برخی از دانشمندان غربی این تفکر را دنبال کردند که هم اکنون مجازات اعدام در تعدادی از کشورها اعمال نمی شود. البته شایان ذکر است که حذف کیفر اعدام از مجازاتهای قانونی در بعضی از جوامع (اسرائیل) به خاطر بشر دوستی و احترام به حق حیات انسان ها نیست، بلکه منشأ نژادپرستی دارد و در این قبیل کشورها تمسخر اعلامیه حقوق بشر، نمایانگر نیرنگ و فریب می باشد. (اسعدی، ۱۳۸۲)

علت عمده مخالفت ها نسبت به مجازات اعدام بر مبنای چند نکته استوار است: نخست، اگر یکی از هدفهای مجازات اصلاح مجرم باشد، به لحاظ حذف فیزیکی وی اصلاح صورت نمی پذیرد نقض غرض است؛ دوم: اگر هدف از اجرای چندین مجازات سنگینی کاهش وقوع جرم باشد، بنا به قرائن و شواهد و آمارهای موجود در جوامع مختلف، به ویژه در جرائم مواد مخدر، عمده‌اً چنین کاهشی مشاهده نشده است. (اکبری، ۱۳۸۶)

در این جا بر آن نیستیم که در خصوص مجازات اعدام در زمینه همه جرائمی که به نوعی مجازاتشان اعدام است، از قبیل قتل عمد، زنا با محارم و... بحث نماییم؛ چون در شرع انور اسلام از باب حدود، در مورد جرمی چون قتل عمدی، قصاص تجویز گردیده و در قرآن کریم آمده «ولکم فی القصاص حیات» یا اولی الالباب لعلکم تتقون» (و شما راست در قصاص زندگانی، شاید پرهیزگاری کنید). در مورد قاتل عمد نیز نه تنها در شرع توصیه به عفو شده است، حتی قاتل، برادر اولیاء دم خطاب شده که خود نکته ای است بس ظریف و قابل تعمق و تأمل. زیرا، دین مبین اسلام، دین رافت و رحمت است و همیشه گذشت و عفو را بر انتقام کشی و کینه جوئی ترجیح داده است، لکن، قصاص خود حیات بخش است. ولی موضوع بحث ما در اینجا اعدام در قبال جرائم مواد مخدر است که هم در قوانین سابق و هم در قوانین موضوعه فعلی برای جرائم مواد مخدر پیش بینی شده و در هر دوی قوانین با شدت و ضعف در زمان های مختلف اجرا گردیده است.

مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر در ایران، نزدیک به پنجاه سال، بعد از تصویب قانون تحدید تریاک (در سال ۱۲۸۹ در دوره دوم مجلس شورای ملی مقرر شده در ماده ۴ قانون) راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ مجازات اعدام ذکر شده که تاکنون در مواردی از جرایم مواد مخدر اجرا می شود قبل از این تاریخ مجازات اعدام در قوانین مربوط به جرائم مواد مخدر در ایران مقرر نشده بود. (اسعدی، ۱۳۸۲)

در سالهای اخیر یکی از محورهای تشدید مبارزه، بکارگیری اهرم مجازات خصوصاً اعدام در کنار افزایش فیزیکی در برخورد قاچاقچیان و مرتکبین جرائم مواد مخدر بوده است. در قانون مبارزه با مواد مخدر (اصلاحی، ۲۶ مهر ۱۳۹۶) در ۹ مورد از مجازات اعدام یاد شده است. به لحاظ اهمیت موضوع و تحلیل موارد آن هر یک را جداگانه بررسی می کنیم:

۱- هرکس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت بار چهارم اعدام خواهد شد (ق م م م).

۲- هرکس بیش از پنج کیلوگرم بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد، به اعدام محکوم می شود. (اسعدی، ۱۳۸۲)

۳- اگر میزان مواد مخدر بیش از بیست کیلوگرم باشد مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می شوند شایان ذکر است مقنن طی تبصره ای این را نیز در قانون مصوب جدید تصریح نموده که هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می نماید. (اسعدی، ۱۳۸۲)

همانطور که ملاحظه می شود به سه موضوع برای تعیین مجازات اعدام توجه شده که همگی باید احراز شوند:

الف- میزان ماده ی مخدر: که باید از پنج کیلوگرم بیشتر باشد. مقدار پنج کیلوگرم و کمتر از آن مجازات اعدام نخواهد داشت و حسب مورد مشمول مجازات های دیگر است.

ب- نوع ماده مخدر: که از میان انواع مواد مخدر موجود فقط بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته و تفاله تریاک می باشد.

ج- فعل مجرمانه: که افعال وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش یا در معرض فروش قرار دادن مد نظر می باشد.

۴- هر کس پیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگه داری، مخفی یا حمل کند در مرتبه سوم اعدام می شود. مفهوم مخالف آن، این است که ارتکاب جرائم مذکور در مرتبه اول و دوم مجازات اعدام نخواهد داشت. در مورد مشمول حکم اعدام به این جرائم به چهار نکته توجه شده است:

الف- میزان مواد مخدر، بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم

ب- نوع مواد مخدر، شامل همان مواد مخدر مذکور در ماده ۴

ج- افعال مجرمانه، یعنی خرید، نگهداری، مخفی کردن، حمل کردن

د- مرتبه ارتکاب جرم، فقط بار سوم مرتکب به اعدام محکوم می شود.

۵- اگر کسی بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم تریاک و مواد مخدر مذکور در ماده را خرید، نگه داری، مخفی و حمل کند و این بار دوم مرتکب شود به اعدام محکوم خواهد شد.

تفاوت بند ۴ و ۵ در دو مطلب است :

میزان مواد مخدر ، که در بند ۵ بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم عنوان شده است.  
۶- مرتکب جرم ، که در بند ۴ مرتکب مرتبه سوم به اعدام محکوم می شود ولی در بند ۵ مرتکب در صورت تکرار و مرتبه دوم اعدام می شود .

۷- اگر یکی بیش از یکصد کیلوگرم مواد مخدر در ماده ۴ را خرید، نگه داری، مخفی و حمل کند در مرتبه اول به حبس ابد و در صورت تکرار جرم به اعدام محکوم خواهد شد.

۸- در مورد جرائم مذکور در ماده ۴ در بند های ۱، ۲، ۳ در نتیجه تکرار میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

۹- هرکسی که بیش از سی گرم، هرکس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل امید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ) یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند به اعدام محکوم می شود.  
(اسعدی، ۱۳۸۲)

۸- ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۸ قانون مادام که میزان مواد مخدر بر اثر تکرار جرم به سی گرم برسد در مرتبه چهارم مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود و چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود.

الف- مقنن طی تبصره ای در این ماده تصریح نموده هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۶ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

۹- اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد  
(اسعدی، ۱۳۸۲)

الف- قید مسلحانه تنها صفتی است که مرتکب قاچاق مواد مخدر را مستحق مجازات اعدام می سازد و باید به خوبی تبیین شود تا شامل سلاح گرم، سرد یا هردو گردد.



## ۲-۷-۲- کیفر حبس ابد

یکی از مجازات‌هایی که همراه با تاریخ تمدن بشر معمول بوده و هست محبوس کردن مجرم است و توام با توسعه ی فکری و مدنیت بشر کیفیت حبس و زندان ها هم تغییر یافته از سیاه چال های زمان فراغنه مصر تا زندان های امروزی که مجهز به تأسیسات مدرن است همه زندان نامیده می شوند و اسلام نیز حبس را پذیرفته و حتی در برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ۱۵ سوره نسا نوعی حبس ابد تجویز شده و حضرت علی(ع) زندانهای نافع و مخیس را ساخته است. (کی نیا، ۱۳۷۳).

در جوامع امروزی هم کشوری در جهان وجود ندارد که زندان نداشته و مجازات زندان را به کلی لغو کرده باشد البته سازمان اصلاحات جزایی بین المللی که در سال ۱۹۸۹ در لندن تأسیس شده و برای سازمان ملل متحد و شورای اروپا نقش مشاور را دارد و در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت ها دارای سمت ناظر است و از دولت خاصی تبعیت نمی کند، مجازات های جانشین برای حبس و زندانی کردن مجرم پیشنهاد کرده است. این سازمان می گوید: باید درباره مجرمان از مجازات های سازنده غیرسالب آزادی استفاده کرد و بنابراین اعتقاد، بایستی در جهت توسعه گسترش شیوها و الگوهای مربوط به جانشین کردن مجازات های غیرسالب آزادی به جای حبس، تدابیری اندیشید. این سازمان که معایب زندان را به تفصیل برشمرده مجازات حبس را مذمت میکند و از مجازات های جانشینی مانند جریمه نقدی، انجام خدمات اجتماعی، پروبیشن (مجازات تعلیقی بدون صدور حکم)، تعلیق مجازات، منع اقامت در یک محل معین و... طرفداری می نماید. (اسعدی، ۱۳۸۲)

بر خلاف مجازات اعدام که علیه تمامیت جسمانی شخص مجرم اعمال می شود، مجازات حبس، آزادی رفت و آمد وی را به طور کامل در زمان های طویل المدت یا کوتاه مدت محدود می کند. بنابراین حبس مجازاتی سالب آزادی محسوب می شود و از این نظر که مجرم جان خود را حفظ می کند از مجازات اعدام بسیار خفیف تر است.

در قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۷۶ مجازات حبس در ۲۱ مورد به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده است، قانون گذار در تعیین این مجازات از سه روش مختلف استفاده کرده است:

### الف) تعیین مجازات حبس با مشخص نمودن حداقل و حداکثر

در اغلب موارد مجازات حبس به صورت حداقل و حداکثر مقرر شده و اختیار تعیین آن بر عهده قاضی گذاشته شده است. در تعیین حبس با حداقل و حداکثر، نظم و ترتیب مشخص وجود ندارد و قانون گذار سلیقه های مختلفی را اعمال کرده است.

۱ - مجازات حبس تا سه سال (بند ۲- ماده ۴ ق. م. م. م) که حداقل آن یک روز حبس محسوب می شود.

۲- مجازات دو تا پنج سال حبس

۳ - مجازات ده تا پانزده سال حبس

۴ - مجازات حبس به طور متغییر در موارد مختلف در نظر گرفته شده است مانند مجازات سه تا پانزده سال حبس، پنج تا ده سال حبس، پنج تا هشت سال حبس، یک تا دو سال حبس، چهار تا دو سال حبس و سه ماه تا شش ماه حبس.

ب) تعیین مجازات به صورت معین و مقطوع، بدون ذکر حداقل و حداکثر.

۱- بیست سال حبس

۲- بیست و پنج سال حبس

ج) حبس ابد

طریق دیگری که در قانون به چشم میخورد تعیین مجازات حبس ابد است، که همواره آن را به عنوان یک مجازات جانشین برای اعدام معین کرده است. حبس ابد هیچ گاه در بادی امر به عنوان مجازات اولیه اصلی لحاظ نشده است. به این معنی که در هر جا مجازات اعدام به لحاظ فقرشرایطی قابل اعمال نباشد، به جای آن حبس ابد قرار داده شده است.

۲-۷-۳- کیفر شلاق

تاریخ حقوق اسلام نشان می دهد که مهم ترین نمونه مجازات های تعزیری، مجازات شلاق می باشد به ویژه در جرایمی همچون شرب خمر که این مجازات به خوبی می تواند لذت ناشی از گناه را از جسم مجرم بزداید و تناسب میان جرم و مجازات به خوبی برقرار گردد اما مکاتب کیفری جدید به ویژه مکتب دفاع اجتماعی که جامعه را در پرورش اعضای مجرم خود، گناهکار می داند و به عدم تنافی مجازات با کرامت انسان ها تأکید فراوان دارد نسبت به این مجازات روی خوشی نشان نداده اند و در نتیجه شاهد سپرده شدن مجازات شلاق به زرادخانه های قانونی کشورها هستیم، برخلاف قوانین ایران که کماکان ارزش و اعتبار این مجازات را به ویژه در حدود و جرائم خشن، حفظ کرده است و در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز شاهد پیش بینی سی و یک مجازات شلاق می باشیم که بر سایر مجازات ها فزونی دارد. (زراعت، ۱۳۸۶)

از این سی و یک مورد شلاق پیش بینی شده در قانون مبارزه با مواد مخدر در یک مورد مجازات انحصاری است و در یک مورد هم قاضی مخیر است که جریمه نقدی بدهد یا شلاق. (ساک، ۱۳۸۰) در سایر مواد مجازات شلاق به همراه مجازات های دیگر (حبس، جریمه نقدی) مقرر شده است. حداقل مجازات شلاق یک ضربه است و حداکثر آن هفتاد و چهار ضربه تعیین شده است.

قانون گذار در تعیین این مجازات به سه روش عمل کرده است:

۱- تعیین یک مقدار مشخص، بدون ذکر حداقل و حداکثر.

۲- تعیین مجازات شلاق با ذکر حداکثر، بدون ذکر حداقل.

۳- تعیین مجازات شلاق با ذکر حداقل و حداکثر.

بیشترین فاصله بین حداقل مجازات شلاق بین یک تا هفتاد ضربه است. (ساک، ۱۳۸۰)

البته مجازات تا هفتاد و چهار ضربه مدکور در ماده ۱۶ هم به نوبه خود بیشترین فاصله حداقل و حداکثر را می‌رساند.

#### ۲-۷-۴- جزای نقدی

مجازات های مالی و از جمله مصادره اموال و جزای نقدی، مجازاتی متناسب با جرائم مواد مخدر است که با انگیزه تحصیل درآمدهای نامشروع صورت می‌گیرد. احکام این مجازات ها تابع قواعد عمومی است اما در مورد امکان تقسیط مجازات و میزان حبس بدل از جزای نقدی، مقررات خاصی در ق. ا. م. م. م. پیش بینی شده است که باید مورد توجه قرار بگیرد. (زراعت، ۱۳۸۶)

جزای نقدی یکی از رایج ترین محکومیت مالی است که علیه اموال فرد مجرم اعمال می‌شود. در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجازات جریمه نقدی در ۲۵ مورد بکار رفته است که در مقایسه کلی با قانون مصوب ۱۳۷۶ می‌توان گفت که اکثر جریمه ها ده برابر شده است.

این افزایش جریمه های نقدی هرچند که با انگیزه های درست و منطقی صورت گرفته است ولی در عمل موجب افزایش تعداد زندانیان مواد مخدر شده و آنها که اغلب افرادی فقیر و ندار هستند مجبورند به جای پرداخت جریمه به زندان بروند. در قانون مبارزه با مواد مخدر در تعیین جریمه نقدی به چهار روش تعیین جریمه با ذکر حداقل و حداکثر، تعیین جریمه نقدی بدون ذکر حداقل و تعیین جریمه نقدی که به روش کیلویی معروف شده است استفاده کرده است. (حبیب زاده، ۱۳۷۰).

#### ۲-۷-۵- ضبط و مصادره اموال

شاید بتوان گفت مصادره اموال قاچاقچیان، جزای نقدی و جلوگیری از شست و شوی درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر مؤثرترین بازدارنده از ارتکاب جرائم مرتبط با عرضه ی مواد مخدر است. زیرا وقتی قاچاقچیان بدانند که هرچه را از طریق قاچاق مواد مخدر به دست می‌آورند از آنها گرفته می‌شود، به فکر کسب درآمد از راه هایی می‌فتد که دست آورد او را دولت ضبط نکند و متعلق به خودش باشد.

مجازات مصادره اموال ناظر به اموالی است که از راه نامشروع و مجرمانه تحصیل می‌شود اما این مجازات که در مواد ۴ و ۸ (ق. ا. ق. م. م. م) پیش بینی شده است شامل کلیه اموال مجرمان می‌شود هرچند از راه نامشروع به دست نیامده باشد و این اقدام قانون گذار قابل تأمل است به ویژه که اثبات مشروع بودن منبع تحصیل اموال نیز تأثیری نخواهد داشت. (زراعت، ۱۳۸۶)

در قانون مبارزه با مواد مخدر از میان قوانین جزایی دیگر، بیشترین موارد ضبط و مصادره اموال مورد حکم قرار گرفته است. در مورد مصادره اموال به عنوان مجازات در ردیف سایر مجازات ها قرار گرفته است ( در شش مورد همراه اعدام آمده است و در مورد همراه حبس ابد و در یک مورد هم با حبس موقت مورد حکم قرار گرفته است) مجازات مصادره اموال در قانون مبارزه با مواد اختصاص به جرائم سنگین و قاچاق مواد مخدر به صورت عمده و کلان دارد. (رحم دل، ۱۳۸۶).

۱- حکم مصادره اموال موضوع ماده ۲۸ به خود اموال تعلق می گیرد زیرا منشأ تحصیل آنها نامشروع است و از راه قاچاق مواد مخدر بدست آمده اند.

۲- اگر مصادره اموال از باب مجازات باشد، حتماً باید هزینه زندگی متعارف برای خانواده محکوم مستثنی شود. هر جا که قانون، حکم مصادره به عنوان مجازات داده است، این قید را بلافاصله ذکر نموده است. ولی مصادره اموال موضوع ماده ۲۸ چنین مستثنایی ندارد. زیرا در اولی موضوع حکم جرم است، ولی در دومی خود مال نامشروع مورد حکم قرار می گیرد.

۳- ضبط واحد صنعتی، تجاری و خدماتی

۴- در قانون مبارزه با مواد مخدر در مواردی به ضبط اموال اشاره شده است:

- ضبط واحد صنعتی، تجاری، خدماتی که برای انبار کردن، تولید یا توزیع مواد مخدر فراهم شود یا مورد استفاده قرار گیرد و یا به این منظور در اختیار دیگری گذاشته شود. به نظر میرسد که شامل محل مسکونی نمی شود، زیرا قانون در مورد مکان های صنعتی، تجاری خدماتی از لفظ واحد استفاده کرده است ولی در مورد مکان مسکونی از واژه محل. (ساک، ۱۳۸۰)

- ضبط واحد تولیدی یا تجاری یا خدماتی که به منظور استعمال مواد مخدر دایر شده باشد، ضبط آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر.

## فصل سوم

# بررسی مجازات اعدام در رابطه با جرائم مواد مخدر در حقوق جزایی ایران

### ۳-۱- سابقه ی قانونی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر

وجود قانون در هر جامعه ضروری می باشد. در هر جامعه محدودیت هایی است که به نفع جامعه، بر آحاد جامعه تحمیل می شود این محدودیت ها همان مقررات بازدارنده اند. ارزشها و امور اجتماعی از آنجایی که باعث محدودیت می شوند و آزادی افراد را تحت تأثیر قرار می دهند واقعی هستند. مسئله عرضه و مصرف مواد مخدر در ادوار مختلف تابع اوضاع و احوال آن دوره ها بوده و از فرهنگ اجتماعی آنها متأثر شده است. از صد و پنجاه سال پیش قدرت های استثمارگر همانطور که قانون گذاری در جریانات سیاسی و اقتصادی رابه مردم ما تحمیل کرده بودند در مورد مواد مخدر نیز همین کار را می کردند وقوانین آن را اغلب به نفع بیگانگان تغییر می دادند. باید اعتراف کرد که پس از ۹۲ سال قانون گذاری و دهها بار تغییر در مقررات مربوط به مواد مخدر، هنوز نتوانسته ایم بازدارنده های قانونی جامع، مانع، کاربردی و مفیدی در پیشگیری از قاچاق و مصرف مواد مخدر داشته باشیم. اما می توان نقطه مشترکی که در تمام سیاست های متخذه قانون گذار نسبت به مواد مخدر در ادوار مختلف وجود داشته را، تلاش جهت از بین بردن بزهکاری ناشی از مواد مخدر یا حداقل جلوگیری از رشد آن برای تأمین سلامت امنیت و آرامش اجتماع نامید. (حبیب زاده، ۱۳۷۹).

در این مبحث به بررسی وضع مجازات اعدام در قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در قبال مرتکبین به مواد مخدر می پردازیم:

### ۳-۱-۱- مجازات اعدام در قبال مواد مخدر در قوانین قبل از انقلاب

در ایران تا قبل از مشروطیت کشت خشخاش و برداشت تریاک و فروش آن هیچ گونه ممنوعیتی نداشت و مانند سایر اجناس آزادانه خرید و فروش می شد. جامعه ملل با شروع مبارزات خود علیه مواد مخدر، در آن زمان افکار جهانیان را نیز روشن کرد. این امر سبب شد تا عده ای از روشنفکران و جوانان و علمای دینی صدر مشروطیت از دولت وقت بخواهند تا از توسعه روزافزون تریاک جلوگیری کنند، لذا در تاریخ ایران برای اولین بار در سال ۱۳۲۹ ه. ق قانونی معروف به "قانون تحدید تریاک" از تصویب مجلس شورای ملی وقت گذشت قوانین مرتبط با مواد مخدر از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴ تاکنون دستخوش تغییرات فراوانی گردیده است که از جمله می توان به لایحه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸ و لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی در قبل از انقلاب اسلامی اشاره کرد.

این تغییرات، بعد از پیروزی انقلاب نیز با شدت و حدت بیشتری ادامه یافت که از جمله مهم ترین آنها، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحات عمده مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۷۶ و

همچنین اصلاحات جدیدی که توسط این نهاد در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۹ در قانون سابق انجام پذیرفته و در روزنامه رسمی شماره ی ۹۴۹۱/۸۹۱۶۷ در تاریخ ۸۹/۹/۲۳ انتشار یافته است.

نزدیک به پنجاه سال، بعد از تصویب قانون تحدید تریاک (در سال ۱۲۸۹ دوره ی دوم مجلس شورای ملی) مجازات اعدام برای قاچاق مواد مخدر در ایران، مقرر شد: در ماده ۴ قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۸ مجازات اعدام ذکر شده، که تاکنون در مواردی از جرائم مواد مخدر اجرا می شود، که قبل از این تاریخ مجازات اعدام در قوانین مربوط به جرائم مواد مخدر در ایران مقرر نشده بود. (اسعدی، ۱۳۸۲)

الف) بنابراین برای نخستین بار در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۸ قانون راجع به اصلاح منع کشت خشخاش و استعمال تریاک به تصویب رسید که به موجب ماده ۴ این قانون، برای تکرار جرم سازنده یا واردکننده هر یک از مواد مخدر مذکور در ماده ۱ آن مجازات اعدام وضع شد، این ماده مقرر می دارد: « مجازات سازنده یا واردکننده هر یک از مواد مخدره مذکور در ماده ۱ حبس موقت با اعمال شاقه از پنج سال تا ۱۵ سال و پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ پانصد ریال برای هر گرم از مواد افیونی و سه هزار ریال برای هر گرم از سایر ادویه مخدره است و در صورت تکرار مجازات مرتکب علاوه بر جزای نقدی اعدام است.» آقای احمد طباطبایی یکی از مخالفان وضع مجازات اعدام است. او بعد از مقدمه ای می گوید: «یک وقتی ما میگوییم آقای دولت شما بیاید اگر کسی دزدی کرد اگر کسی مال کسی را برد انگشت هایش را ببرید می گویند که این قانون ارتجاعی است و مال ۱۳۰۰ سال قبل است اما بعد می بینیم که قانون می آورند که اگر کسی هروئین ساخت اعدامش کنید من نمی دانم چرا این ارتجاعی نیست؟ آن دزدی می کند به جامعه لطمه می زند می گویند ارتجاعی است. اما اعدام ارتجاعی نیست.»

در مقابل، آقای دکتر امین یکی از نمایندگان موافق مجازات اعدام استدلال خود را چنین بیان می دارد: « اگر ۴ نفر قاچاقچی را بگیرند و اعدام کنند و از بین ببرند بنده قطع دارم ۴۰۰ نفر به خاطر آن ۴ نفر خواهند ترسید و اقدام به قاچاق ۴۱۱ نفر نخواهند کرد. من از دولت تقاضا دارم... در هیأت دولت مطرح بفرمایید و قاچاقچی ها را شدیداً تعقیب کنند... الخائن خائف...»

بنده چون جراح هستم میدانم اگر یک عضوی خراب شد باید فوراً قطع بشود، دو تا قاچاقچی را اگر تنبیه کردند و اعدام نمودند بنده یقین دارم که اشخاص زیادی خواهند ترسید و جنایتکاران دست به جنایت و قاچاق نخواهند زد.» (خزائی، ۱۳۷۵).

با بررسی مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس وقت و همچنین اقدامات دولت وقت می توان نتیجه گرفت، به خاطر گستردگی کشت خشخاش در سراسر کشور و فزونی روزمره معتادین و فشارهای بین المللی که منجر به تصویب قانون منع کشت خشخاش در سال ۱۳۳۴ گردید و عدم جواب دهی همان قانون در پیشگیری از ورود تریاک علی رغم منع کشت آن در داخل کشور و توفیق نسبی در آن ورود سایر ادویه

مخدره خطرناک تر از تریاک از قبیل: هروئین، مرفین، کوکائین، مسئولین وقت را وادار می کند جهت تشدید مبارزه با واردکنندگان و سازندگان مواد مخدر تمهیداتی را پیش بینی کنند، یکی از طرقی که پیشنهاد شده و در مجلس به تصویب می رسد، مجازات مرگ برای سازندگان و واردکنندگان مواد مخدر است، در صورت تکرار جرم عمده مقنن چنانکه شرح آن در مشروح مذاکرات نمایندگان وقت گذشت ارباب قاچاقچیان است و عبرت سایرین. (سینایی، ۱۳۹۲)

ب) به هر حال در ۳۱ خرداد سال ۱۳۴۸ قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرائم مذکور به تصویب رسید. در حقیقت بنا به عللی در عدم موفقیت قانون ۱۳۲۸، با وضع این قانون نوعی عقب نشینی شد. در مقابل تعداد روزافزون قاچاقچیان جزء که زندان ها را پر کرده بودند به موجب این قانون به استثناء مرتکبین جرائم مندرج در ماده ۴ قانون، اصلاح قانون منع کشت خشخاش و ماده ۴۱۱، قانون دادرسی و کیفر ارتش. (حبیب زاده، ۱۳۷۹).

اما جهت تشدید مبارزه در قسمتی از آن برای کسانی که هروئین، مرفین و کوکائین بیش از ده گرم و تریاک بیش از دو کیلوگرم وارد کند یا بفروشند یا به معرض فروش گذارند و یا کوکائین یا هروئین و مرفین بسازند یا وارد کنند یا به طور غیرمجاز نگه داری و مخفی کنند مجازات اعدام مقرر گردید.

با بررسی مشروح مذاکرات مجلس وقت در سال ۱۳۴۸، مشخص می شود ادله موافقین و مخالفین مجازات اعدام تقریباً شبیه ادله نمایندگانی است که در سال ۱۳۳۸ هنگام تصویب قانون اصلاح منع کشت خشخاش اظهار کرده اند؛ یعنی، مخالفین، عدم تناسب مجازات و اشتباه قاضی را عنوان کرده اند و موافقین، هدف خود را ارباب و عبرت سایرین ذکر می کنند. قانون مذکور تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز مجری بود. (سلمانی پور، ۱۳۸۲).

دو مشخصه مهم که در قانون ۱۳۴۸ به چشم می خورد؛ یکی این که در قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸ که قبلاً شرح آن گذشت در ماده ۴ آن برای ارتکاب جرم، اعدام پیش بینی شده بود، در این قانون شدت عمل بیشتری به خرج داده شده و برای سازندگان، توزیع کنندگان و فروشندگان، در معرض فروش گذارندگان به هر میزان از مواد مخدر، مجازات اعدام پیش بینی شده است که قابل تأمل است، ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرائم مذکور مقرر می دارد: «هر کس به طور غیر مجاز تریاک وارد کند و یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد و یا مرفین - هروئین یا کوکائین بسازد یا وارد نماید یا بفروشد یا به معرض فروش بگذارد یا بیش از دو کیلوگرم تریاک یا بیش از ده کیلو گرم مرفین یا هروئین یا کوکائین را به طور غیر مجاز نگه داری یا مخفی یا حمل کند که در صورتی که ثابت شود عالماً عامداً مرتکب شده به مجازات اعدام محکوم می شود، همین مجازات برای نگهداری،



مخفی یا حمل هروئین، کوکائین یا مرفین بیش از ده گرم و تریاک بیش از دو کیلوگرم نیز پیش بینی شده است. (شاکری، ۱۳۶۸).

دوم اینکه رسیدگی به چنین جرائمی را در صلاحیت دادگاه های نظامی که دادگاه های اختصاصی است قرارداد شده است و برای دو کیلوگرم تریاک برخورد شدید بوده است که علاج کار این پدیده خطرناک یعنی اعتیاد نبوده و پس از سپری شدن چندین سال از تصویب قانون متأسفانه نه تنها نتیجه ثمر بخشی نداشت بلکه هر روز تعداد معتادین رو به افزایش بود هر چند نظر قانون گذار از تعزیر مجازات اعدام، ارباب و عبرت بود، لیکن چون شدت عمل بیش از اندازه مورد توجه بوده و تناسب بین جرم و مجازات رعایت نشده بود و به قضیه مبارزه نیز تک بعدی نگریسته بودند بنابراین منتج به نتیجه نشد.

به هر حال در قانون مورد بحث از یک طرف مجازات اعدام در خصوص مرتکبین ورود و ساخت و فروش هروئین، مرفین، کوکائین و تریاک به شدت اعمال گردید. و از طرف دیگر برای معتادین بالای ۵۰ سال کارت سهمیه تریاک واگذار می گردید. پزشکان نیز مجاز می شوند به اشخاص زیر ۵۰ سال نیز مجوز مصرف تریاک بدهند و طی آمار شهربانی سابق در اول انقلاب تعداد ۱۷۰۰۰۰ نفر معتاد دارای کارت رسمی دریافت تریاک بودند که روزانه هر کدام ۵ گرم تریاک دریافت می کردند و نظر به این که اغلب معتادین بیش از مصرف خود دریافت می کردند مازاد آن را به جوان ترها که اکثراً به دست آنها معتاد می شدند می فروختند و در نتیجه نه تنها علیرغم اعمال شدید مجازات اعدام از تعداد معتادین کاهش نیافت بلکه روز به روز بیشتر نیز گردید. تا پیروزی انقلاب اسلامی سیاست دوگانه توزیع و پخش تریاک بین معتادین و مقابله شدید بدون بررسی علل و عوامل، توسعه قاچاق مواد مخدر ادامه یافت و قانون مصوب سال ۱۳۴۸ حاکم بود و علل عدم توفیق دولت های وقت را در عواملی چند می توان بررسی نمود که برخی از آنها عبارتند از: (شامبیانی، ۱۳۷۱).

۱- سیاست های متغیر در تصویب قوانین و افراط و تفریط های بی جا و غیر کارشناسانه.

۲- عدم توجه به سایر ابعاد آموزش و پیش گیری و آگاهی عمومی.

۳- عدم توجه به درمان معتادین و بازپروری آنها.

۴- عدم اعتنا به وضعیت برون مرزی به ویژه اوضاع حاکم بر کشورهای هم جوار که از تولیدکنندگان عمده ی مواد مخدر بودند.

۵- عدم اتکاء حکومت بر مردم و رفتار ارباب مآبانه.

۶- اتکاء صرف به قوه قهریه و انحصار مبارزه در نیروهای انتظامی و قضایی.

البته موارد فوق وقتی قابل بررسی است که نگاهی به قضیه داشته باشیم و بر این باور باشیم که دست اندرکاران دولت های قبل از انقلاب قصد مبارزه با مواد مخدر را داشته اند، اگر بر موارد فوق فساد وسیع حاکم بر راس و بدنه ی نظام گذاشته را نیز بی افزائیم، معلوم خواهد شد که چقدر درباریان رژیم گذشته

در توسعه مواد مخدر نقش داشتند. (همایش بین المللی علمی - کاربردی، جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ۱۳۷۹) (سینایی، ۱۳۹۲)

### ۳-۱-۲- مجازات اعدام در قبال مواد مخدر در قوانین بعد از انقلاب

بعد از انقلاب اسلامی، به دلیل ضعف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور با مشکلاتی مواجه شد، تعداد بسیاری از جمعیت کشور گرفتار مواد مخدر و اعتیاد شده بودند. در این زمان از یک طرف انقلاب اسلامی در ابتدای راه خود قرار داشت و از طرف دیگر آتش جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برافروخته شد. در این زمان تمام هم و غم دولتمردان و مسئولان معطوف امور جنگ تحمیلی و آزادسازی مناطق اشغال شده گردید؛ اما با این وجود، به دلیل عمق فاجعه اعتیاد و توزیع مواد مخدر از این موضوع غافل نشدند و در حد مقدماتی، اقداماتی در جهت مبارزه با مواد مخدر و تشدید مجازات مربوط به جرائم مواد مخدر به عمل آمد. در همین راستا بر اساس اصل چهارم قانون اساسی که اذعان می دارد کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد، چنانچه قرار باشد با تدوین قانون به مبارزه با مواد مخدر برخاست، بایستی موازین اسلامی را مد نظر قرارداد. (شاکری، ۱۳۶۸).

الف) آئین نامه دادگاه ها و دادسراهای انقلاب ۱۳۵۸

اولین متن قانونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مسئله مواد مخدر اشاره داشت آئین نامه دادگاه ها و دادسراهای انقلاب بود که در خرداد ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید. کمتر از یک ماه بعد لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب به تصویب رسید. به موجب بند ۵ که مقرر می داشت: «سرقه مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر» این قانون رسیدگی به جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب خرداد ۱۳۴۸ به این دادگاه محول شد.

وضع قانون نتوانست به طور کامل پراکندگی موضوعات و پرونده های قابل رسیدگی در خصوص مواد مخدر را از بین ببرد. برای رفع این مشکلات شورای انقلاب در ۵۹/۲/۲۸ لایحه قانونی راجع به تشکیل هیأت تشخیص صلاحیت برای رسیدگی به پرونده های مربوط به مواد مخدر را به تصویب رسانید.

ب) لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی درمانی مصوب ۱۳۵۹  
اولین قانون ماهوی و لازم الاجرا و منسجم خاص جرائم مواد مخدر، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین بود که در تاریخ ۵۹/۳/۱۹ به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید. که در واقع اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است.

مشخصه های این قانون به شرح ذیل است:

۱- برای نخستین بار حشیش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل: بنگ و بنگاب و چرس و همانند آنها، در ردیف مواد افیونی - یعنی تریاک، سوخته و شیره تریاک قرار گرفت، دیگر اینکه مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش بینی شد. مواد افیونی، مرفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی کوکائین و ... تفکیک شد و برای هر یک ماده جداگانه ای وضع شد و مجازات اعدام نیز ابقاء گردید. ماده ۱ این قانون مقرر می دارد: «مواد مخدر که فهرست آن به موجب تصویب نامه مورخ دوم مرداد ماه ۱۳۳۸ تفکیک تعیین شده است به دو دسته تقسیم می شود :

الف- مواد افیونی که شامل تریاک و سوخته و شیره و سایر ترکیباتی می شود که دارای مواد مذکور می باشد.

ب- سایر ادویه مخدر (اعم از مشتقات تریاک) مانند مرفین و هروئین و کوکائین و مواد مخدر صنعتی و شیمیایی که در فهرست مواد مخدر سازمان ملل تعیین شده و سازمان بهداشت جهانی رقابت در مصرف آن را ضروری می شناسد

۲- به موجب این قانون کشت خشخاش برای همیشه ممنوع شد. ماده ۲ قانون مذکور مقرر می دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش نماید علاوه بر امحاء کشت برای بار اول مجازات حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد».

۳- با تشکیل مراکز بازپروری که در ماده ۱۹ این قانون پیش بینی شده بود افراد معتاد با دریافت سلامتی مجدد به آغوش خانواده بازگشتند. ماده ۱۹ مقرر می دارد: « دولت مکلف است مراکز برای ننگه داری و مداوای مجرمین معتاد به وجود آورده و در مرکز مذکور کارگاه های صنعتی و مزارع کشاورزی و غیره به منظور اشتغال معتادین به کار و آشنایی آنان به حرفه تخصصی و امکان اشتغال و تحصیل درآمد پس از خروج از زندان ایجاد نماید. اداره این مراکز به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارتخانه های دادگستری و بهداری و بهزیستی خواهد رسید. (شهیدی، ۱۳۸۲).

۴- پرداخت سهمیه تریاک معتادان و کارتهای سهمیه باطل شد. ماده ۲۱ این قانون مقرر می دارد: «از تاریخ تصویب این قانون مقررات راجع به پرداخت سهمیه تریاک به معتادان ملغی و کارتهای سهمیه باطل خواهد بود وزارت بهداری مکلف است وسائل و امکانات کافی برای ترک اعتیاد و معالجه مجاز فراهم نماید. (احتشامی، ۱۳۸۵)

وجود بنابراین از سیاق تنظیم این قانون معلوم است که این قانون ۱۳۴۸ و نظر به جو حاکم اوایل انقلاب به تبعیت از قانون ذهنیت منفی شدید در مردم و مسئولان به لحاظ ملموس بودن آثار سوء مواد مخدر در سطح وسیعی از جامعه و پراکنده شدن معتادین ولگرد تنظیم شده و اعضای شورای انقلاب را بر آن داشته تا نسبت به قانون قبلی شدت وحدت بیشتری به خرج دهند.

برای نمونه در ماده ۷ این قانون مجازات اعدام برای سازنده و فروشنده واردکننده در معرض فروش قرار دهنده هروئین، مرفین کوکائین و ... مقرر گردید و برای نگه دارنده و حمل کننده، میزان مواد نسبت به قانون قبلی ۵۰٪ کاهش یافت ولی مجازاتش تشدید شد ماده ۷ این قانون مقرر می دارد: «هر کس سایر مواد مخدر مندرج در شق دوم از ماده اول این قانون، اعم از مرفین و هروئین و کوکائین و مواد مخدر صنعتی شیمیایی و انیدریداستیک و کلرواستیل وارد کرده و یا بسازد و یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد و یا بیش از پنج گرم از مواد مذکور را به طور غیر مجازنگه داری و یا مخفی و یا حمل کند در صورتی که ثابت شود عالمأ و عامداً مرتکب شده به مجازات اعدام محکوم خواهد شد هرگاه میزان مواد مکشوفه از پنج گرم کمتر و از یک گرم بیشتر باشد مجازات مرتکب به حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود. (صافی، ۱۳۶۳).

هر چند به علت عدم دسترسی به مشروح مذاکرات شورای انقلاب علت دقیق تشدید مجازات اعدام در این قانون روشن نیست، لیکن تا سال ۱۳۷۶ امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر گاهی با شدت و در برخی مواقع نیز به طور عادی و روزمره ادامه داشت و بدون توجه به ابعاد مختلف، مبارزه به صورت متمرکز بوده و مسئولیت قضیه تنها به عهده قضات و مأمورین دادسراها و دادگاه ها انقلاب اسلامی و مأمورین کمیته انقلاب اسلامی وقت بود.

#### ج ( قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۶۷

قانون مصوب خرداد ۵۹ در اجرا اشکالاتی را نشان داد که لازم بود عمیقاً مورد بازدید قرار گیرد. پس از خاتمه جنگ تحمیلی سوم آبان ماه ۱۳۶۷ قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. از نکات بارز این قانون، ماده ۳۳ آن است که برای اولین بار به امر مبارزه با مواد مخدر با دید وسیعی نگریده و نشان می دهد که مسئولین وقت دریافتند که صرف دستگیری مجرمان مواد مخدر و اعزام آنها به مراجع قضایی و صدور احکامی همانند اعدام و یا حبس ابد و اخذ جریمه های سنگین و شلاق، کارساز نبوده و چاره ی کار نمی باشد. (صانعی، ۱۳۷۱).

این مطلب در اذهان قوت گرفت که تا عزمی جدی و اراده ی ملی و همه جانبه در کار نباشد، از بین رفتن جرائم مواد مخدر رؤیایی بیش نیست ، امر مبارزه به مواد مخدر به ستادی محول شد که ریاست آن به بالاترین مسئول وقت قوه مجریه، یعنی نخست وزیر، واگذار شد و اعضای ستاد را مقامات ارشد قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، اطلاع رسانی، فرهنگی و بهداشتی تشکیل می دادند.

اصولاً در هر امری، ستاد وقتی تشکیل می شود و نیاز به وجود آن احساس می شود که انجام آن امر از عهده یک یا دو نهاد یا سازمان خارج باشد. در نتیجه، وجود تشکیلاتی جهت هماهنگی و تقسیم مسئولیت واگذاری هر یک از آنها به نهاد ذیربط مربوطه احساس می شود و نهادهایی به عنوان اعضای ستاد در نظر گرفته می شوند که هر کدام بتوانند متناسب با امکانات و مأموریت های سازمانی، قسمتی از سنگینی امر

خطیر مبتلا به اجتماع را به دوش بکشند. با نگاهی دقیق به اعضای تشکیل دهنده ی ستاد مبارزه با مواد مخدر، معلوم می شود که عمده ی مسئولین فرهنگی کشور، از قبیل: وزیر آموزش و پرورش، و رئیس سازمان صدا و سیما سرپرست سازمان زندانها و اقدامات، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمینی و تربیتی، در آن حضور دارند.

از دیگر ویژگی های این قانون عبارت است از:

- ۱- تصویب قانون توسط بالاترین مرجع قانون گذاری کشور یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۲- دسته بندی همه ی جرائم مرتبط با مواد مخدر و پیش بینی مقرراتی برای تکرار جرم
- ۳- تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر به ریاست رئیس جمهور (بالاترین مقام اجرایی کشور) برای هماهنگی کلیه دستگاه ها جهت مبارزه با مواد مخدر
- ۴- جلوگیری از رکود قانون و پویایی بخشیدن به آن توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر
- ۵- انطباق قانون با کنوانسیون های بین المللی که آن را به عنوان یک قانون پیشرفته در سطح جهانی معرفی می نماید. (احتشامی، ۱۳۸۵)

به هر حال، در قانون سال ۶۷ نیز مجازات اعدام در مواردی چند پیش بینی شده است، از جمله در بند ۴ ماده ۲ که می گوید: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر، به کشت شاهدانه بپردازد. علاوه بر امحاء کشت در هر بار، بر حسب میزان کشت به شرح زیر، مجازات خواهند شد و بار چهارم اعدام.»

یا در بند ۴ از ماده ۵ می گوید: «هر کس بنگ و چرس و تریاک و شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید، توزیع و یا خرید و فروش مذکور به مجازات های زیر محکوم می گردد... بیش از ۵ کیلوگرم اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم.» همچنین، قسمت اخیر ماده ۶ مبنی بر این که اگر کسی جرم نگه داری، حمل و یا مخفی کردن تریاک و سایر مواردی که احصا شده را تکرار کند یا مرتکب جرائم بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ماده ۴ گردد و مجموع مواد مورد بحث به بیش از ۵ کیلوگرم برسد، در حکم مفسد فی الارض قلمداد شده و مجازات اعدام در مورد وی اعمال می شود. بنابراین تغییری که در این قانون نسبت به مصوبه شورای اسلامی انقلاب دیده می شود، یکی آن که مقدار مواد مخدر را برای، تجویز مجازات اعدام افزایش داده، یعنی برای خرید و فروش و ... تریاک و یا سایر مواد مخدر مندرج در ماده ۴ در صورتی که بیش از ۵ کیلوگرم باشد ماده ۸ برای خرید و فروش و نگه داری و ... هروئین و مرفین در صورتی که بیش از ۳۰ گرم باشد آن هم با رعایت تبصره یک ماده ۸، اعدام مقرر شده است. در شق دوم ماده ۹ نیز هر گاه در مرتبه چهارم تکرار جرائم در قانون بیش از سی گرم باشد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می گردد. (همایش بین المللی کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ۱۳۷۹)

د) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ با وجود حاکمیت قانون ۱۳۶۷ به مدت ده سال، در ریشه کن کردن جرائم مواد مخدر توفیق چندانی حاصل نشد. شاهد این مدعا آمار کشفیات انواع مواد مخدر از سال ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۷۷ در کل کشور است که می توان به دو دوره تا تصویب قانون، اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، یعنی ۷۶/۸/۱۷ تقسیم نمود یک دوره از سال ۵۸ الی ۶۷ یعنی از حاکمیت قانون تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب ۵۹ تا اواخر سال ۶۷ که قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید؛ و دیگری، از اواخر سال ۶۷ الی ۷۷ در دو مقطع از آنها آمار اعدام قابل ملاحظه است: یکی سال های ۵۹ و ۶۰ و دیگری سالهای ۶۸ و ۶۹ که زمان حاکمیت قانون مبارزه با مواد مخدر بود. از بعد دیگر، نتیجه عدم تأثیر مجازات شدید اعدام در کاهش جرائم و تشدید فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر محسوب نمود.

در طول اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ با تشکیل سمینارها و همایش های متعدد، دیدگاه ها و نظریات اصلاحی قضات و حقوقدانان در مورد آن جمع آوری و پیشنهادات مفید و راهبردی به مرجع قانون گذاری منعکس گردید و مرجع قانون گذار با توجه به تحولات اجتماعی، ضرورت اصلاح و بازنگری را احساس نموده و در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۷ قانون جدید را تحت عنوان «اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» به تصویب رساند. (صالحی، ۱۳۹۳).

آنچه مسلم است، در سال ۷۶ به لحاظ عدم کارایی قانون مبارزه با مواد مخدر، لزوم بازنگری در آن احساس گردید و تغییراتی در میزان مجازات های نقدی و حبس های مقرر در قانون پیشین ایجاد گردید.

۱- مجازات های نقدی در همه موارد به میزان قابل توجهی که بعضاً چند برابر می شد، افزایش یافت و در برخی موارد میزان حبس کاهش پیدا کرد. ولی، یکی از خصوصیات بارز آن، تقلیل اختیار قاضی در اعمال تخفیف مجازات است.

۲- علاوه بر افزایش انواع مجازات های نقدی؛ مجازات اعدام در برخی مواقع با تحدید اختیارات قاضی شدت یافت؛ از جمله اعدام مقرر در بند ۴ از ماده ۴ قانون مصوب ۶۷ عیناً در قانون فعلی ابقاء شد. با این تفاوت که در بند ۵ ماده ۴ قانون قبلی آمده بود که هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۴ این ماده برای اولین بار مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها نشده است، دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره ی اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده اش محکوم می کند، در حالی که، در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر، همان بند به تبصره تبدیل شد و مقرر نموده که هرگاه مقدار مواد مکشوفه بیست کیلوگرم یا کمتر باشد مجازات مقرر حبس ابد و مصادره اموال می باشد و در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می شوند» متن تبصره چنین است: «هرگاه محرز شود» مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها نشده و مواد بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه جمع شروط

مذکور را به حبس ابد و هفتاد ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می‌گردد. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

۳- چنانچه ملاحظه می‌شود، اختیارات قاضی در عدم صدور حکم اعدام محدود گشته و در صورتی که میزان مواد بیش از بیست کیلوگرم باشد، قاضی ناچار به صدور حکم اعدام است. (سینایی، ۱۳۹۲)

۳-۱-۳- بررسی ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶

بر اساس دستورالعمل اجرایی الحاق یک ماده به قانون مبارزه با موادمخدر که توسط رئیس قوه قضائیه به تمام مراجع قضایی کشور ابلاغ شده، قضات اجرای احکام کیفری مکلفند در اسرع وقت ضمن توقف اجرای حکم محکومان به اعدام، پرونده آنها را مورد بررسی قرار دهند. قانون مذکور شامل مجرمانی می‌شود که عضو باندهای سازمان یافته نبوده و مرتکب تکرار جرم نشده باشند که با داشتن چنین شرایطی حکم اعدام این مجرمین تبدیل به حبس ابد و حکم حبس ابد آنها به ۲۵ سال زندان تبدیل می‌شود. گفته می‌شود با اجرای این قانون حدود ۸۰ درصد از کسانی که به دلیل موادمخدر به مجازات اعدام محکوم شده‌اند، اعدام نخواهند شد

طبق ماده ۴۵ از قانون مبارزه با موادمخدر مرتکبین سه دسته از جرائم دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند:

الف- «واردی که مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأمورین سلاح گرم یا شکاری به همراه داشته باشند.»

ب- «در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) یا پشتیبان مالی یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.»

پ- واردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد.»

ت- کلیه جرایم موضوع ماده ۴ قانون مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده ۸ قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و درخصوص سایر جرائم موضوع ماده ۸ در صورتی که بیش از ۳ کیلوگرم باشد.» اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای الف، ب یا پ است.

مرتکب هر یک از جرائم فوق در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم می‌شوند. (صدرات، ۱۳۴۰).

اجماع فقهای اسلام نیز اعدام را به فردی نسبت می‌دهند که محارب بوده یا به روی دیگران اسلحه کشیده یا گروهی علیه امنیت کشور تشکیل داده یا سوابق حداقل ۱۵ سال ممتد فروش موادمخدر داشته باشد.

در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به «حبس درجه یک تا ۳۰ سال» و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه ۲ و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روانگردان محکوم می‌شوند.

حال آنکه مطابق با دستورالعمل اجرایی الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر که توسط رئیس قوه قضائیه، وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از ۵۰ کیلوگرم مواد موضوع ماده چهار یا بیش از ۲ کیلوگرم مواد موجب مجازات اعدام خواهد بود. همچنین موضوع ماده ۸ و خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کردن بیش از سه کیلوگرم مواد موضوع ماده ۸ موجب مجازات اعدام خواهد بود.

در حالت کلی تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و واردکنندگان مواد مخدری که بیش از ۵۰ کیلوگرم مواد مخدر سنتی و یک کیلوگرم مواد مخدر صنعتی داشته باشند، همان دسته‌ای هستند که مشمول مجازات اعدام نمی‌شوند و به حبس از ۲۵ تا ۳۰ سال محکوم می‌شوند، یعنی به نوعی همان حبس ابد که به گفته کارشناسان حقوقی چیزی از اعدام کم ندارد.

در توضیح بیشتر آمده است کسانی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده واحده مرتکب با میزان مواد بیش از حد نصاب بند (ت) شده و شرایط بندهای (الف)، (ب) و (پ) را نداشته باشند از تخفیف مجازات برخوردار می‌شوند (سایت خبرگزاری تسنیم)

### ۳-۲- نظریات موافقین و مخالفین مجازات اعدام در رابطه جرائم مواد مخدر

مجازات اعدام که سنگین‌ترین مجازات در بین مجازات های کیفری است چند سالی است که از سوی برخی مورد انتقادات شدید قرار گرفته به طوری که برخی به حذف مطلق یا نسبی آن اقدام کرده اند تا به جرگه مخالفان اعدام درآیند و برخی با ابقای این مجازات موافق اند و آن را مؤثر می دانند. در مورد آثار مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نظریات مختلفی وجود دارد، برخی با این مجازات موافق اند و برخی نیز با این مجازات مخالف هستند، در این قسمت ابتدا به بررسی ادله موافقان و سپس به بررسی ادله مخالفان و همچنین نقش آن بر همکاری های بین المللی می پردازیم. (طیار، ۱۳۸۰).

### ۳-۲-۱- ادله موافقان مجازات اعدام

الف) هزینه های زندان

مجازات اعدام باعث می شود جامعه از بار سنگین هزینه های زندان رهایی یابد و مجبور نیست برای یک مجرم بی ارزش حاصل دسترنج سایر افراد پرهیزکار و صالح را استفاده نمایند. لذا با اعدام که هزینه زیادی نمی خواهند و با طناب و یک قطعه چوب انجام می شود، هم به هدف خود که طرد مجرم است رسید و هم از تحمیل فشارهای مالی به مردم اجتناب می نمایند. (خزائی، ۱۳۷۵)



ب) اجرای عدالت

۱- طرفداران اعمال مجازات اعدام این مجازات را عادلانه می دانند معتقدند که فردی که به خاطر منافع نامشروع شخصی، با علم و آگاهی، امنیت، سلامت و حیات جامعه و افراد آن را به تباهی می کشاند مستحق کیفر اعدام است.

۲- امانوئل کانت، یکی از بنیان مکتب عدالت مطلق: «هدف از مجازات در واقع تنبیه اخلاقی، مکافات عملی است که بزهکار نسبت به جامعه مرتکب شده است و باید کیفر عمل خود را ببیند هر چند که اجرای مجازات نسبت به شخص تبهکار فایده ای نداشته باشد.» (صانعی، ۱۳۷۱)

بنابراین اعدام مجرم مواد مخدر، کفاره گناه وی است، عدم اعمال مجازات اعدام به معنای قبول این گفته است که: «من به استناد اصول مورد قبول خود قاچاق مواد مخدر می کنم و برای منافع شخصی خود، منافع و سلامت جامعه را به مخاطره می اندازم و با استناد اصول مورد قبول شما زندگی خود را از شما می خواهم» (صدارت، ۱۳۴۰).

ج) ضرورت اجتماعی

اعمال مجازات اعدام در مورد مجرمین برای حفظ بقاء، سلامت و امنیت جامعه ضرورت دارد، ارتکاب جرائم مواد مخدر جامعه را مکلف و محقق می سازد تا بزهکارانی را که برای سلامت و زندگی بشری احترامی قائل نیستند، نابود کنند. طرفداران مجازات اعدام معتقداند که حکومت، یک موجود زنده است و در طبقه عالی تری قرار گرفته است و برای حفظ آرامش، امنیت و سلامت جامعه و افرادش حق استفاده از تمامی وسایل و امکانات را داراست، حکومت حق دارد در صورت ضرورت برای حفظ نظام اجتماعی افرادش را فدا کند، هر گاه وسیله مؤثر دیگری برای حفظ نظام جامعه امکان پذیر نباشد، اجرای مجازات اعدام ضروری است. مجازات حبس ابد نمی تواند جایگزین مناسبی برای مجازات اعدام باشد، زیرا علاوه بر این که کمتر پیش می آید که مجازات حبس ابد به طور دائم اعمال شود، حبس هزینه سنگینی نیز بر دوش جامعه تحمیل میکند در حالی که مجازات اعدام برای جامعه هزینه بسیار کمتری نسبت به زندان طویل المدت دارد. (صدارت، ۱۳۴۰).

د) دلایل فلسفی

۱- در بین فلاسفه موافق اعدام در مواد مخدر این عقیده وجود دارد که هرگاه زندگی بزهکار مواد مخدر آنقدر برای جامعه زیانبخش باشد که سود حاصله از اصلاح وی را تحت الشعاع قرار دهد اعدام او مشروع و پسندیده است. (علی آبادی، ۱۳۸۵) کانت مثال معروفی در این باره بیان کرده که به «جزیره متروک» معروف شده است او می گوید: اگر یک جامعه مدنی با موافقت کلیه اعضای خود تصمیم به انحلال آن جامعه بگیرد، مثلاً مردمی که در یک جزیره سکونت دارند موافقت نمایند که از یکدیگر جدا شده و در

سراسر جهان پخش شوند، باز باید آخرین قاتلی را که در زندان نگاه داری می شود قبل از اجرای تصمیم، اعدام کرد. (خزائی، ۱۳۷۵)

۲- فقهای طرفدار اجرای مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر نیز معتقدند که مجازات اعدام، مجازات به حقی است و شایسته این مجرمین است، زیرا از نظر آنان چنین مجرمینی مفسد فی الارض محسوب می شوند همچنین در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز قتل مفسد را جایز شمرده شده است.

در نتیجه شخصی که با قاچاق مواد مخدر نظام صالح الهی را از حد اعتدال خارج می کند و موجب تباهی حرث و نسل می شود و جامعه را از حالت صلاح و سعادت به گمراهی و آلودگی کشانده و بسیاری از مواهب و نعمت های یک اجتماع سالم مانند، امنیت و سلامت را تباه ساخته و موجب اختلال در روند جامعه به سوی مصالح و کمالات انسانی می شود چنین فردی مفسد است و شرعاً جایز و لازم است که برای دفع فساد، حفظ سلامت، امنیت و حیات جامعه و افرادش، چنین شخصی را اعدام نمود. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱)

علاوه بر این فردی که با قاچاق مواد مخدر به نظم، امنیت، حیات و سلامت جامعه صدمه وارد می کند، چگونه می توان برای حیاتش ارزش قائل شد در حالی که او برای حیات و زندگی دیگران اهمیتی قائل نیست و منافع نامشروع خود را بر منافع جامعه ترجیح می دهد؟ منتسکیو فیلسوف و نویسنده قرن هجدهم فرانسه می گوید: « اعدام، داروی شفاء بخش جامعه بیمار است». (منتسکیو، ۱۳۶۲)

ه) تهدید و پیشگیری

۱- اثر اربعی اعدام

عقیده موافقان اعمال مجازات اعدام این است که مجازات اعدام باعث ایجاد رعب و وحشت در افراد جامعه شده و آنها را از ارتکاب به جرائم مواد مخدر باز می دارد.

بر اساس نظریه «سودمندی مجازات یا فایده گرایی مجازات» که ژرمی بنتام از طرفداران جدی آن است، مجازات اعدام با ایجاد ترس و وحشت در افراد دیگر این فایده را خواهد داشت که آنها دست خود را به ارتکاب جرائم آلوده نسازند، بنابراین همان گونه که مونتین، هم در فرمول عنوان شده خود می گوید: «کسی را که اعدام می کنند اصلاح نمی کنند بلکه افراد دیگر را با اعدام او اصلاح می کنند» (شامبیاتی، ۱۳۷۱)

اسحاق اریش اقتصاددان آمریکایی با استفاده از جداول آماری جرم و جنایت برای اثبات تئوری عرضه و تقاضا در مورد جنایت در سال ۱۹۷۵ به این نتیجه رسید که در برابر هر فردی که به اعدام محکوم می شود در حدود هشت نفر از ارتکاب جرم به دلیل ترس از مجازات منصرف می شوند وی می گوید: «به

دلیل ۳۴۱۱ اعدامی که بین سال های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۳ در آمریکا صورت گرفت جانپان بالقوه فراوانی به وحشت افتادند به طوری که حدود ۲۷۰۰۰ قربانی نجات یافتند.»

## ۲- اثر ممانعت و پیشگیری اعدام

یکی از مهم ترین آثار مجازات اعدام این است که باعث کاهش مجرمین مواد مخدر و هم چنین عدم امکان تکرار جرم می شود، بنابراین برای حفظ حیات، سلامت و امنیت جامعه و افرادش باید مجازات اعدام اعمال شود.

دادن هر گونه فرصت دوباره ای به چنین مجرمینی اشتباه است، زیرا موارد زیادی وجود داشته است، مجرمینی که مشمول حکم اعدام بوده اند به دلیل عفو و تخفیف مجازات از اعدام رهایی یافته اند و به مجازات حبس محکوم شده اند و پس از گذراندن چند سال در زندان و یا به علت فرار از زندان آزاد شده اند و مجدداً مرتکب قاچاق مواد مخدر شده اند، زیرا حضور در زندان باعث شده تا ترس و وحشت اولیه آنها از عواقب جرم زائل گردد و آنها با خیالی آسوده تر از قبل مرتکب قاچاق مواد مخدر شوند، و چه بسا دامنه فعالیت خود را نیز توسعه داده اند و در سطح وسیع تری نسبت به سابق اقدام به ارتکاب جرم نمایند، ضمن اینکه چنین مجرمینی با حضور در زندان و معاشرت با سایر مجرمین با تجربه تر شده و فرصت کافی برای تفکر پیرامون اشتباهاتی که موجب شده است تا به دام بیافتند را داشته و می توانند افرادی خطرناک تر نیز شده باشند. حال سؤال این است که آیا جایز است برای حفظ جان تعدادی مجرم خطرناک، حیات، سلامت و امنیت جامعه تعداد زیادی از افراد بی گناه را قربانی کنیم؟ (صدرات، ۱۳۴۰) گاروفالو از بنیان مکتب تحقیقی می گوید: «همان طور که در بدن انسان اعضای ضعیف و فاسد قابل بقاء نیستند و باید عمل مصنوعی آنها را دفع کرد، بعضی از افراد هم که تاب زندگی و همگونی با جامعه را ندارند باید از اجتماع به وسیله اعدام که یک عمل مصنوعی برای حفظ سلامتی دیگران است حذف شوند». (شامبیاتی، ۱۳۷۱)

## ۳-۲-۲- ادله مخالفان مجازات اعدام

در قسمت قبل، نظراتی که موافقان اعمال مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر بیان کرده بودند، گفته شد. و گفته شد که این گروه برای مجازات اعدام چه فوایدی را که برشمرده اند. ولی این ادله ارائه شده نمی تواند نمی تواند اعمال مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را توجیه کند. چرا که مجازات اعدام دارای معایب و آثار شوم بسیاری است که هر کدام از آنها به نوبه ی خود قابل توجه و تأمل می باشند. اکنون در قسمت بعدی ادله مخالفان اعمال مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را بیان می کنیم:

الف) شبهه در مبانی

در خصوص مبانی شرعی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نظرات مختلفی بیان شده است که هیچ کدام از آنها نمی توانند مبانی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر قرار بگیرند. در نتیجه وجود شبهه در مبنا این مجازات مشمول قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» قرار می گیرد، مگر در مواردی که این جرائم به صورت مسلحانه انجام پذیرد که در آن صورت از باب محاربه و افساد فی الارض می توان در مورد مرتکبین آنها متوسل به مجازات اعدام شد (ماده ۱۱ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶). (سینایی، ۱۳۹۲)

۱- جرائم مواد مخدر، جرائمی تعریزی هستند و مجازات اعدام با «دون الحد بودن» تعریزات منافات دارد. بعلاوه به کسانی که اعمال مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر را از نظر فلسفی مشروع می دانند نیز این گونه پاسخ می دهیم: «حیات عطیه الهی است و جامعه انسان را نیافریده است تا صلاحیت داشته باشد که او را از بین ببرد، حق زندگی را خداوند به انسان عطاء فرموده است و تنها در مواردی می توان به مجازات اعدام متوسل شد که شارع مقدس به موجب نص صریح جواز آن را داده باشد. حال این که در مورد جواز مجازات اعدام در مواد مخدر، نص صریحی در شرع وجود ندارد. و آلا جامعه حق کشتن افراد را ندارد. انسان برای رشد معنویات خود مکلف به صیانت این حق می باشد و لازمه رشد معنویات نیز تداوم حیات می باشد. چون مجازات اعدام رشته حیات را قطع می کند و حقی را که خداوند به انسان داده است را سلب می کند بنابراین با فلسفه تکامل انسان معارض می باشد.»

۲- استناد به تر قرارداد اجتماعی روسو نیز مشروعیت مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را توجیه نمی کند، زیرا همان طور که جان لاک فیلسوف انگلیسی می نویسد: «افراد در قرارداد اجتماعی برای تشکیل جامعه سیاسی از کلیه حقوق خود صرف نظر نمی کنند، بلکه فقط آن مقدار از حقوق و آزادی خود را فدا می کنند که با تشکیل دولت، یعنی عضوی که بتواند آنان را متقابلاً حمایت نماید، ممکن شود.» همان طور که بکاریا نیز می نویسد: «کیست که همیشه بخواهد اختیار تصمیم گیری درباره مرگ خود را به سایر انسان ها بسپارد، چگونه کمترین گذشت از آزادی هر کس می تواند گذشت از بزرگترین نعمات یعنی حیات را در برداشته باشد، وقتی افراد حق کشتن خود را ندارند، چگونه به جامعه حق می دهند که آنها را بکشند.» (کی نیا، ۱۳۷۳)

به علت اهمیتی که نظریه بکاریا در مورد اعدام دارد ذیلاً ترجمه ی آن آورده می شود وجود شکنجه شدید و بی حد که هیچ وقت انسان را بهتر نکرده است مرا بر آن داشت که به بررسی این مسئله بپردازم که در یک حکومت سازمان یافته مجازات اعدام واقعاً عادلانه است یا خیر؟ ماهیت این حق که انسان ها برای خودشان قائل می شوند که هم جنس خود را بکشند چه می تواند باشد؟ مسلماً آن چیزی نیست که حکومت و قوانین بر مبنای آن تأسیس شده اند چه حکومت و قوانین چیزی جزء مجموعه اجزای حداقل آزادی فردی هر یک نیستند. آنها نماینده اراده ی عمومی هستند که شامل مجموع تمام اراده

های فردی است، چه کسی می خواسته است به دیگران توانایی تصمیم گیری راجع به مرگ خودش را تفویض کند؟ چطور برای حفظ حداقل آزادی دیگران بزرگترین نعمت های یک فرد را می توان قربانی کرد. و اگر چنین است چطور چنین اصلی با اصلی که می گوید انسان حق کشتن خود را ندارد می تواند هماهنگ باشد؟ برای آنکه انسان بتواند به دیگران یا به تمام جامعه حق کشتن خود را بدهد می بایست خودش دارای این حق باشد. بنابراین مجازات اعدام حق نیست بلکه برخورد جامعه است با یکی از شهروندان، چون نابودی وجود او را ضروری یا مفید تشخیص داده است و اگر من ثابت کنم که مرگ نه مفید است نه ضروری، از انسانیت دفاع کرده ام. مرگ یک شهروند فقط در دو مورد ممکن است ضروری تشخیص گردد: ۱- وقتی که حتی پس از سلب آزادی از فرد او دارای چنان روابط و قدرتی باشد که برای امنیت ملی مشکلی به شمار رود و یا آنکه وجود او بتواند انقلابی خطرناک برای نظام حکومت مستقر ایجاد نماید. در کشوری که فقط حاکم واقعی دستور می دهد و در کشوری که ثروت ها برای خریدن شادی ها به کار می رود و نه برای تسلط و قدرت، در چنین کشوری من هیچ ضرورتی نمی بینم که شهروندی را نابود کنند حتی اگر مرگش تنها عاملی باشد که دیگران را از ارتکاب جنایت ها بازدارد و این مورد دومی هست که دلیل عادلانه و ضروری بودن مجازات اعدام به شمار می رود.

(جهانبخش اصل، ۱۳۵۹)

ب) بی توجهی به نقش جامعه

عوامل بسیاری در ارتکاب جرم یک شخص اثر دارند. این علل و عوامل میتوانند برخاسته از درون شخص باشد یا برخاسته از محیط اجتماعی. چه عواملی که در درون وی وجود دارند و چه عواملی که برخاسته از محیط اجتماعی می باشند، هر عاملی که باشد اعمال مجازات بر مجرمین به معنای تحمیل تمام مجازات بر مجرم است. این در حالی است که در اغلب موارد جامعه است که با ندادن ابزار و امکانات لازم به افرادش موجبات و زمینه ارتکاب جرم توسط آنها را فراهم می آورد و مجرم در برخی موارد اصلاً مسئول اعمال و کردار خویش نمی باشد. بنابراین از آنجایی که جامعه خود مقصر اصلی در ایجاد بزه است، تحمیل تمام بار مجازات بر چنین مجرمی عادلانه نیست و این سؤال مطرح می شود که سهم جامعه در مجرمیت جرم چه می شود؟

جامعه ای که در تأمین نیازهای اولیه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و رفاه و آسایش افراد یک جامعه قصور داشته و عامل اصلی وقوع جرم در جامعه جرم زا باشد. حق اعدام بزهکاری را ندارد که خود معلول نظم حاکم بر آن جامعه است. (گلدوزیان، ۱۳۷۸)

اگر ارتکاب جرائم مواد مخدر به درستی علت یابی شود مشخص می شود که علت و زمینه اصلی بیشتر آنها در جامعه وجود دارد.

۱- از نتیجه ای که در تحقیقی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر صورت گرفته است؛ این به دست می آید: «علت اصلی گرایش به ارتکاب جرائم مواد مخدر علل و عواملی چون فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، بی سواد، کمبود امکانات تفریحی، رفاه اقتصادی، فراوانی مواد مخدر، مهاجرت، تورم اقتصادی، سود سرشار وسوسه انگیز ناشی از قاچاق مواد مخدر، مشکل ازدواج و مجرد، افزایش جمعیت، عرضه زیاد مواد، طلاق، خانواده های نابسامان، سابقه تبهکاری والدین، مسکن و نارسائی های آن، نداشتن برنامه صحیح برای گذراندن اوقات فراغت، نوع شغل و عدم رضایت شغلی، محله جرم زا (محیط مجرمانه)، وجود مراکز فساد، تعارض فرهنگی، اختلاف طبقاتی، قربانی هایی که موجبات وقوع جرم را تسهیل می کنند، تراکم جمعیت، جنگ ... می باشند» (مرتضوی، ۱۳۸۸).

۲- در تحقیق دیگری که بر روی ۱۴۵ محکوم به اعدام صورت گرفته است، نتایج به دست آمده قابل توجه است:

- ۷۰٪ از معدومین، بی سواد و یا کمتر از پنجم ابتدایی سواد داشته اند، تنها ۱٪ معدومین لیسانس و بالاتر سواد داشته اند.

- ۸۵٪ معدومین متأهل بوده اند و غالب آنها دارای زن و فرزند بوده و فقر و نداری اقتصادی مهم ترین عامل گرایش آنها به قاچاق مواد مخدر بوده است.

- غالب معدومین از استان های خراسان، سیستان و بلوچستان، لرستان بوده اند که به تهران مهاجرت نموده اند.

- اکثریت معدومین بیکار بوده و شغلی نداشته اند و یا این که دارای مشاغل کم درآمد و سختی چون کشاورزی، دام پروری، دلالی، سرباز، کارگری، بنایی و رانندگی بوده اند.

- ۶۷٪ معدومین دارای خانواده های پرجمعیتی بیشتر از ۶ نفر بوده اند.

در تحقیقی دیگر که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر بر روی ۳۰۰ نفر از معدومین استان کرمان به عمل آمد، نتایج زیر به دست آمده است: (مدنی، ۱۳۵۱).

- ۵۸٪ معدومین بی سواد بوده اند و ۷۵٪ آنها کمتر از ابتدایی سواد داشته اند و ۳/۳۸٪ از اعدام شوندگان بیکار بوده اند.

- درصد زیادی از اعدام شوندگان دارای مشاغل کارگری و بنایی بوده اند و پس از ایشان بیش ترین درصد متعلق به کشاورزان، دامداران، و پس از آنها متعلق به مغازه داران بوده است.

- ۲۲٪ از اعدام شدگان خود معتاد به مواد مخدر بوده اند

- ۷۳٪ از اعدام شدگان دارای خانواده هایی پرجمعیت بوده اند.

- متأهلین حکم های سنگین تری گرفته و جرائم سنگین تری مرتکب شده اند.

- ۴۲٪ از اعدام شدگان، وضع مسکن مطلوبی نداشته اند.

- غالب معدومین بیان داشته اند که علت گرایش و انگیزه ارتکاب جرائم مواد مخدر، فقر اقتصادی و مشکلات مالی بوده است.

- خانواده اغلب معدومین نیز کم سواد و بی سواد بوده اند و شغل آنها کشاورزی و یا کارگری روزمزد و یا بی کار بوده اند.

- ۸۲٪ معدومین برنامه خاصی برای گذراندن اوقات فراغت خود نداشته اند.

- غالب معدومین از شهرستان ها و روستاهای مجاور به کرمان مهاجرت نموده اند.

- ۶۸٪ از معدومین جوان بوده و زیر ۵۰ سال سن داشته اند.

- بیشتر معدومین از افراد کم درآمد جامعه و جزء قشر ضعیف و متوسط جامعه بوده اند.

- هر چه سواد کمتر بوده شدت جرم شدیدتر بوده، و هر چه میزان سواد بیشتر بوده موجب شده است که افراد به جرائم بزرگتری دست بزنند. (گودرزی، ۱۳۷۷).

با توجه به آمار فوق ملاحظه می شود که غالب علل و زمینه های ارتکاب جرم علل اجتماعی می باشند و در اجتماع وجود دارند، جامعه باید به علت یابی علل و عوامل ارتکاب جرم بپردازد و سعی در از بین بردن و ریشه کن کردن آنها نماید، نه این که با اعدام تعدادی از افرادش که قربانیان خود جامعه هستند و جامعه آنها را پرورش داده و با کوتاهی خود، موجب و زمینه ساز مجرمیت آنها شده است خطا و تقصیر خود را پوشش دهد از این روست که در جرم شناسی اعدام بزهکاران را بدون توجه به شرایط و عواملی که تحت تأثیر آنها دست به ارتکاب جرم زده اند و بدون در نظر گرفتن انگیزه های ارتکاب و درجه مسئولیت بزهکار و بدون آنکه پی برده شود که این موجودات ناسازگار، قابل اصلاح می باشند، عملی ناشایست می داند، زیرا چنین امری هیچ گونه فایده اجتماعی و اصلاحی نداشته، بلکه بیشتر حالت انتقام جویی و قصاص دارد. (مظلومان، ۱۳۵۶)

۳- دکتر لاکسانی «جرم شناس معروف فرانسوی می گوید: «اجتماع و همه افراد آن به جزء بزهکاران گناه کارند، این اجتماع است که نگونبختی را پدید می آورد و او را طرف اعمال بزهکارانه میراند. این بزهکار نیست که مسئول عمل خود می باشد بلکه اجتماع است که به علت اشتباهی که مرتکب می شود او را به طرف جرم میراند، بنابراین خطای جمع باید جانشین خطای فرد گردد». (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱).

ژورس در جلسه ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸ در مجلس شورای ملی فرانسه طی یک سخنرانی مفصل می گوید: «علت اعتراض به مجازات اعدام مرگ نیست که رو کردن به آن باعث می شود تا ذهن نمایندگان از جستجوی مسئولیت های جامعه منحرف گردد. واقعیت بسیار ناراحت کننده است که کلیه مسئولیت ها را در اطراف وجود مقصر و مجرم بر او متمرکز کرد. به چه حقی، اجتماعی که به علت خودخواهی، بی حالی و بی توجهی در خشکاندن چشمه های جنایتی که وظیفه او بوده کوتاهی کرده و اقدامی به عمل نیاورده است، به وجود چند فرد نگون بخت و بینوا حمله می کند و جنایتشان را که به علت عدم مراقبت

معین ریشه گرفته و رشد نموده است با اعدام پاسخ می دهد؟ تنها مجرم نیست که گنهگار می باشد، بلکه کلیه افراد جامعه و اجتماع مقصر می باشند.» (مطهری، ۱۳۶۹).

۴- نباید برای توجیه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر به این گفته استناد کرد که « چون شخص مجرم با اراده، اختیار و آگاهی خود مرتکب چنین جرمی شده است در نتیجه خود مسئول است و باید به خاطر کاری که آگاهانه انجام داده مجازات آن را هم قبول کند» چون قبول این گفته به معنای آن است که اگر شخصی به دلیل درد گرسنگی و برای رفع نیاز خود (فقر) مرتکب قاچاق مواد مخدر شود، باز هم از روی آگاهی انجام داده و باید مجازات شود و این یعنی اینکه جامعه به جای درمان نمودن درد واز بین بردن ریشه ی این جرم فقط مجرم را مجازات کند در حالی که می توان با از بین بردن فقر (به طور مثال) از ارتکاب اشخاص زیادی به این جرم جلوگیری کرد و در این صورت کار به مجازات و اعدام کشیده نمی شود. اجتماعی که به جای مقابله و رفع علل و عوامل جرم زا همانند فقر، بیکاری، بیسوادی و ... با مجرم مبارزه کرده و او را که قربانی همین اجتماع است نابود می کند، از کدام منطق عادلانه و عادلانه ای پیروی می کند جامعه ای که خود سبب ناکامی ها و بدبختی ها و کجروی های افرادش می باشد و عجیب این است که جامعه از آلت و قربانی فعلی خود، یعنی مجرم انتقام می گیرد. قاعده این است که آمر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب مسئول است و نه مباشر، پس چرا باید مجرم که مباشر و قربانی جرم است مجازات شود. ولی سبب از کیفر مصون بماند؟

ج) عدم تساوی در اجرا

در اعمال و اجرای مجازات در جرائم مواد مخدر، عدم تساوی های زننده ای به چشم می خورد این امر به علت نحوه قانون گذاری است، یا به علت سخت گیری های گوناگون دادگاه هاست و یا به علت موجبات اقتصادی، اجتماعی می باشد، که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

بر اساس بند ۴ ماده ۴ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در صورتی که شخصی مرتکب قاچاق بیش از پنج کیلوگرم تریاک شود (پنج کیلو و یک گرم) مشمول مجازات اعدام قرار می گیرد. و بر اساس همین بند از همین ماده اگر شخصی مرتکب قاچاق هزاران کیلوگرم تریاک شود نیز مشمول همین مجازات قرار می گیرد و بین این دو از این حیث هیچ تفاوتی وجود ندارد و یا بر اساس بند ۶ ماده ۸ همین قانون، حکم خرید و فروش و عرضه و... سی و یک گرم هروئین اعدام است و حکم خرید و فروش هزاران کیلوگرم هروئین نیز اعدام است و تفاوتی بین این دو وجود ندارد در صورتی که چنین امری نامتناسب و ناعادلانه و بر خلاف اصل فردی کردن مجازات هاست و مسئولیت هر جرمی باید بر اساس خطرناکی عمل وی و صدمات و تبعاتی که عمل او به اجتماع و افرادش وارد می کند و همچنین بر اساس شدت و ضعف عمل مجرم تعیین می شود و در این راستا شناخت شخص مجرم، شخصیت، غرایز، انگیزه و خصوصیات وی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. (معین، ۱۳۶۲).



۲- منتسکیو در همین ارتباط می نویسد: ظلم بزرگی است که کیفر یکسانی به راهزن و به کسی که به راهزنی و قتل مبادرت کرده است، تحمیل گردد». بدیهی است که به منظور تامین امنیت عمومی، باید در مجازات تفاوت هایی قائل شد. (منتسکیو، ۱۳۶۲)، همچنین بکار یا نیز می نویسد: اگر دو جرم را که زبان آن به جامعه یکسان نیست کیفر دهند، مردمان مانع قوی تری بر سر راه خود نمی یابند تا آنان را از ارتکاب جرم بزرگتری که فایده بیشتری نصیبشان می کند بازدارد، کسی که می بیند مجازات اعدام مثلاً برای کشتن یک قرقاول و قتل یک انسان و جعل یک سند مهم یکسان به اجرا در می آید، تفاوتی میان این سه جرم نمی یابد... قانونگذار خردمند را همین بس که تقسیمات اساسی را معین کند و ترتیب را رعایت نماید و مراقب باشد که به جرائم درجه اول، مجازات های درجه آخر را اختصاص ندهد. (بکار، ۱۳۶۸).

چنین بحثی در مورد مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نیز صادق و قابل استناد است. اگر مجازات قاچاق سی و یک گرم هروئین با هزاران کیلوگرم آن یکسان باشد. موانع ارتکاب جرائم بزرگتر از میان برداشته می شود و مصداق ضرب المثل «آب که از سرگذشت، چه یک وجب و چه صد وجب» شخص برای کسب سود بیشتر و منافع بیشتر اقدام به ارتکاب جرائم بزرگتری می نماید. از این رو در تعیین و اعمال مجازات باید اصل فردی کردن مجازات ها را رعایت نمود، بدین معنی که در مورد هر مجرمی باید کیفری متناسب با شخصیت مجرم و نوع جرم و شدت و حدت آن اعمال شود و در مورد یک نوع جرم با درجات مختلف، مثلاً قاچاق مواد مخدر نباید یک نوع مجازات به همه مرتکبین تحمیل گردد، بلکه مجازات باید جنبه فردی به خود گیرد و هر کس بر حسب خصوصیات و شرایطی که خود و عملش دارد به مجازاتی متناسب محکومیت یابد. (منتسکیو، ۱۳۶۲).

۳- در پژوهشی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهشهای ستاد مبارزه با مواد مخدر بر روی ۳۰۰ نفر از مرتکبین به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام گردیدند صورت گرفت ملاحظه شد که ۵۰٪ از اعدام شدگان کمتر از یک کیلوگرم مواد مخدر، ۷۵٪ کمتر از پنج کیلوگرم مواد مخدر در اختیار داشته اند و تنها ۲۵٪ از آنها بیشتر از پنج کیلوگرم ماده مخدر در اختیار داشته اند همان طور که گفته شد اعمال مجازات به چنین نحوی نیز نامتناسب، ناعادلانه و بر خلاف اصل فردی بودن مجازات هاست. (مهر پور، ۱۳۷۲).

۴- مورد دیگر این است که اگر ادعا کنیم که موجبات اقتصادی منجر می شود که مجازات مرگ بیشتر دامان افرادی را بگیرد که به علت ضعف قوه مالی و فقر اقتصاد قادر به دفاع از خود نیستند، اغراق نکرده ایم. مثلاً بر اساس قانون در صورتی که متهم توانایی و بضاعت مالی برای انتخاب وکیل را نداشته باشد دادگاه مبادرت به انتخاب وکیل تسخیری برای متهم می کند تا از اتهام او دفاع کند، ولی عملاً دیده شده است در مواردی چند وکیل تسخیری تنها برای رفع تکلیف از خود اقدام به انجام دفاع می کند و در انجام وظیفه ای که به او محول شده کاری از پیش نمی برد و کمتر اتفاق افتاده است که بعضی از وکلای

تسخیری آن طور که شایسته یک وکیل مدافع خوب و در خور یک پرونده جنایی مهم است در مندرجات پرونده موکل خود عمیق شده و با دقت نظر و دلسوزی، علل و انگیزه ارتکاب جرم را کشف و دفاع اساسی نمایند، ممکن است گفته شود که این بحث در مورد کلیه جرائمی که دارای مجازات اعدام هستند صادق می باشد و تنها اختصاص به جرائم مواد مخدر ندارد. ولی باید گفت که این بحث در مورد جرائم مواد مخدر بیشتر قابل استناد است زیرا ماده ۳۲ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر اصل را قطعیت احکام اعدام قرارداده است و حقی را برای محکوم به اعدام جهت تجدید نظرخواهی از حکم قائل نشده است، حال اگر در صورت کوتاهی و تفریط وکیل تسخیری در انجام دفاع، پرونده منجر به صدور حکم اعدام شود، آیا می توان ادعا کرد که عدالت اجتماعی اجرا شده است؟ (سینایی، ۱۳۹۲)

د) مغایرت با اصل شخصی بودن مجازات ها

اصل شخصی بودن مجازات ها بدین معناست که تنها مجرم تاوان عمل مجرمانه خویش را بپردازد و مجازات تنها باید علیه شخص مجرم اعمال شود و افراد خانواده او را نباید شامل شود. ولی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر این طور نیست و اگر چه مجازات مستقیماً بر شخص مجرم اعمال می شود ولی خانواده و وابستگان معدوم نیز به طور غیرمستقیم آثار و تبعات آن را متحمل می شوند. (میر محمد صادقی، ۱۳۴۷).

۱- در پژوهشی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر از تأثیر مجازات اعدام بر روی خانواده ۱۶۴۶ معدوم که در بین سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶، به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام گشته اند، صورت گرفته است نتایج جالب توجهی به دست آمده است که مویید مغایرات اعمال مجازات اعدام با اصل شخصی بودن مجازات هاست:

« از بین ۱۶۴۶ نفری که به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام گشته اند ۱۲۹۲ نفر یعنی ۷۸٪ آنها متأهل و ۱۸۷ نفر یعنی ۱۲٪ آنها مجرد و وضع تأهل ۱۰٪ بقیه نیز نامشخص بوده است. »

- میانگین سن همسران اعدام شدگان در زمان پرکردن پرسشنامه ۳۴ سال بوده است، جوانی و در عین حال مسئولیت ننگه داری از فرزندان برای ایشان مسئله قابل توجهی به نظر می رسد.

- بیوه شدن زنان معدومین در جوانی و عدم امکان ازدواج مجدد آنها نیز مسئله ای قابل توجه است.

- وضعیت خانواده معدومین پس از اجرای حکم، بدتر شده است.

- وضعیت رفاهی خانواده معدومین وضعیت مسکن، خوراک، پوشاک آنها نسبت به سابق بدتر شده است.

- کنترل درس فرزندان، میزان نظم در خانواده، رابطه درون خانواده و حرف شنوی فرزندان از مادر نیز نسبت به سابق بدتر شده است.

- مشکل شغلی همسران معدومین و فرزندان وی (پیدا نکردن شغل) و مشکل ازدواج فرزندان نیز قابل توجه است.

- مهمترین مشکل خانواده؛ مشکل رفاهی، مالی، امرار معاش و درآمد بوده است.  
- ارتباط با فامیل، همسایگان، دوستان و آشنایان نسبت به سابق کمتر شده است.  
- از نظر حیثیتی نیز مجازات اعدام موجب زدن لکه ننگ و از دست دادن حیثیت اعضای خانواده معدوم موجب پایین آوردن اعضاء خانواده معدوم در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی می شود. (همان)  
با نگاهی به نتایج به دست آمده متوجه می شویم که مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر چه عوارض سوء را به دنبال دارد. اعدام مجرمین در بیشتر موارد موجب می شود تا وضعیت معیشتی، رفاهی، وضعیت سکونت، خوراک، پوشاک و... خانواده آنها نسبت به قبل از اعدام بسیار بدتر شود، بعلاوه مشکل ازدواج مجدد زنان معدومین و فرزندان آنها، مشکلات شغلی آنها، کاهش احساس تعلق اجتماعی و ارتباطات و نیز مشکلات حیثیتی و... به نوبه خود تأسف بار است. وقتی یک شخص اعدام می شود فقط او را مجازات نشده، بلکه به دنبال آن چندین نفر مجازات می شوند و حتی ممکن است این آثار به نسل بعدی نیز منتقل شود.

۲- نکته دیگری نیز در این زمینه قابل توجه است، ماده ۹ و اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ که مقرر داشته است: «حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا می شود»، اجرای حکم اعدام به چنین نحوی موجب از بین رفتن آبرو و اعتبار و حیثیت خانواده معدوم می شود، درحالی که بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت افراد از تعرض مصون است مگر به حکم قانون» و در مورد مذکور موجبی برای تعرض به حیثیت و اعتبار خانواده معدوم وجود ندارد.

ه) عدم امکان جبران اشتباه

این مورد بیان می دارد که زمانی که حکمی برای مجرمی صادر می شود باید از نبود اشتباه در آن مطمئن شد ولی اگر بعد از صدور حکم فساد در آن مشخص شود باید اشتباه انجام شده جبران شود، ولی زمانی که حکم اعدام برای شخص مجرمی صادر شد و آن حکم اعمال شد و بعد از اعمال مجازات فساد در آن مشخص شد چگونه می شود آن را جبران کرد؟ آیا می توان زندگانی شخصی که بی گناه بوده را به او برگرداند؟ یا می توان آبرو و حیثیت از دست رفته او و خانواده اش را برگرداند؟ هیچ فردی در روی کره زمین نمی تواند ادعا کند که به آن درجه از علم و دانش رسیده که اشتباه نکند. بنابراین با توجه به دلایل مذکور و با توجه به رعایت احترام دماء لازم است تا در مورد این مجازات تجدید نظر شود.

(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴).

ز) جرم زایی و ایجاد نارضایتی در جامعه

اعمال مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر خود ممکن است علت و زمینه ارتکاب جرم در جامعه ایجاد کند. چنین امری به دو صورت می تواند در جامعه بروز کند.

حالت اول: به این نحو است که اعمال مجازات اعدام موجب می شود که از خانواده و بستگان متهم و کسانی که از اعدام مجرم صدمه می بینند دشمنانی بر علیه جامعه بسازد.

حالت دوم: افرادی که خود را قربانی عملکرد دستگاه عدالت کیفری می بینند و احساس می کنند که جامعه در حق آنها ظلم کرده است.

الف) در پژوهشی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر بر روی خانواده های (۲۵۲ خانواده) معدومین انجام شده است ۷۴٪ آنها بیان کرده اند که برخورد دولت با شخص معدوم ناعادلانه بوده است. همچنین ۶۳٪ آنها اعلام کرده اند که احساس تعلق اجتماعی آنها پس از اجرای حکم اعدام کمتر شده است. بنابراین اگر ادعا شود که خانواده و کسان معدوم به دلیل صدمه ای که از جامعه خورده اند در صورت یافتن امکان، سعی در گرفتن انتقام از اجتماع می کنند، بیهوده نیست.

یکی از جرم شناسان چنین می نویسد: «طرفداران مجازات اعدام فراموش می کنند که یک بزهکار که باید در بین زمین و آسمان آویزان گردد و دست و پا بزند و آن منظره شوم را پدید آورد، دارای قوم و خویش، دوست و آشناست و ممکن است زن و بچه داشته باشد، در این صورت اجرای مجازات های سنگین و خشن نه تنها واقعاً فاقد هر گونه جنبه مثبت است، بلکه به جرات می توان گفت که پر از نکات منفی می باشد از جمله اجرای آن به صورت موجود هر آن ممکن است باعث قیام خانواده وابستگان محکوم علیه افراد و اجتماع گردد، زیرا آنها بر خلاف محکوم کنندگان و مجریان قانون، شخصیت مجرم را می شناسند و به علت جرمش وقوف کامل دارند، محققاً اجرای چنین مجازاتی را در حق او دور از عدالت می دانند. به همین علت گرچه افراد خانواده بزهکار پس از اجرای حکم ممکن است مهر خاموشی بر لب بزنند و برای مدتی سکوت نمایند و دردهای ناشی از آن بی عدالتی را در درون خود انباشته نمایند و دم زنند. ولی بالاخره عقده آنها یک روز خواهد ترکید و اثرات چرکین خود را بر روی اجتماع پخش خواهد کرد و همه جا را آلوده خواهد نمود.» (مظلومان، ۱۳۵۶)

و هم این طور می تواند ارتکاب جرم توسط آنها جنبه ای بنیادی و انقلابی پیدا کند، به این معنی که ارتکاب جرم به نوعی اعتراض به دستگاه حاکم و نظام عدالت کیفری خواهد بود. چنین وضعیتی وقتی حاد خواهد بود که اعدام در ملاء عام در محل زندگی مرتکب اجرا شود.

ب) نکته دیگری که قابل توجه می باشد این است که اعمال مجازات اعدام موجب می شود تا نتوان از خانواده و نزدیکان معدوم در یک سیاست جنایی مشارکتی برای پیشگیری و مبارزه با جرم استفاده کرد و در این زمینه امیدی به همکاری آنها نمی رود.

بنابراین می توان گفت که مجازات اعدام دفع فاسد به افسد است زیرا ما یک نفر را اعدام می کنیم ولی در عوض چندین نفر جایگزین آنها شده و بسیاری از خانواده ها بی سرپرست می شوند. (مرعشی، ۱۳۷۹)

با توجه به آنچه گفته شد اگر چه مخالفان اعدام در برخی کشورها توفیق یافته اند؛ ولی هنوز نا کارآمدی این مجازات ثابت نشده است و این ضرورت تحقیق بیشتر در این زمینه، را روشن می کند. نباید با عمل نسنجیده و به تقلید از برخی کشورها، به مقابله با این مجازات اقدام کرد، بلکه از آنجا که اعدام در حقوق اسلامی به قصاص، حدی و تعزیری قابل تقسیم است و در اعدام هایی چون قصاص، آموزه های اسلامی بر اجرای آن تاکید ویژه دارند؛ ضروری است در دو جهت تحقیق بیشتری صورت گیرد: از یک جهت باید دید که اعدام به چه میزان تاثیرگذار است؟ و از جهت دیگر آنکه اگر به نتیجه رسیدیم که اعدام به اندازه سایر مجازات ها تاثیر گذار نیست، می توان به این سبب از اجرای اعدام های غیر تعزیری نیز خودداری کرد یا خیر؟ (البته از آنجا که تعزیر به ید حاکم اسلامی است و طبق این نظر که حاکم با توجه به مصلحت جامعه می تواند مجازات مناسب را برگزیند؛ از این رو در اعدام های تعزیری، اگر مجازات بهتر و موثر تری یافت شد، حاکم می تواند با آن مجازات جایگزین عقاب دهد).

ج) در پژوهشی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر بر روی خانواده های ۱۶۴۶ معدومی که به علت قاچاق مواد مخدر محکوم به اعدام شدند صورت گرفته است، این نتیجه به دست می آید که اعدام مجرم، موجب بدتر شدن وضعیت درون خانواده (از هر لحاظ) نسبت به سابق می شود و همچنین این امر در غالب موارد خانواده معدوم را وادار به کوچ کرده است و... همان طور که می دانیم فقر، بی کاری، بی سواد، مهاجرت و... از علل و عوامل جرم زا محسوب می شوند و، مجازات اعدام به طور غیرمستقیم موجب تشدید این علل و عوامل در جامعه می شود که نتیجه آن چیزی جز افزایش بزهکاری نخواهد بود. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳).

### ۳-۳- جایگاه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر بر قرارداد ها و معاضدت های بین المللی

#### وپیامد های آن

جرائم مواد مخدر از جمله جرائم سازمان یافته فراملی است که تمامی مرزها اعم از جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی را درنوردیده و اثرات مخربی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها بر جای گذاشته است. که در نتیجه مقابله با این جرائم، پاسخ فراملی از سوی کشورها را ضروری ساخته است و گسترش همکاری های بین المللی را می طلبد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰).

همکاری های بین المللی (همکاری بین دولت ها) جهت مبارزه و پیش گیری از مواد مخدر می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد، (از جمله همکاری در زمینه کشف و تعقیب مجرم و تحصیل دلایل، همکاری در قبول اعتبار احکام کیفری بیگانه، استرداد مجرمین، معاضدت قضایی، نیابت قضایی، همکاری در مبادله اطلاعات، انجام تحقیقات، تشکیل گروه های مشترک جهت مبارزه، ریشه کن نمودن کشت و قاچاق گیاهان محتوای مواد مخدر، از بین بردن تقاضا، مبارزه با قاچاق از طریق دریا، گردآوری شواهد،

شناسایی و کنترل جابه جایی اموال و ثروت ناشی از سوء استفاده از مواد مخدر، ایجاد و توسعه و اصلاح برنامه های آموزش مخصوص مأمورین انتظامی و سایر پرسنل و روش های مورد استفاده برای کشف و جلوگیری از وقوع جرائم و... (سینایی، ۱۳۹۲)

در ادامه مواردی از آن را به طور مختصر بیان می کنیم:

### ۳-۳-۱- لزوم همکاری بین المللی در امر مبارزه با مواد مخدر

بدون تردید لزوم همکاری های بین المللی جهت مبارزه و پیشگیری از مواد مخدر امری امکان ناپذیر و اجتناب ناپذیر است .

امروزه پدیده سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر متأثر از توسعه تکنولوژی های ارتباطی و رایانه ای، باندهای مافیایی و دستهای پنهان، امروزه از چنان پیچیدگی هایی برخوردار شده که سازمان ملل متحد آن را از جمله جرائم سازمان یافته تلقی و اقدام به صدور کنوانسیون ها و پروتکل های مختلف برای مقابله با آن (کنوانسیون های ۱۹۷۱ و ۱۹۶۱، پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲ و کنوانسیون ۱۹۸۸) نموده است حجم گسترده تجارت و چرخش مالی ۱۵۰۰ (میلیارد دلار در سال) مرتبط با قاچاق مواد مخدر در سطح جهان و نقش مافیای منطقه ای و جهانی با پشتوانه سرویس های اطلاعاتی و کشورها این موضوع را بسیار قابل تأمل کرده است. از نظر مجامع بین المللی، قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان (شیمیایی) در کنار سه بحران دیگر (هسته ای جمعیتی و محیط زیست) که بشریت را در قرن حاضر تهدید می کند، قرار داد. از طرف دیگر سرمایه در گردش این فعالیت در جهان از نظر تجاری، آن را در رتبه بعد از نفت، توریسم و سلاح قرار داده است. (هاشمی، ۱۳۸۳)

با توجه به قرار گرفتن ایران در یکی از مناطق مهم عمده تولید تریاک معروف « هلال طلایی » که در حال حاضر عمده ترین تولیدکننده مواد مخدر مصرفی اروپا و آمریکا می باشد، (تنها در افغانستان سالانه حدود ۴۶۰۰ تن تریاک تن تریاک و در پاکستان سالانه ۱۲۰۰ تن تولید می شود). (شهیدی ۱۳۸۲)، تولید تریاک در افغانستان از سال ۲۰۰۱ پس از حمله نظامی آمریکا و ناتو به این کشور رشد بیش تری یافته بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ (سال های حضور نیروهای آمریکایی و ناتو) به بیش ترین میزان خودش رسید. بر اساس اطلاعات مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد میزان کشت و تولید فصلی خشخاش در برابر هر سال حکومت طالبان تا سقوط آنان رسید بنابر آمار سال ۲۰۱۴ میلادی ۲۶۰۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی افغانستان به تولید خشخاش اختصاص دارد که تولید خشخاش آنها در همان سال به ۶۴۰۰ تن رسید. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷).

ایران به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و هم‌جواری با کشور افغانستان و پاکستان در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار دارد و تقریباً تمامی مواد مخدر تولیدی در این کشورها از طریق مرزهای شرقی کشور به مقصد اروپا و آمریکا ترانزیت می‌شود.

از تصویب نخستین قانون مبارزه با تریاک (تحدید کشت آن) تا به امروز در سطح ملی و از معاهده شانگهای چین - که اولین اقدام بین‌المللی علیه مواد مخدر بود - در سال ۱۹۰۹ تاکنون نزدیک به صد سال از همکاری‌های داخلی و بین‌المللی علیه سوء‌مصرف و قاچاق مواد مخدر می‌گذرد. سیر تحول اقدامات انجام شده در راستای مهار و کاهش سوء‌مصرف و قاچاق مواد مخدر، تصویب کنوانسیون‌ها، تأسیس نهادهای اصلی و فرعی کنترل مواد مخدر در سطح ملی و در سطح بین‌المللی به ویژه در سازمان ملل متحد و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها و برنامه‌های ملی مبارزه با مواد مخدر، گویای این واقعیت است که پدیده مواد مخدر بلیه‌ای برای تمام مردم جهان است و تمام کشورها با وجود تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و ساختار سیاسی و حکومتی با این معضل درگیر هستند. (مرتضوی، ۱۳۸۸)

به همین دلیل برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNDCP) به این نتیجه رسیده که باید در سطح جهانی با معضل مواد مخدر مبارزه کرد و سازمان ملل متحد سعی می‌کند کشورهایی که در مسیر عبور کاروان‌های مواد مخدر قرار دارند را تجهیز کند. پدیده مواد مخدر به گونه‌ای است که هیچ‌یک از کشورها به تنهایی قادر به پیروزی در این نبرد پنهان، نیستند و اراده قوی بین‌المللی و همکاری دولت‌ها باید زیربنای سیاست مبارزه با مواد مخدر قرار گیرد. (باصری، ۱۳۸۶)

### ۳-۳-۲- استرداد مجرمان و موانع آن

«استرداد مجرمان» در اصطلاح عبارت است از «باز پس گرفتن مجرم که از کشوری به کشور دیگر گریخته، به وسیله دولت تقاضا کننده از دولتی که مجرم به آن جا گریخته است. این عمل مسبوق به توافق و قرار داد دو دولت است». هدف از استرداد جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرم، و همچنین فراهم آوردن وسایل تحویل مجرم فراری به دولتی است که بهتر از هر دولت دیگر صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارد. علیرغم تأکید کنوانسیون‌های بین‌المللی بر همکاری دولت‌ها در استرداد مجرمان، مجازات اعدام در «قانون مبارزه با مواد مخدر» مانعی بر سر راه استرداد مجرمین که مهم‌ترین شکل از همکاری‌های بین‌المللی محسوب می‌شود می‌باشد. اگر متهم و یا مجرم مواد مخدر به کشورهای دیگر فرار کند و دولت ایران تقاضای استرداد وی را نماید، غالباً کشورهای متقاضی عنه با چنین درخواستی موافقت نکرده و در زمینه استرداد چنین متهم و یا مجرمی، همکاری لازم را نمی‌نمایند. (طوسی، ۱۴۰۷)

بر طبق قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹، جرائم مواد مخدر از جمله جرائمی است که قابل استرداد می باشد. همچنین بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان مصوب ۱۹۹۸ نیز کلیه جرائم مواد مخدر را قابل استرداد دانسته است .

امروزه اکثر کشورها مجازات اعدام را از سیاهه مجازات های خود حذف نموده اند و پذیرفته اند که وقتی در کشور متقاضی مجازات اعدام وجود داشته باشد، کشوری که از او تقاضای استرداد شده است می تواند تقاضای استرداد را نپذیرد. به عنوان مثال بر اساس قانون استرداد ۱۹۸۱ فرانسه، درخواست استرداد برای مجرمینی که مستوجب اعدام خواهند شد، پذیرفته نمی شود. هم اینطور کشورهای مورد تقاضا با استناد به مواد ۳ و ۶ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۹۸ از همکاری جهت استرداد مجرمین مواد مخدر، خودداری و تنها در مواردی که مجازات عمل ارتكابی حبس، مصادره اموال و یا جزای نقدی باشد اقدام به استرداد متهم و یا مجرم می نماید.

همچنین کشورهای مورد تقاضا برای عدم استرداد به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶، دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مربوط به لغو مجازات اعدام مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹، قطع نامه ی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در انحلال مجازات اعدام مصوب ۳ آوریل ۱۹۹۰، مقاوله نامه آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ و سایر کنوانسیون ها و معاهدات و قطعنامه هایی که در خصوص لغو مجازات اعدام می باشد و کشورها را ترغیب و یا ملزم به لغو مجازات اعدام کرده است، استناد می کنند و به این استدلال که مجازات اعدام ناقض حقوق بشر می باشد اقدام به استرداد نمی نمایند. (طریحی، ۱۳۶۲).

در این خصوص ماده ۳۳ معاهده ژنو راجع به پناهندگان مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۶ نیز مقرر داشته است که هیچ یک از دولت های متعاهد حق اخراج فردی را که در کشورهایی که حیات و یا آزادی او بدلیل نژاد، مذهب، ملیت و یا تعلق به بعضی گروه های اجتماعی یا عقاید سیاسی دچار مخاطره شده است ندارد اگر چه ماده مزبور راجع به اخراج پناهنده است و ( نه استرداد پناهنده) ولی برخی دولت ها با تشبیه استرداد به اخراج، منع استرداد پناهنده را تفسیر کرده اند، و در مواردی که متهم و یا مجرم مواد مخدری که عملش مشمول مجازات اعدام قرار می گیرد و یا محکوم به مجازات اعدام شده است از کشور متقاضی عنه تقاضای پناهندگی نماید، کشورهای مورد تقاضا با استناد به ماده ۳۳ معاهده ژنو منع استرداد پناهنده، از استرداد وی خودداری می نمایند. (قمی، ۱۴۱۳).

در نتیجه اینکه علیرغم لزوم همکاری های بین المللی جهت پیش گیری و مبارزه با جرائم مواد مخدر و علیرغم تاکید معاهدات و کنوانسیون های بین المللی بر چنین همکاری هایی، مجازات اعدام مانعی بر سر راه این همکاری های استرداد مجرمین که، مهم ترین شکل از اشکال همکاری های بین المللی محسوب می شود می باشد



### ۳-۳-۳- خدشه دار شدن اعتبار بین المللی ایران

ایراد دیگری که بر مجازات مزبور وارد می کنند این است که اعمال مجازات اعدام موجب می شود تا در مجامع بین المللی کشور ایران مظان انواع تهمت ها قرار گرفته و اعتبار و حیثیت کشور جمهوری اسلامی ایران دچار خدشه و بی اعتباری شود.

در این رابطه از بدوی پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون اکثر کشورها و خصوصاً سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر، دولت جمهوری اسلامی ایران را به دلیل اعمال مجازات اعدام که از نظر آنها مصداق بارز مجازات های خشن، غیرانسانی و تحقیر کننده است، محکوم به نقض حقوق بشر نموده اند، چنین امری در قطعنامه های صادر شده در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران به طور سنتی و به روال هر سال تکرار و سازمان های مذکور از استمرار آن اظهار نگرانی کرده اند.

از جمله ایرادهایی که از حیث نقش حقوق بشر در اعمال مجازات اعدام به ایران می گیرند این است که می گویند: « افراد کمتر از هجده سال را اعدام می کنید، مخالفین دولت و افراد سیاسی را تحت پوشش قاچاقچی اعدام می کنید و... مجازات اعدام یک مجازات بشر دوستانه نیست و حقوق بشر مخالف این است» (مظلومان، ۱۳۵۶)

از آنجا که بیش ترین تعداد اعدام ها در کشورمان، مربوط به مجرمین مواد مخدر می باشد، بحث فوق بیشتر قابل استناد است.

استدلال دولت ها و سازمان های مزبور این است که چون ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ ملحق شده است، این گونه اعدام ها مخالف با اعلامیه های مذکور و در نتیجه نقض حقوق بشر را در پی دارد.

در سال ۱۹۹۲، نماینده ویژه سازمان ملل در امر حقوق بشر (آقای گالیندروپل) پس از دیدار از ایران در گزارش خود عنوان کرد که در ایران حقوق بشر نقض می شود، کودکان را اعدام می کنند، مجرمین مواد مخدر را بدون محاکمه اعدام می کنند مجرمین سیاسی را تحت پوشش مواد مخدر اعدام می کنند و... در همین راستا سازمان عفو بین الملل که مقر آن در انگلستان می باشد، به فاصله کوتاهی پس از انتشار گزارش نماینده ویژه سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران را به خاطر آنچه که عدم رضایت حقوق بشر خوانده شده مورد انتقاد قرار داده و با انتشار گزارشی خواستار لغو مجازات اعدام در مورد قاچاقچیان مواد مخدر شد. عفو بین الملل در چند بخش گزارش خود بر لزوم لغو بی قید شرط مجازات اعدام مجرمین مواد مخدر تاکید و اعمال آن را رفتار بی رحمانه، خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز نامید.

بنابراین امروزه دیگر مواد مخدر تنها جنبه ملی ندارد، بلکه مرزهای کشورها را درنوردیده و به صورت جرایمی بین المللی و سازمان یافته درآمده است، ریموند کندال دبیر کل وقت سازمان پلیس بین الملل می گوید: « علی رغم برخی فعالیت های موفقیت آمیز کشورهای عضو سازمان ملل و همکاری وسیع بین

دولت ها، قاچاق مواد مخدر هم چنان معضل پیچیده ای در مناطق متعدد جهان به شمار می رود « پلیس بین الملل بیش از ۶۰٪ درصد وقت و امکانات خود را صرف مقابله با مواد مخدر می کند و بقیه امکانات به مبارزه با جرائم سازمان یافته بین المللی دیگر اختصاص دارد. ما در دوره ای زندگی می کنیم که تجارت غیرقانونی مواد مخدر بعد از فروش بین المللی اسلحه دومین تجارتی است که برای قاچاقچیان درآمد عظیمی دارد. گردش مالی مواد مخدر در سال ۵۰۰ میلیارد دلار است... تجارت مواد مخدر، تجارت پیچیده غیرقانونی است که در سطوح بالایی تولید و قاچاق، مستقیماً توسط سازمان های مجرمانه بزرگ اداره می شوند به طوری که اذهان عمومی عنوان « جرائم سازمان یافته » غالباً قاچاق مواد مخدر را تداعی می کنند. (شاکری، ۱۳۶۸)

بنابراین هر چند احتمال تجدیدنظر در مورد مجازات اعدام در قبال مرتکبین جرائم مواد مخدر می تواند سیستم حقوقی ما را به سایر کشورها نزدیک نماید، ولی در این میان چندین نکته حائز اهمیت می باشد: نکته اول: بیشتر اتهاماتی که از سوی کشورهای غربی نسبت به عمل برخلاف تعهدات بین المللی متوجه کشور ما می شود جنبه سیاسی داشته و معمولاً با جنجال و هیاهوی گسترده تبلیغاتی همراه است که در راستای تبلیغات منفی بر علیه نظام جمهوری اسلامی و تخریب وجهه بین المللی کشور صورت می گیرد و مستند به دلایل و مستندات حقوقی نیست و با توجه به نفوذ و تأثیرگذاری آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بر سازمان های بین المللی این مسئله امری کاملاً آشکار است.

نکته دوم: حجم گسترده ای از اتهامات وارد شده به جمهوری اسلامی در مورد مجازات قصاص، اعدام در قانون مجازات اسلامی است که در این رابطه گفتنی است اولاً در همه ی کشورها با مجرمین و کسانی که مرتکب جنایت می شوند برخورد می شود و بسته به نوع نظام، فرهنگ و باورهای حاکم بر کشورها، نوع جرائم، چگونگی برخورد با مجرمان متفاوت خواهد بود ممکن است عمل و رفتاری در کشوری جرم محسوب نگردد و در کشور دیگر به دلیل فرهنگ و باور حاکم بر آن کشور، جرم تلقی گردد. از این رو تفاوت در نوع جرم و برخورد با آن را نمی توان ملاک خرده گرفتن بر نظام یا دلیل نقض قوانین بین المللی شمرد. آنچه در همه نظام های سیاسی پذیرفته شده و مسلم است و حکمی عقلی، عقلایی و منطقی است اصل برخورد با مجرمان به منظور حفظ سلامت جامعه است. ثانیاً: مسئله مجازات اعدام اختصاص به کشور ما نداشته و در سایر کشورها نیز وجود دارد از جمله در خود آمریکا نیز مجازات اعدام در مورد برخی مجرمان اجرا می شود، بنابراین اگر اعدام ملاک باشد، نمی توان تنها جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم نمود؛ اگر اجرای حکم اعدام، نقض حقوق بشر محسوب می شود باید تمامی کشورها را ناقض آن دانست. (معرفت، ۱۳۶۵).

نکته سوم: بخشی از اتهاماتی که در خصوص نقض حقوق بشر متوجه کشور ماست به دلیل مجازات و برخورد با مجرمان امنیتی و سیاسی است که برخلاف مصالح و منافع کشور فعالیت نموده اند که صرفنظر

از تبلیغات و بزرگنمایی هایی که در این اصل برخورد با برهم زندگان امنیت عمومی در همه کشورها نیز وجود دارد و اجازه نمی دهند برخی، افراد بدون در نظر گرفتن مبانی حاکم بر آن نظام ها، امنیت جامعه را مخدوش نماید و در نظام جمهوری اسلامی نیز افراد تا مادامی که بر علیه منافع و مصالح عمومی کشور اقدام عملی نکنند و امنیت عمومی جامعه را به خطر نیندازند یا با دشمنان و مخالفان نظام همکاری نکنند دارای آزادی سیاسی هستند و در مقایسه با بسیاری از کشورها، وضعیت آزادی های سیاسی در کشور ما بهتر و مطلوب تر است ولی تبلیغات منفی دشمنان نظام و سیاه نمایی های در این خصوص موجب شده تا بدون توجه به وضعیت آزادی سیاسی در کشور ما تنها انگشت اتهام را متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران کنند. (سینایی، ۱۳۹۲)

# فصل چهارم

## تحلیل کیفر اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر در فقه اسلام

در این قسمت مبانی و مستندات فقهی مجازات جرم مواد مخدر بررسی می شود. استعمال و استفاده از مواد مخدر حرام است و جرم، مستلزم تعزیر می باشد زیرا هر فعل حرامی که در شریعت برای آن مجازات تعیین نشده باشد حاکم شرع حق دارد مرتکب را مجازات نماید. یکی از محرمات شرعی مستلزم تعزیر، استعمال و استفاده از مواد مخدر است، که در ادامه به تبیین و تشریح این مطالب می پردازیم.

#### ۱-۴ تبیین مبانی فقهی مواد مخدر

تنوع و گستردگی مواد مخدر در نیم قرن اخیر افزایش چشم گیری پیدا کرده است و همین طور اعتیاد به آن و سوء مصرف آن نیز افزایش یافته است. بنابراین به نظرمی آید اثبات حرمت خرید، فروش و استعمال مخدرات در کنار ذکر مجازات آن نیز ضرورت دارد. با توجه به جدید بودن پدیده مواد مخدر در این مورد نص شرعی خاص و مشخصی وجود ندارد. بنابراین نه در قرآن و نه در سنت بعنوان مواد مخدر با تعریفی که امروزه از آن داریم وجود ندارد. اما این بدین معنی نیست که نمی توان از مطلقات شریعت و برخی از قواعد شرعی استفاده نمود. در این قسمت به بررسی مبانی فقهی جرائم مواد مخدر پرداخته شده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۱۲).

#### ۱-۱-۴-۱-۱ حکم تکلیفی

حکم تکلیفی حرمت در خصوص موضوعات: «کشت خشکاش، تولید، نگه داری، حمل و نقل، توزیع و فروش، استعمال، ارائه خدمات، مکان و ابزار برای سهولت تولید، توزیع و مصرف، در آمد حاصل از هر یک از مراحل تولید و توزیع و فروش، معاملات و قرار داد ها و...» متوقف بر ثبوت حرمت استعمال و مصرف مواد مخدر می باشد. (ابن منظور، ۱۲۷۴).

#### ۱-۱-۴-۱-۱-۱-۴ حرمت استعمال مواد مخدر

امروزه درصد بالایی از مسلمانان استعمال مواد مخدر را مباح یا مکروه می دانند از این رو در استعمال آن تسامح می ورزند در حالی که اگر اعتقاد به حرمت همچون اعتقاد به سایر مسکرات در بین مسلمانان رواج می یافت مواد مخدر به سادگی نمی توانست جوامع اسلامی را فراگیرد. در شبهات تحریمی مادامی که دلیل بر حرمت اقامه نشده باشد، عموم فقها قائل به حلیت اند و برای آن «سیگار کشیدن» را مثال می آورند، بنابراین حرام بودن مصرف مواد مخدر نیاز به دلیل خاص دارد. به اعتقاد بسیاری از فقها ملاک حرمت در این موارد، تحقق ضرر است و چه بسا در مواردی که ضرر نداشته یا ضرر آن اندک و قابل تسامح عقلایی باشد نتوان قائل به حرمت شد. (طوسی، ۱۳۸۷).

#### ۴-۱-۱-۱-۱-۱- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در قرآن

استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در زمان بعثت پیامبر اسلام گزارش نشده است، پس ما نباید توقع داشته باشیم آیه صدریحی در این زمینه در قرآن کریم داشته باشیم ولی در عین حال در قرآن کریم به آیات بی شماری برخورد می کنیم که مارا به دوری جستن از هرگونه آلودگی فراخوانده و انجام هر عملی که به بهداشت جان و روح آسیب رساند ناروا دانسته است. تعدادی از آیات را که دلایلی بر حرمت مواد مخدر می باشد به شرح زیر بازگو می کنیم (مدنی، ۱۳۵۱)

۱- خمر که از مسکرات است قبل از بعثت حضرت رسول اکرم (ص) در بسیاری از بلادها، از جمله سرزمین حجاز مصرف می شده است، بنابراین آیات متعددی درباره حرام بودن و مضرات آن نازل شده است از قبیل: «یا ایها الذین امنوا انما الخمر و المیسدر و الانصاب و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون» (مائده/۹۰)

« یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر» (بقره/۲۱۹)

« انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر» (المائده/۹۱)

۲- در باب اطعمه و اشربه، در بسیاری از کتب فقهی و حدیث از جمله خبائث، بنگ و افیون را آورده اند، آیه مبارکه «و یخل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث» (اعراف/۱۵۷) هم مؤید و مستند این باب می باشد. مصرف مواد مخدر ضرر، اضرار تهلکه و قتل تدریجی نفس است. با توجه به این که ضرر و اضرار و تهلکه و قتل تدریجی نفس در اسلام حرام است، نتیجه می گیریم که مصرف مواد مخدر در اسلام حرام است.

#### ۴-۱-۱-۲- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در روایات

روایات متعدد در تحریم مواد مخدر رسیده است که به جهت ضعف سند آنها نمی توانند مبنای محکمی برای حرمت باشند که در این جا به دو نمونه اشاره می کنیم:

۱- رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «سلموا علی الیهود والنصارى، ولا تسلموا علی آکل البنج: به یهود و نصاری سلام کنید و سلام نکنید به بنگ خور ها».

۲- رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «من احتقر ذنب البنج فقد کفر: هر کس گناه بنگ را کوچک شمارد، کافر است».

#### ۴-۱-۱-۳- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در احکام عقلی

دلیل اصلی حرمت استعمال مواد مخدر حکم عقل و تطبیق برخی از قواعد و احکام قطعی فقهی بر آن می باشد البته در تبیین دلیل عقل و چگونگی حکم عقل می توان صور مختلفی ترسیم نمود.

مرحوم شهید صدر در تقسیم قضایا و احکام عقلی می فرماید که: «عقل از باب قیاس مواد مخدر به خمر، حکم به حرمت آن می کند، زیرا علت منصوصه ی حرمت خمر، ذهاب عقل و شعور بوده و این علت در مواد مخدر به طور یقینی وجود دارد.» (صدوق، ۱۳۶۸ ق)

برخی دیگر حکم به حرمت مواد مخدر کرده اما نه از باب قیاس به خمر بلکه آن را مسکر دانسته و از آنجا که در شرع اسلام حرمت استعمال مسکرات امری مسلم می باشد، حرمت مصرف مواد مخدر را مسلم دانسته اند. اما باید بررسی شود که آیا واقعا مواد مخدر از مسکرات هستند و عین احکام جزایی و تکلیفی را دارند؟

کار شناسان مواد مخدر بر این اعتقاد اند که فرآورده های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می گیرند، به طور قطع از مسکرات هستند، زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل میکند و انسان را به مرحله ی حیوانی و بی خودی ساقط می کند. (طریحی، ۱۳۶۲)

اما با توجه به این که اکثر فقها فارق و مایز بین مسکر و مواد مخدر را عرف دانسته اند. ملاک در تشخیص مسکر از غیر مسکر و خمر از غیر خمر، عرف می باشد. در نظر عرف نمی توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود. در عین حال با نظر به روایات حرمت خمر و مسکرات و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده، شاید بتوان از باب تنقیح مناط حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد، زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را در روایات صحیح آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می یابیم.

**۴-۱-۱-۱-۴- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن از باب آکل سم و اضرار شخصی و اجتماعی**  
برخی از فقها مانند مرحوم آیت الله خوئی استعمال مواد مخدر را از باب آکل سم (طوسی، ۱۴۰۷ق) و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی که حرمت آن در شرع مسلم است حرام دانسته اند. برخی مانند آیت الله خامنه ای به وسعت ضرر آن خصوصا ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر می باشد توجه نموده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته اند. (طوسی، ۱۳۷۵ق) (فیض، ۱۳۶۳)

**۴-۱-۱-۱-۵- استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن از باب قاعده حرمت اسراف**  
در قرآن، اخبار و کلمات علما از اسراف به طور مکرر سخن به میان آمده است که حاکی از حرمت آن می باشد. به طوری که در حرمت اسراف هیچ شکی نمی باشد. در عین حال بسیاری از فقها به طور دقیق به تبیین موارد و احکام جزایی آن نپرداخته اند اگر چه برخی در صدد طرح و تحقیق در آن بر آمده اند. (طوسی، ۱۳۸۷)

#### ۴-۱-۱-۲- حرمت تولید، معاملات و قاچاق مواد مخدر

با توجه به حرمت استعمال مواد مخدر وعدم فایده عقلانی مصرف آنها و مفسدگی که پیامد استعمال مواد مخدر است، حرمت تولید و قاچاق آن نیز روشن می شود. فقهای که قائل به حرمت استعمال مواد مخدر هستند، قائل به حرمت تولید و قاچاق آن نیز می باشند. حرمت این امور که به تبیین آنها در این مبحث آمده، پایه و اساس مبانی مجازات قاچاقچیان مواد مخدر می باشد. قاچاق مواد مخدر و معاملات آن رامی توان از مصادیق قواعد واحکام کلی فقهی متعددی دانست که به دو مورد اشاره می کنیم:

#### ۴-۱-۱-۲-۱- قاعده حرمت مقدمه حرام

یکی از قواعد واحکام فقهی که فقها مبنای فتوا در موضوعات مختلفی قرار داده اند حرمت مقدمه حرام است. اگر عملی سبب تحقق فعل حرام و گناهی باشد، خود آن عمل از این باب حرام می شود، چنان که اگر شرط و زمینه ی وقوع حرام گردد، به شرط این که شخص قصد حصول آن حرام از فعل مقدمه را داشته باشد، باز حرام است. (سلمان پور، ۱۳۸۲)

#### ۴-۱-۱-۲-۲- قاعده نفی سبیل

از دیگر قواعد مهم فقهی که هم آیات قران و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده اند قاعده نفی سبیل می باشد. حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است. (مجلسی، بی تا)

گاهی قاچاق مواد مخدر با انگیزه های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است، و یا حتی اگر چنین انگیزه ای وجود نداشته باشد، از آثار شیوع مواد مخدر زوال اراده ی دفاع از دین و حریم می باشد که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می شود.

#### ۴-۱-۲- احکام وضعی

#### ۴-۱-۲-۱- سفاهت و محجوریت معتاد

مصرف کننده ی مواد مخدر به خصوص زمانی که دچار اعتیاد شدید شده باشد، هر روز باید مصرف خود را افزایش دهد در این صورت شخص معتاد هم جان خود را و هم جمیع اموال خود را در مسیر مصرف مواد مخدر از بین می برد. این خودنشانه ای از سفاهت یک شخص می تواند باشد، چون هیچ شخص عاقلی جان خود و مال خود را از بین نمی برد. (مازندرانی، ۱۳۸۲ق)



#### ۴-۱-۲-۲-عدم تملک سرمایه های کسب شده به وسیله ی قاچاقچیان

با توجه به حرمت و بطلان معاملات و تکسب از طریق مواد مخدر به هر شکل کسب در آمد می کنند مالک آن نمی شوند و اموال شرعا به آنها منتقل نشده، لذا ضامن این اموال بوده و باید به صاحبانش بر گردانند و چون در غالب موارد صاحبان آن شناخته شده نمی باشند به نظر میرسد باید اموال و سرمایه های کسب شده از طریق مواد مخدر را مجهول المالک دانست و یا در نهایت متعلق به معتادین تلقی کرد، چون تمام هزینه های تولید و قاچاق و سود آنها بالاخره توسط مصرف کننده یعنی معتاد پرداخت می شود. (سلمان پور، ۱۳۸۲)

#### ۴-۲-۲-بررسی مبنای مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در راستای اسلامی کردن قوانین و منطبق ساختن با فقه تقسیم بندی سابق از مجازات های (جنایت، جنحه، خلاف) نسخ و تقسیم بندی جدیدی از مجازات ها به عمل آمد. در همین راستا ماده ۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ مجازات ها را به ۴ گروه (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات) تقسیم نموده، در سال ۱۳۷۰ مجازات های بازدارنده نیز به مجازات های مزبور منطبق با تقسیم بندی فقها از مجازات ها اضافه شده است. مقصود از بررسی مجازات های مزبور این است که ببینیم مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر جزء کدام دسته از مجازات های فوق قرار می گیرد در این خصوص ۴ نظریه قابل طرح است و در این که مبنای مجازات های بازدارنده چه باشد، اختلاف نظر، وجود دارد. در ذیل نظریات مزبور را بیان و مورد بررسی قرار می دهیم: (سینایی، ۱۳۹۲)

#### ۴-۲-۱- تبیین لغوی و اصطلاحی افساد فی الارض

در مورد مبنای مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر یک نظریه ارائه شده مبنی بر این که مبنای مجازات اعدام در این جرایم از باب افساد فی الارض گفته می شود. در این نظریه به مجرمینی که محکوم به اعدام می شوند «مفسد فی الارض» گفته می شود.

الف) فساد

افساد در قران کریم به معانی متعدد و مختلفی از جمله به معنای کفر، بازداشتن از راه خدا، لجبازی در برابر آن، تکبر، طغیان، فسق، نفاق، عصیان، ظلم، اسراف، خونریزی، جنگ افروزی، نابودی نسل، غضب، کم فروشی، و سرقت، نقض عهد و قطع رحم آمده است. (ابطحی، ۱۳۶۳)

بنابراین، با توجه به موارد گفته شده و نحوه استعمال واژه فساد بالاخص در فرهنگ و متون عربی می توان گفت که مفهوم «فساد» و صلاح، عام است و هرکس عمل صالح انجام دهد؛ صالح و اگر نفعی متوجه دیگران شود؛ مصلح است و بر عکس، هرکس فسادی را مرتکب شود؛ فاسد و اگر ضررش به دیگران برسد؛

مفسد است. و در واقع شامل تمامی معاصی و گناهان، اعم از کبیره و صغیره می شود و مفسد کسی است که بر ضد هدف انبیاء عظام و امامان معصوم عمل کرده و در جهت گسترش فساد در جامعه قدم بردارد و در صدد ابطال و لغو تعالیم و تعطیل احکامی برآید که آن بزرگواران از جانب خدا برای مردم آورده و آنها را به رعایت آن دعوت کرده اند. (ابطحی، ۱۳۶۳)

ب) فی الارض

با وجود روشن بودن معنای این عبارت، در مورد اینکه مقصود از «فی الارض» چیست، دو احتمال وجود دارد: احتمال نخست از آن است که محل حلول فساد و ظرف ارتکاب این گناه کره خاکی زمین است. به این ترتیب افساد فی الارض بر هر گناهی که در روی زمین صورت گرفته باشد، صادق خواهد بود؛ هر چند گناهی کوچک و در محلی دور از چشم دیگران، احتمال دیگر آن است که قید «فی الارض» کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای بر پا کردن فساد در منطقه یا ناحیه ای از زمین باشد. این برداشت مفسران و فقها و نیز فهم عرفی این عبارت مناسب تر است. (بای، ۱۳۸۵)

پس بنابراین افساد فی الارض یعنی بیرون آوردن نظام صالح الهی از اعتدال و صلاح، چه با اخافه و چه بدون اخافه، اگر در شرع برای مفسد مجازات خاصی پیش بینی شده باشد مشمول آن مجازات، و الا مشمول حکم «افساد» قرار خواهد گرفت.

همچنین «افساد فی الارض» انجام هر عملی است که مسیر عادی و سلامت اجتماع را بر هم زده و در نتیجه بسیاری از مواهب و نعمت های یک اجتماع سالم مثل آزادی، عدالت برابری در مقابل قانون و آرامش عمومی را تباہ سازد و موجب اخلال در روند حرکت جامعه به سوی مصالحه و کمالات انسانی شود.

بر اساس تعریف فوق مجرمین مواد مخدر نیز چون با عملشان سر راه اجرای فرامین سعادت آفرین الهی شده و در پیاده شدن آن کارشکنی می نمایند و جامعه را به بی بندباری و فساد سوق داده و انسان ها را از انسانیت، غیرت، فرهنگ و افکار عالی انسانی تهی می سازد، در نتیجه عملشان «افساد فی الارض» و چنین افرادی نیز «مفسد فی الارض» می باشد. (بای، ۱۳۸۵)

دو عنصر جرم افساد فی الارض از لابه لای کلمات فقها در خصوص صدق عنوان مفسد فی الارض به دو عنصر مهم بر می خوریم که برای محقق شدن جرم افساد فی الارض باید آن دو عنصر احراز شود: اول: فساد و جرم به صورت عادت در آید یا حداقل بیش از یک یا دو بار تکرار شود و یا عمل به گونه ای باشد که آثار سوء آن به چند نفر دیگر سرایت کند. اصولاً در تمام مواردی که عنوان مفسد فی الارض آورده اند این عنصر به چشم می خورد

دوم: جرم و عمل موجب لطمه به اجتماع شود و جنبه عمومی پیدا کند، خواه امنیت و نظم اجتماعی را به مخاطره اندازد و یا دین، ناموس و اموال را در سطح جامعه تهدید نماید. اصولاً جرایمی که آثار آن

از مرز خود مرتکب تجاوز نمی‌کند فساد بر آن صدق می‌کند، لذا عنوان حدی افساد فی الارض بر آن صادق نمی‌باشد. باید توجه داشت که منظور از ارض در این عنوان جامعه انسانی است و نه صرف زمین، بنابراین عنصر مهم دیگر افساد فی الارض را احراز شیوع فساد در سطحی از جامعه حداقل سه نفر به بالا باید به حساب آورد.

#### ۴-۲-۳- ادله ی طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی الارض

طرفداران این نظریه که مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض می‌دانند، برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

۱- طرفداران این نظریه در اثبات نظریه خود به آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره استناد می‌کنند. آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعاً» (مائده، ۳۲) بدین سبب بر بنی اسرائیل چنین حکم نمودیم که هرکس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه ای در روی زمین کند به قتل رساند مثل آن باشد که همه مردم را کشته است و ...

و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز می‌فرماید: «و اذا تولی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد» (بقره، ۲۰۵) و آنگاه که پشت کند در روی زمین تلاش می‌کند تا فساد کند و حاصل و نسل بشر را هلاک کند و خداوند را دوست ندارد.

مفهوم آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده که در مقام بیان جواز قتل برای مفسدین است این است که، کشتن شخص غیر مفسد قتل عمد و جرم محسوب می‌شود، ولی کشتن شخص مفسد جایز است و مسئولیتی ندارد. مفهوم آیه ۲۰۵ سوره بقره نیز این است که: هر عملی موجب نابودی انسان‌ها و یا اموال مردم یا غارت آنها می‌شود و یا موجب ایجاد فتنه و تفرقه آشوب در میان افراد یا موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده ای از مردم به نحوی از انحا گردد، «افساد فی الارض» می‌باشد. نتیجه ای که با استناد به آیه مذکور بدست می‌آید این است که افساد فی الارض جرمی مجزا و مستقل از محاربه است، و دارای مبنای قرآنی و شرعی نیز می‌باشد. بنابراین بر اساس آیات مذکور مجرمین و جرائم مواد مخدر عناصر تعریف و افساد فی الارض را دارا می‌باشند، زیرا اعمالشان موجب تباهی حرث نسل، گسترش فساد و انحراف اخلاقی در جامعه می‌شود، و سلامت عمومی جامعه را به خطر می‌اندازد، در نتیجه مجازات اعدام در مورد این جرائم و مجرمین آنها از باب «افساد فی الارض» جایز باشد و اگر این مجازات از باب افساد باشد و به دلیل قرآنی، پس مجازات حدی است که در آن عفو و تعلیق و ... جایز نیست و یا تبدیل آن به حبس ابد هیچ توجیه شرعی ندارد؛ آنچه مؤید این ادعاست این است که در صورت یکسان بودن عنوان افساد فی الارض با محاربه بسیاری از مصادیق افساد از شمول عنوان محاربه خارج می‌شوند، از

جمله جرائم مواد مخدر و در نتیجه در مورد این جرائم حالت عدم مجازات ایجاد می شود، زیرا اعمال مجازات های تعزیری در پاره ای موارد در مورد این جرائم متناسب و مناسب به نظر نمی رسد، مثلا اعمال چند ضربه شلاق و یا حبس در برخی از موارد با عمل مجرمی که با عملش حرث و نسل را به تباهی کشانده، و در جامعه ایجاد فساد کرده است عادلانه و متناسب نمی باشد. بنابراین مستند به این دلیل برای رعایت عدالت و اعمال مجازاتی متناسب نیز می تواند در مورد مجرمین مواد مخدر متوسل به مجازات اعدام شد. ( حبیب زاده، ۱۳۷۰ )

۲- محاربه و افساد فی الارض جرم واحدی محسوب نمی شوند، بلکه دو جرم مستقل و مجزا از یکدیگر می باشند، و برای اثبات این ادعا به آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده استناد می کنند که می فرماید: «آتما جزوا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا». (مائده، ۳۳) همانا کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند.

مستند به آیه فوق اگر فساد فی الارض همان محاربه باشد دیگر نیازی به ذکر عبارت «یسعون فی الارض فسادا» نبود. بعلاوه واو عطف که در آیه مذکور بکار رفته بیانگر این است که محاربه و افساد فی الارض دو عنوان مجرمانه محسوب می باشند، زیرا در غیر این صورت و در صورتی که شارع در مقام بیان یک عنوان مجرمانه بود به جای واو عطف باید حرف «او» را استعمال می نمود. ( حبیب زاده، ۱۳۷۰ )

دلیل دیگری که طرفداران این نظریه برای صحت ادعای خود به آن استناد می کنند حکم عقل است و بیان می دارند که: ( به نظر ما عقل نیز، مجزا بودن عنوان افساد فی الارض را به عنوان جرمی مستقل و جدای از محاربه تأیید می کند ) چرا که از یک طرف می گوئیم تعزیر بمادون حد است زیرا گناهان تعزیری به اهمیت گناهان مستلزم حد نیستند، و از طرف دیگر برای جرائمی مانند قاچاق مواد مخدر و به فساد کشاندن فرهنگ جامعه و انحطاط اخلاقی جوانان و ... که همگی منجر به خروج جامعه از اعتدال می شوند عنوان خاصی پیش بینی نشده است، در حالی که اهمیت آنها و درجه افساد آنها به مراتب شدیدتر از بسیاری از جرائم مستلزم تعزیر و یا حتی حد است. بنابراین از نظر عقل قبیح است که اعمالی که منجر به فساد در زمین می شوند و جامعه بشری را از مسیر خود خارج می کنند و اعتدال آن را به هم می زنند در ردیف جرائم مستلزم تعزیر قرارگیرند، در حالی که اثرات مخرب آنها به مراتب بیش از جرائم تعزیری است. بنابراین جرم افساد فی الارض یک عنوان کلی است که از مصادیق آن جرم محاربه که مورد حکم خاص قرار گرفته است. ( آیه ۳۳ سوره مائده و ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ) و در غیر این موارد به اصل کلی مراجعه می شود. یعنی فساد عنوانی مستقل از محاربه بوده و مشمول حکم آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مائده قرار می گیرد. ( حبیب زاده، ۱۳۷۰ )

۴- رابطه محاربه و افساد فی الارض عموم خصوص مطلق است و افساد فی الارض اعم است از محاربه بدین معنی که هر محاربه مفسد است ولی هر مفسدی محارب نیست. بنابراین کلیه گناهانی که دارای

مفسده عمومی هستند ( مانند جرائم مواد مخدر ) مشمول حکم افساد فی الارض قرار می گیرند و بر این اساس محاربه یکی از مصادیق افساد محسوب می شود. ( حبیب زاده، ۱۳۷۰ )

#### ۵- لازمه حفظ مصالح خمس

مجازات حدی افساد فی الارض لازمه حفظ مصالح خمس: غزالی و برخی از فقهای امامیه گفته اند که هدف شرع حمایت از مصالح خمس بوده و جعل همه احکام اسلامی برای حمایت از آنهاست. آن مصالح عبارت است از: مصلحت دین، مصلحت عقل، مصلحت نفس، مصلحت ناموس و مصلحت مال. هر چه که متضمن حفظ این مصالح باشد، خود مصلحت است و هر چه که باعث از بین رفتن این مصالح گردد، مفسده و جرم است و بر طرف کردن مفاسد نیز مصلحتی دیگر است. ( فیض، ۱۳۶۳ )

علامه مجلسی می فرماید: پنج چیز است که در شریعت جمیعت پیامبران حفظ آن لازم و متحتم بوده: اول دین، دوم نفس، سوم مال، چهارم نسب و پنجم عقل. حفظ دین به اقامه عبادت است و کشتن کافران و مرتدان و جاری گردانیدن حدود و تعزیرات بر جمعی که اینان را سبک شمارند حفظ نفس به قصاص کردن و دیه گرفتن است، زیرا که اگر قاتل را به عوض مقتول نکشند و جراحت کننده را به عوض، جراحت نکنند یا دیه نگیرند، کشتن و فساد در عالم بسیار می شود .. حفظ نسب به نکاح و ملک یمین از کنیزان و منع کردن از زنا و لواط و امثال آنها و حد مرتکب را جاری گردانیدن است.

حفظ مال به اجرای عقود شرعی و منع نمودن از غصب و دزدی در مال مردم و حد خدا را بر مرتکب آنها جاری گردانیدن است.

حفظ عقل که امتیاز انسان از سایر حیوانات به آن است، به منع از آشامیدن شراب و سایر چیزهای مست کننده و جاری گردانیدن حد بر آشامنده آنها است. (مجلسی، بی تا)

با توجه به ضرورت حفظ مصالح مزبور آنچه که موجب تهدید و از بین رفتن تمام یا یکی از آنها شود نوعی عامل فساد و تباهی است و چنانچه آن عامل عنوان خاصی داشته و مجازات آن مقرر و معین شده باشد، حد و از مصادیق افساد فی الارض می باشد و آنچه در اختیار حاکم قرار گیرد تعزیر می باشد. حال اگر عملی به طور فراگیر یا به صورت عادت و تکرار یکی و یا چندین مصلحت فوق را تهدید و از بین ببرد یعنی اگر عملی باشد که دین، عقل، نفس، نسل، عرض، ناموس و اموال را تهدید کند به گونه ای که تخریب و فساد این مصالح به وسیله آن عمل، به مراتب از تخریب این مصالح به وسیله برخی از جرایم حدی که مصداق افساد فی الارض معرفی شده اند بیشتر باشد، باید آن عمل را تحت جرم حدی افساد فی الارض قرار داد و مجازات اشد مفسد فی الارض را که همان قتل است برای آن در نظر گرفت. جرم قاچاق مواد مخدر با توجه به نظر کارشناسان و آنچه که امروزه به وضوح مشاهده می گردد نسل جوان را در معرض تباهی قرار داده و موجب سستی بنیان خانواده و هتک حریم آن شده، غیرت دینی و

دینداری و عمل به احکام شریعت و روح امر به معروف و نهی از منکر و حق‌گرایی و ایمان را زایل و سست می‌کند، نیز اموال را مستقیم یا غیرمستقیم از بین می‌برد، و موجب هلاکت نفس معتاد و قتل غیر در جریان و فرایند تولید تا مصرف می‌گردد و عقل و اراده را زایل و سست می‌نماید بنابراین در این عمل، جمع مصالح پنج‌گانه مورد تهدید قرار گرفته و از بین می‌رود، لذا می‌تواند از مصادیق بارز جرم افساد فی‌الارض باشد.

۶- و بالاخره آخرین دلیلی که طرفداران این نظریه بیان می‌کنند این است که اصلحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مبنای مجازات اعدام را از باب افساد فی‌الارض دانسته است. ماده ۹ اصلحیه مذکور بیان می‌دارد «مرتکب در حکم مفسد فی‌الارض است و به اعدام محکوم می‌شود» بیانگر این است که قانون‌گذار محاربه و افساد فی‌الارض را دو جرم تلقی کرده و مبنای اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی‌الارض دانسته است.

#### ۴-۲-۴- ادله ی مخالفین مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر، از باب افساد فی‌الارض

در تحلیل و نقد نظریه فوق مبنی بر مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، از باب افساد فی‌الارض، بنا به دلایل ذیل صحیح به نظر نمی‌رسد و محل تردید می‌باشد.

۱- آیه ۳۳ سوره مائده یک موضوع و مبتدا بیشتر ندارد. آن هم «الذین» می‌باشد و یحاربون و یسعون هر دو «صله» می‌باشند که با «واو عطف» به هم عطف شده‌اند. اگر آیه در مقام بیان دو دسته از مجرمین می‌بود و اگر قرار بود مفسدین غیر از محاربین باشند باید کلمه «الذین» قبل از «یسعون» تکرار می‌شد و آیه بدین صورت انشاء می‌شد: «آئما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و الذین یسعون فی‌الارض فساداً» یعنی کسانی که با خدا و رسول او محاربه می‌کنند و کسانی که در زمین ایجاد فساد می‌کنند مشمول حکم آیه قرار خواهند گرفت. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۱)

بنابراین آیه در مقام بیان حکم است «مفسد- محارب» است (نه اینکه در مقام بیان حکم مطلق مفسد باشد) و انواع افساد تنها آن نوعی که «مفسد- محارب» مشمول آیه قرار می‌گیرد، یعنی تنها اگر جرایم مواد مخدر به صورت مسلحانه صورت گیرند عمل چنین مرتکبینی محاربه و افساد فی‌الارض می‌باشد. همانگونه که ماده ۱۱ اصلحیه قانون مبارزه با مواد مخدر نیز اشاره می‌دارد «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است» بنابراین از بین اقسام جرایم مواد مخدر تنها قاچاق مسلحانه مواد مخدر مشمول حکم «مفسد- محارب» قرار می‌گیرد.

آیت الله شاهرودی نیز پس از بحثی وافر و وافی، در زمینه تفسیر موسع عنوان افساد فی‌الارض، در قسمت اخیر بحث می‌فرماید «سخنان فقها مطلبی است که ما بیشتر به هنگام بحث از آیه مبارکه گفتیم

که مراد از عنوان افساد در زمین، افساد به صورت تجاوز و تعدی به دیگران است نه مطلق فساد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷)

۲- با ملاحظه آیه ۳۳ سوره مائده از «واو عطفی» که در آیه مزبور وجود دارد در می یابیم که محارب و افساد فی الارض جرمی واحد می باشند، زیرا نظر و مقصود شارع مقدس این بود که در آیه مزبور عناوین متعدد مجرمانه را مقرر و بیان کند، باید به جای «واو عطف» حرف «او» را بکار می برد و آیه را به این گونه انشاء می نمود که «انما جزوا الذین یحاربون الله و رسوله او یسعون فی الارض فساداً» بنابراین قائل شدن به تعدد عنوان عمل، برخلاف نص صریح آیه بوده و اجتهاد در برابر نص محسوب می شود. بعلاوه با ملاحظه کتب فقهی فقها، اکثر فقها اصطلاح و عنوان محارب و مفسد را با «واو عطف» در کنار هم ذکر کرده اند و یا اینکه به جای همدیگر استعمال نموده اند، به نحوی که یا باید بگوییم گوینده برای این دو لفظ یک معنی و مفهوم قائل بوده و آنها را مترادف هم می دانسته، و یا این که حداقل از نظر مصداق و واقعیت خارجی آنها را منطبق بر هم و بدون انفکاک می دانسته است. در نتیجه از بیانات فقها استفاده می شود که آیه تنها در مقام یک امر و واقعیت خارجی است و آن نیز کشیدن سلاح و ایجاد ناامنی است.

۳- واژه «محارب و مفسد» هر دو اشاره به یک واقعیت خارجی دارند. البته عنوان محاربه در قرآن و کلمات فقها بیشتر و عنوان «افساد فی الارض» کمتر استعمال شده است. بعلاوه با ملاحظه قانون مجازات اسلامی در می یابیم که قانون گذار ایران نیز ظاهراً آیه ۳۳ سوره مائده و همچنین نظر فقها را مد نظر قرار داده است و در باب هفتم - محاربه و افساد فی الارض، و در مبحث حد همین عنوان را به دنبال محاربه به «واو عطف» آورده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷)

در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز آورده است که : هرکس که برای ایجاد رعب و حراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می باشد که بیانگر این است قانون گذار عنوان محاربه و افساد فی الارض را مترادف با هم دانسته و بین آنها تفاوتی قائل نمی باشد نتیجه اینکه افساد فی الارض نمی تواند جرمی مجزا و مستقل از محاربه باشد تا بتواند مبنای مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر قرار گیرد.

البته در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ قانون گذار عنوان محاربه و افساد فی الارض را در دو فصل جداگانه بیان کرده است ( فصل هشتم محاربه و فصل نهم - بغی و افساد فی الارض ) که همین امر می تواند نقضی بر مباحث بیان شده قبلی باشد که محاربه و افساد فی الارض را یک جرم دانسته بود، به دلیل این که شاید هدف از تفکیک دو جرم محاربه و افساد فی الارض، در دو بخش مجزا این باشد که این دو جرم (محاربه و افساد فی الارض دو جرم مجزا و مستقلی هستند). (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷)

۴- عبارت «یسعون فی الارض فساداً» در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده نمی تواند خود بیان کننده عنوان مجرمانه مستقلی باشد، بلکه این عبارت خود یکی از شرایط تحقق جرم محاربه می باشد، به این صورت

که عمل مرتکب باید ایجاد فساد در روی زمین کند. بنابراین در صورتی که محاربه علاوه بر قصد ایجاد اخافه، قصد ایجاد فساد را نیز داشته باشد، مشمول حکم آیه قرار می‌گیرد. موید این مطلب نظر حضرت امام (ره) است که نفس محاربه را مستلزم مجازات‌های چهارگانه نمی‌داند بلکه محاربه بر وجه افساد را مستلزم مجازات می‌داند ایشان برای تحقیق محاربه علاوه بر قصد به کار بردن سلاح به منظور ترساندن مردم، صد افساد در زمین را هم شرط دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۶۸)

همچنین می‌توانیم بگوییم که عبارت مذکور عنصر روانی جرم محاربه می‌باشد و عنصر روانی در «تجرید السلاح لاخافه الناس» مستقر است و به محض وقوع عنصر مادی، عنصر معنوی نیز تحقق می‌یابد. آیه درباره گروه مشخص از مردم صحبت می‌کند و آن هم محاربان با قصد افسادند.

عبارت «یسعون فی الارض فسادا» برای توصیف و تفسیر جمله قبل خود یعنی «یحاربون اله و رسوله» است و بدین معنی که چنین کسانی عملشان ذاتاً ایجاد فساد در روی زمین می‌کند. عبارت مذکور جنبه تاکیدی دارد و بیانگر این است که «تجرید السلاح» نوعاً در زمین ایجاد فساد می‌کند و محاربین، مفسد محسوب می‌شود. همچنین عبارت «و یسعون فی الارض فسادا» با توجه به این که قید لارض به معنای زمین در آن به کار رفته است جنبه عمومی جرم محاربه را می‌رساند. (فیض، ۱۳۶۳)

زیرا محاربه و افساد فی الارض جنبه عمومی دارد. بدین معنی که لازمه تحقق آن، این است که عمل محاربه امنیت عمومی را برهم بزند و موجب ترس، رعب، هراس و سلب آزادی و امنیت مردم شود. بدست بردن سلاح برای ترساندن یک نفر محاربه محسوب نمی‌شود.

۵- آیات ۳۲ سوره مائده و ۲۰۵ سوره بقره نیز نمی‌توانند مبنای جرم افساد قرار گیرند زیرا آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده در مقام بیان حرمت قتل عمد است، نه در مقام بیان مجوز کشتن مفسد «بغیر فسادا» به معنای غیر مفسد نیست بلکه منظور مصون الدم و محقون الدم بودن مقتول است. بنابراین نمی‌توان به آیه مذکور استناد کرد و گفت کشتن غیر مفسد قتل عمد است و کشتن فرد مفسد جایز است. زیرا در آن صورت باید هر عمل و جرمی که در آن نوعاً فساد وجود داشته باشد، قتل مرتکب آن نیز جایز باشد. در حالی که مفهوم آیه این نمی‌تواند باشد. در مواردی که نص صریحی در خصوص موضوعی وجود ندارد باید به قدر متیقن اکتفا کرد و قدر متیقن آیه مزبور این است که، آیه تنها در مقام بیان حرمت قتل عمد است، بدین معنی که قتل شخص مصون الدم با عمد و عدوان قتل عمد است و در غیر آن صورت قتل عمد نمی‌باشد، و حکم آیه قابل تعمیم دادن به افساد و مفسدین نیست.

۶- آیه ۲۰۵ سوره بقره «و إذا تولى سعى فی الارض لفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لا یحب الفساد» نیز اگرچه تباهی نسل را افساد و چنین اشخاصی را مفسد دانسته است، ولی برای مفسدین هیچ مجازاتی مقرر نکرده است و تنها گفته است «و الله لا یحب الفساد» یعنی خدا فساد را دوست ندارد، و برای افساد مجازاتی تعیین نشده است و اگر به لسان حقوقی بخواهیم بگوییم جرم عملی است که «شارع



- قانون گذار «آن را جرم بشناسد و برایش مجازات تعیین کند، بنابراین وقتی شارع برای عملی مجازات تعیین نکرده باشد، به دلیل فقدان اصل قانونی بودن مجازات، جرم (افساد فی الارض) تحقق پیدا نکرده و وقتی که چنین جرمی وجود ندارد عقاب آن بلا بیان و قبیح خواهد بود. مورد مذکور را به طریق دیگر می توان بیان نمود و آن این که اگرچه قرآن کریم در موارد متعدد افساد را مورد نکوهش قرار داده است، ولی برای مفسدین مجازاتی مقرر نکرده است. نظر صحیح این است که افساد هنگامی قابل مجازات است که مسلحانه و با قصد ایجاد اخافه و برهم زدن امنیت همراه باشد. در نتیجه آیه مذکور شامل تمام افراد افساد نمی شود و مصادیق مشتبه، مشمول قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» قرار گرفته و بر اساس این قاعده مذکور بدون کیفر باقی می ماند. بنابراین از بین اقسام افساد تنها «مفسد-محارب» یعنی مفسدی که محاربه کند مشمول آیه می شود.

۷- غالب فقهای قدیم و متاخر تقریباً معتقد به تساوی و ترادف عنوان محارب با مفسد هستند و آن را یک جرم دانسته اند، به این دلیل که باب تفاسیر، متعرض محارب شده و از مفسد فی الارض مستقلاً بحث نکرده اند. از عدم تعرض مفسد و عدم تفسیر آن یک دلیل سلبی درست کرده و نامش را اتفاق گذاشته اند و این عدم تفسیر را دلیل بر انحصار افساد در مفهوم محارب گرفته اند. در کتب فقهی امامیه تا زمان مرحوم صاحب جواهر هیچ کدام از فقها بحث جامع و مشروحی در رابطه با افساد فی الارض مطرح ننموده اند به عبارت دیگر بهتر است «افساد فی الارض» نیز مانند سایر عناوین جزائی از قبیل: سرقت، محاربه، ارتداد و بغی مطرح و تعریف جامع و مانعی برای آن ذکر گردد، و نیز رابطه آن با مفهوم محاربه تبیین شد و سپس فروع مربوط به افساد و مفسد مطرح شود، در هیچ یک از کتب فقهی قدام مشاهده نشده است. بر عکس برخی از فقها در ضمن کتاب حدود دو بخش مربوط به محاربه به طور کلی از تعرض به آن خودداری و نامی از افساد و مفسد به میان نیاورده اند، مانند شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۶۸ ق) و شیخ طوسی در المبسوط و الخلاف و محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام، (حلی، ۱۴۱۳ ق) فخرالمحققین در ایضاح الفوائد ثانی در شرح لمعه (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق)

در کنار گروه فوق عده ای از فقها نیز به طور جنبی و حاشیه ای در ضمن باب محاربه یا در سایر قسمت ها، مساله را مطرح نموده اند. (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق) ولی از ذکر جزئیات در مورد آن و تصریح به این که آیا آن را جرمی مستقل می دانند یا مساوی با محاربه می شمارند، خودداری کرده اند و در میان فقها متأخر نیز اگر چه مساله افساد بیشتر مورد توجه و استناد قرار گرفته است ولی در نهایت، وحدت رأی و نظر بین آنها وجود ندارد، عده ای از فقها محارب و مفسد را یک عنوان مجرمانه (خویی، ۱۳۹۶ ق) و عده ای نیز بین این دو قائل به تفکیک شده و آن را دو جرم دانسته اند.

با توجه به مطالب فوق می توان گفت این دلیل «چون فقها متعرض افساد نشده اند بنابراین محاربه و افساد یک جرم می باشند» دلیلی قابل معترض و انکار می باشد زیرا نظر به این که بسیاری از فقها، افراد

دقیق و باریک بینی بوده و در مورد هر مسئله و موردی فروع بسیار جزئی و ظریف آن را نیز مطرح و احکام آن را تجزیه و تحلیل نموده اند و با توجه به این که اغلب آنان در ضمن بحث محارب به آیه ۳۳ سوره مائده که جمله «یسعون فی الارض فساداً» از جمله فرازهای مشخص آن استفاده نموده اند. احتمال این که عدم طرح مسئله مفسد از روی غفلت و بی توجهی بوده باشد کاملاً منتفی است، بنابراین باید پذیرفت که غالب فقها مفسد را جرمی جدا از محاربه ندانسته و در نتیجه آیه ۳۳ سوره مائده و سایر ادله مربوط، تنها مفهوم کیفری محاربه و احکام مترتب بر آن را بیان می کند و به «افساد فی الارض» به عنوان یک جرم جداگانه با مفهوم مستقل اشاره ندارد.

۸- یکی از دلایلی که طرفداران این نظریه به آن استناد می کنند این است که در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب «افساد فی الارض» دانسته است؛ و به تبعیت از جماعت غالب فقها محاربه و افساد فی الارض را جرم واحدی دانسته است. و برای افساد ماهیتی جدا از محاربه قائل نشده است مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب ولی ملاحظه می کنیم که «اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر» از این قاعده عدول کرده و محاربه و افساد را دو جرم دانسته است این که خود محل سؤال و ایراد است و قانون گذاری بر خلاف رویه عمل کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

اگرچه قانون گذار در ماده ۹، مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض دانسته است، ولی ظاهراً برای این عنوان نیز اصلاتی قائل نمی باشد، زیرا قانون گذار عنوان افساد فی الارض را که در ماده ۶ قانون سال ۱۳۷۶ آمده بود در سال ۱۳۷۶ حذف نموده است.

در صورت پذیرش این ادعا که آیه ۳۳ سوره مائده در مقام بیان حکم دو گروه از مجرمین یعنی «محاربین و مفسدین» است این مسأله پیش می آید که آیه مذکور برای محاربه و افساد فی الارض چهار نوع مجازات مختلف مقرر کرده است که بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۸۲ قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ قاضی در انتخاب هر یک از مجازاتهای چهارگانه (قتل، صلب، قطع، نفی بلد) مختار است، در حالی که قانون مبارزه با مواد مخدر این مجازاتها، محصور و منحصر به مجازات اعدام شده است و سایر مجازاتها برای مجرمین مواد مخدر پیش بینی نشده است و در نتیجه اختیار و حقی را برای قاضی، برای انتخاب مجازاتهای چهارگانه قائل نشده است و قاضی اجباراً باید حکم اعدام را صادر کند که این مسأله خود مورد سؤال است. شاید در پاسخ به این سؤال گفته شود که محصور شدن مجازات محاربه و افساد فی الارض به مجازات اعدام این است که انتخاب مجازاتهای چهارگانه اختیاریست ولی باید توجه داشت که اگرچه بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و همچنین ماده ۲۸۲ قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ قاضی در انتخاب نوع مجازات محارب و مفسد فی الارض مختار است ولی بر اساس اصل تناسب بین جرم و مجازات به نوعی موظف است تا از اختیار عدول

کرده و با توجه به شرایط تحقق جرم ارتكابی و میزان ضرر و زیان ناشی از آن، مجازات متناسب و مقتضی را اعمال کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

۹- «مبارزه و افساد فی الارض» باید در دادگاه توسط قاضی به اثبات برسد و این قاضی است که با احراز عناصر جرم و لحاظ کردن آنها تشخیص می دهد که آیا مرتکب، محارب و مفسد است یا خیر؟ در حالی که مقنن در قانون مبارزه با مواد مخدر پیشاپیش خودش مفسد را شناخته است، یعنی قبل از اینکه افساد او در دادگاه و نزد قاضی مطرح شود حکم به افساد داده است؛ و مقرر نموده که مثلاً خرید و فروش ۳۱ گرم هروئین افساد است و چنین مجرمی مفسد است، و در نتیجه هیچ حقی را برای قاضی برای تشخیص و احراز افساد متهم قائل نشده است. در حالی که در افساد فی الارض، افساد و مفسد بودن باید در دادگاه و توسط قاضی احراز و اثبات شود.

با ملاحظه قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه آن این سؤال پیش می آید که قانون گذار مرز میان افساد و غیر آن و یا مرز میان مفسد و غیر مفسد را چه می داند؟ بر چه مبنایی فروشنده ۳۰ گرم هروئین و ۵ کیلوگرم تریاک مفسد نیست ولی فروشنده ۳۱ گرم هروئین و یک گرم تریاک مفسد می باشند، چه خصیصه ای موجب می شود که قاچاق ۳۰ گرم هروئین و ۵ کیلوگرم تریاک و مرتکبین آن مشمول حکم افساد قرار نگیرند ولی بیشتر از آن مشمول این حکم قرار می گیرند؟ قانون گذار علت این تمایز و مرز بندی را مشخص نکرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

۱۰- مورد بعدی این که ماده ۹ قانون مذکور ( مبنی بر این که مجازات اعدام در این جرایم از باب افساد فی الارض است ) با حکم ماده ۳۸ همین قانون تعارض دارد. افساد فی الارض بر اساس باب هفتم از کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ و همچنین باب نهم قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ از جمله جرایم حدی محسوب میشود و همانطور که می دانیم، حدود مصوب جرایمی هستند که جنبه الهی دارند و مجازاتهای ثابتی هستند که حداقل و حداکثر نداشته و امکان عفو و تخفیف در آنها نیز وجود ندارد ، در حالی که بر اساس ماده ۳۸ این قانون در صورت وجود جهات مخففه امکان تخفیف مجازات و عفو در ، تمامی مجرمین و محکومین ( حتی مشمولین و یا محکومین به اعدام ) و همچنین در تمامی مراحل دادرسی ( حتی پس از صدور حکم اعدام) نیز ممکن و امکان پذیر است. ممکن است به این ایراد این گونه پاسخ داده شود که اعمال کیفیات مخففه در ماده ۳۸ از باب توبه مجرم است بدین معنی که همکاری با مامورین و ... حمل بر توبه متهم می شود، که این ادعا نیز پذیرفته نیست، زیرا توبه محارب و مفسد فی الارض پس از دستگیری ( آیه ۳۴ مائده) پذیرفته نیست ، زیرا بیم آن می رود که به خاطر فرار از مجازات توبه کرده باشند در حالی که ماده ۳۸ به طور مطلق انشاء شده و تفاوتی بین قبل از دستگیری و بعد از دستگیری قائل نشده است و در تمامی مراحل اعمال و تخفیف را امکان پذیر دانسته است، یعنی ماده بر خلاف نص صریح آیه پیش بینی شده و عمل کرده است. بعلاوه با مطالعه آراء مربوط به مواد مخدر که

منجر به صدور اعدام شده اند و در آنها کیفیات مخففه اعمال و یا تقاضای اعمال آنها شده است، ملاحظه می شود، کیفیاتی که مبنای اعمال تخفیف مجازات قرار می گیرند همان کیفیاتی هستند که در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. مثلاً فقدان سابقه، کهولت سن و یا سن بسیار کم، همکاری متهم و یا محکوم متأهل و زن و فرزنددار بودن متهم، ندامت و پشیمانی متهم، نیاز مالی متهم، اقرار صریح و... در صورتی که کیفیات مذکور تنها در مورد مجازات های تعزیری و بازدارنده پیش بینی شده است، حال اینکه قانون گذار مواد مخدر مدعی است که جرائمی که مشمول مجازات اعدام می شوند افساد فی الارض می باشند به این ادعا که چون جرایم مواد مخدر ایجاد فساد می کنند از این رو برای دفع فساد اجرایی، مجازات اعدام در مورد مجرمین این جرایم جایز است نیز این گونه پاسخ می دهیم که تمام جرایم دارای مفسده فساد هستند و هر معصیت و جرمی به نوعی فساد بر آن مترتب است، کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس میلیاردها ریال از اموال بیت المال و ... که امنیت اقتصادی و حیثیت سیاسی جامعه اسلامی و نظام حکومتی آن را خدشه دار می کند و زندگی بسیاری از افراد جامعه را به مخاطره می اندازد و گاهی اوقات موجب نابودی و گسستگی و ویرانی بسیاری از زندگی های فردی و خانوادگی می شود، فسادش بیشتر است یا خرید و فروش ۳۱ گرم هروئین؟ در حالی که در آنها به مجازات حبس، جریمه نقدی و شلاق اکتفا شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

۱۱- و بالاخره این که طرفداران نظریه مذکور، بیان داشته اند: حکم عقل اعمال مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر را به خاطر فسادی که در زمین ایجاد می کنند جایز می شمارد، به این دلیل که اعمال مجازات های تعزیری در برخی موارد برای مجرمین این جرایم کافی و موثر نمی باشد، ادعای مذکور نمی تواند صحیح و قابل استناد باشد زیرا به میزانی بیشتر از این ادعا همان عقل حکم می دهد که اعمال مجازات اعدام در این جرایم نه تنها بی تاثیر است بلکه خود ایجاد کننده تبعات و مشکلات عدیده ای است. از آن جایی که عقل چهارمین و آخرین منبع از منابع حقوق اسلام است بیانگر این است که منابع دیگر در زمینه این ادعا مفقود می باشد (کتاب، سنت، اجماع) و طرفداران این نظریه ناگزیر برای اثبات ادعای خود به حکم عقل متوسل شده اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

این نظر حجیت نداشته و قابل استناد نیست، همچنین مسأله حفظ حرمت خون مسلم و احتیاط در دماء برای این است که خون مسلمان به هدر نرود. بنابراین از آن جا که حق حیات محترم ترین و شریف ترین حق از حقوق یک انسان است، بنابراین مسأله رعایت احتیاط در دماء و اهمیتی که خداوند متعال در قرآن کریم برای نفس انسان ها قائل شده است ایجاب می کند که در خصوص مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر احتیاط و دقت بیشتری به خرج دهیم.

#### ۴-۳- محاربه

##### الف) معنای لغوی محاربه

در زبان عربی «محاربه» مصدر باب مفاعله است که ماضی آن «حَارَبَ» بر وزن فاعل از ریشه ثلاثی مجرد «حرب» است. «حرب» به معنای تاراج و غارت غنائم در جنگ معروف است. چه بسا هر تاراجی حرب نامیده شده است.

گفته‌اند که «الحرب» مشتق از «حرب» به معنای کارزار، ربودن و خشمگین شدن است. «قَدْ حُرِبَ» یعنی او غارت شد و تخریب به معنای آتش جنگ را افروختن.

«رَجُلٌ مَحْرَبٌ» یعنی مرد بسیار جنگجو، گویی که خود ابزار یا وسیله جنگ است.

«حَرْبَهُ» به معنای خنجری که وسیله معروفی است برای جنگیدن و اصلش بر وزن فَعَلَهُ از حَرْب یا حَرَابَه است. گفته‌اند نامگذاری محراب مسجد برای آن است که جایگاه محاربه و مجاهده شیطان با هوای نفس است. و نیز گفته‌اند برای این است که شایسته است انسان در آنجا از پریشانی خاطر کنار باشد و با سرگرمی به امور دنیا بستیزد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

##### ب) معنای اصطلاحی محاربه

فقه‌های اسلام درباره تعریف محاربه، عبارات و تعاریف گوناگونی دارند که می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم نمود:

##### - گروه اول

عده‌ای محاربه را به قطع الطريق معنی کرده‌اند. شیخ طوسی در الخلاف، محارب را منحصر به «قطع الطريق» می‌داند که منظور از آن، راهزنی است. (طوسی، ۱۴۰۷ق)

بسیاری از علمای اهل سنت نیز محاربه را به همین صورت تعریف نموده‌اند و آن را منحصر به قطع الطريق می‌دانند؛ به عنوان مثال یکی از آنها می‌گوید: «محارب کسی است که احکام قطع الطريق بر او جاری می‌شود و آن کسی است که در صحرا یا بیابان سلاح حمل کند. اما اگر حمل سلاح در شهر باشد، قاطع نیست» یا: «حرا به عبارت از قطع طریق یا سرقت کبری است».

ابن حزم اندلسی و ابن مورود نیز همین نظریه را دارند. (حبیب زاده، ۱۳۷۹)

##### - گروه دوم

محاربه را به معنی کشیدن اسلحه برای ترساندن مردم می‌دانند، محقق حلی در شرایع شهید اول در لمعه و آیت‌الله خوبی از جمله فقهای هستند که این نظریه را مطرح کرده‌اند.

##### - گروه سوم

کسانی هستند که علاوه بر کشیدن سلاح و ترسانیدن مردم قصد افساد در زمین را نیز بیان نموده‌اند که امام خمینی قائل به این تعریف بوده، می‌گوید: «المحارب: هو کلّ من جرّد سلاحه او جهّزه لاختافه الناس

و اراده الافساد فی الارض؛ فی برّ کان او فی بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهاراً.» (خمینی، ۱۳۶۸) محارب کسی است که سلاح خود را برکشد و از غلاف بیرون آورد یا آماده کند برای ترساندن مردم، و قصد افساد فی الارض نماید، در خشکی باشد یا دریا، در شهر باشد یا در خارج از آن، شب باشد یا روز. صاحب جواهر نیز در تعریف خود، کشیدن سلاح و حمل آن برای ترساندن مردم را به نحوی محاربه می‌داند که فساد فی الارض به سبب آن محقق گردد. به نظر می‌رسد نظریه صاحب جواهر با بیان گروه سوم همانندی داشته باشد. (نجفی ۱۲۷۴ق)

#### -گروه چهارم

کسانی هستند که محاربه را کشیدن اسلحه برای ترسانیدن مردم و مبارزه با حکومت اسلامی می‌دانند. چنانکه در فقه السنه در تعریف حرابه آمده است: «حرابه که قطع طریق هم نامیده می‌شود، عبارت است از خروج طایفه‌ای با اسلحه در کشور اسلامی که هرج و مرج پدید آورند و خونریزی کنند و اموال مردم را برابند و هتک عرض و حیثیت مردم را فراهم آورند و موجب رکود و هلاکت منابع درآمد و نسل شوند. همانطور که در محاربه گروه‌های مختلف که عهده‌دار و مسئول انجام کاری هستند داخل می‌شوند، مانند گروه کشتار و تروریست‌ها و ... به این جهت این گروه‌ها محارب نامیده شده‌اند، چون بر نظام صالح خروج کرده‌اند، در نتیجه با جامعه مسلمین در ستیز و محاربه می‌باشند و از جانب دیگر با تعالیم عالیه اسلامی که برای تثبیت امنیت عمومی و حفظ حقوق و سلامت بشریت است، در جنگ و ستیزند. و بالاخره در یک تعریف جامع‌تر آمده است هرکس اسلحه بکشد و قصد ترساندن مردم را داشته باشد «محارب» است و به تعبیر ساده‌تر، همان دزد سرگردنه را گویند که امنیت جاده‌ها را از بین می‌برد و مشخص است که خدا و رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آیه کنایه می‌باشد؛ بلکه مراد از آنها همه امت اسلامی است. کسی به صرف کشیدن اسلحه محارب نیست، بلکه علاوه بر آن باید رعب و وحشت و هراس ایجاد کند و به عقیده برخی علما اخذ مال هم نماید. اگرچه برخی دیگر اعتقاد به آن نداشته و معتقدند که تنها در کیفیت مجازات او نقش دارد؛ یعنی اگر مالی را اخذ نماید، دست او قطع می‌شود و الا فلا، و احکامی همچون نفی بلد شامل او می‌شود. در این میان تفاوتی میان شب و روز، خشکی و دریا و سفر و حضر نیست. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴)

#### ۴-۳-۱- عناصر تحقق جرم محاربه

در مورد عناصر کشیدن اسلحه به قصد ترساندن مردم و ایجاد رعب و سلب امنیت از مردم و جامعه، میان فقها اتفاق نظر وجود دارد؛ اما در مورد عناصر اهل ریه بودن و بالغ بودن میان فقها اختلاف است برخی از فقها این عناصر را نیز شرط می‌دانند و برخی شرط نمی‌دانند. برخی حکم محارب را شامل زن و مرد هر دو می‌دانند و برخی فقط شامل مردان می‌دانند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴)

محرابه از لحاظ قانونی جرم است، چون برای آن مجازاتی در قانون در نظر گرفته شده و هر جرمی دارای سه عنصر است:

-عنصر قانونی جرم محاربه: ماده ۱۸۳ق.م.ا است که مقرر داشته: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد»  
-عنصر مادی جرم محاربه: دست به اسلحه بردن و استفاده از سلاح را عنصر مادی جرم محاربه گویند.  
-عنصر روانی جرم محاربه: قصد ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت از مردم را عنصر روانی جرم محاربه گویند.

حد محارب به موجب ماده ۱۹۰ق.م.ا: «۱. قتل؛ ۲. به دار آویختن؛ ۳. قطع دست راست و سپس پای چپ؛ ۴. نفی بلد».

#### ۴-۳-۲- افساد فی الارض مستقل از محاربه

عنوان افساد فی الارض و مفسد فی الارض یک عنوان مستقل از جرم محاربه و محارب می‌باشد، زیرا اولاً: آیه شریفه «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا...»(مائده، ۳۳) در مقام بیان دو عنوان جداگانه می‌باشد که یکی اعم از دیگری است، زیرا افساد فی الارض در آیات دیگری که بحث محاربه مطرح نیست آمده، مانند آیه «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض...»(مائده، ۳۲) و این در حالی است که قتل نفس محاربه نمی‌باشد اما می‌تواند از مصادیق افساد فی الارض باشد. علاوه بر این، آیات قرآن از کشتار ظالمانه در زمین «اتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الارض...»(اعراف، ۱۲۷) و «ان یاجوج و ماجوج مفسدون فی الارض...»(کهف، ۹۴)، ایجاد خرابی به ظلم و تعدی «قالت ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها...»(نمل، ۳۴) جادوگری «ان الله لایصلح عمل المفسدین...»(یونس، ۸۱) هلاک نمودن و خونریزی «لتفسدن فی الارض مرتین...»(اسراء، ۱۱) و نافرمانی و معصیت «و اذا قیل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون...»(بقره، ۱۱) با عنوان افساد فی الارض یاد کرده است، لذا نمی‌توان در آیه مورد بحث عنوان افساد فی الارض و محاربه را یکی و مساوی دانست.

ثانیاً؛ آیه در واقع می‌خواهد یکی از مصادیق افساد فی الارض را بیان کند تا از طرف دیگر نوعی تعلیل برای شدت گناه و جرم محاربه باشد. بنابراین عنوان افساد فی الارض مصادیق متعددی دارد که برخی از آنها عنوان معینی مانند محاربه هم دارند.

#### ۴-۳-۳- ادله ی طرفداران مجازات اعدام مرتکبین جرائم مواد مخدر از باب محاربه

طرفداران این نظریه که ( مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب محاربه و افساد فی الارض می دانند ) برای اثبات ادعای خود به دلایل ذیل استناد می کنند:

- ۱- هر عملی که موجب بر هم زدن آرامش، نظم و امنیت عمومی جامعه شود و ایجاد فساد در جامعه کند مشمول محاربه قرار خواهد گرفت. ( میرمحمد صادقی، ۱۳۷۴)
- ۲- تجرید و تشهیر سلاح و یا به دست گرفتن اسلحه در تعریف فقها و قانون مجازات اسلامی از محاربه جنبه حصری ندارد، بلکه از باب تمثیل می باشد. (گلیپاگانی، ۱۴۱۲)
- ۳- طرفداران این نظریه برای اثبات این ادعا به جرائمی استناد می کنند که در فقه و قانون وجود دارند و در آنها بدون این که «تجرید السلاح» و یا سلاح به دست گیرند، مرتکب محکوم به قتل و اعدام می شود، مانند شخصی که ادعای نبوت کند، مرتد، ساحر و ... (طوسی، ۱۴۰۷ق)
- ۴- در قوانین مختلف کیفری نیز جرائمی مقرر گشته اند که در آنها بدون این که مرتکب سلاح بدست گیرد و در ارتکاب آنها سلاح به کار رفته باشد، اقدام علیه امنیت کشور بوده که معادل فقهی آن محارب و مفسد فی الارض می باشد. موارد این جرائم در قوانین کیفری ایران متعدد می باشد، به عنوان نمونه به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:
- ۵- مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی منجر به فوت مصرف کننده گردد، مجازات سازنده و یا تهیه کننده اعدام است.
- ۶- ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «هرکس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا با واسطه جعل کند، یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند، یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می شود، همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می شود.»
- ۱- ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران در تأسیسات آب، برق، گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲ مقرر میدارند که «هرکس به منظور اخلاص در نظم و امنیت عمومی در تأسیسات فنی آب، برق، گاز و مخابرات دولتی و وسایل مربوط که به هزینه دولت و یا با سرمایه مشترک دولت و بخش خصوصی یا از طرف بخش خصوصی، به منظور استفاده عمومی ایجاد شده مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگری بشود... در صورتی که اقدامات مذکور منتهی به مرگ شخص یا اشخاص بشود مرتکب به اعدام محکوم می شود.»
- ۲- ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ در هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با نظام مذکور، و چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم خواهد شد...
- ۳- ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ (ماده ۷۳۵ قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲) هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به هر نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک موثر به عصیان،



فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته « باشند، محارب محسوب می شود و الا ...

از این رو هر فعلی که موجب بر هم زدن امنیت و آسایش عمومی شود و ایجاد هراس، رعب، وحشت و فساد در زمین نماید، مشمول حکم محاربه و مفسد فی الارض قرار خواهد گرفت، خواه به صورت مسلحانه انجام پذیرد و خواه به صورت غیر مسلحانه حکم مزبور شامل جرائم مواد مخدر می شود و از آنجا که جرائم مربوط به امنیت و سلامت عمومی جامعه و افراد آن لطمه وارد کرده و ایجاد فساد در روی زمین می نمایند و اساس حکومت اسلامی را به مخاطره می اندازد، در نتیجه مرتکبین و مجرمین آنها محاربه و مفسد فی الارض بوده و اعدام آنها جائز می باشد و فرقی نمی کند که جرائم مزبور به طور مسلحانه انجام پذیرد و یا خیر. (عابدی، ۱۳۸۷)

#### ۴-۳-۴- ادله ی مخالفین مجازات اعدام مرتکبین جرائم مواد مخدر از باب محاربه

در تحلیل و نقد نظر فوق می توان گفت که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، بنا به دلایل ذیل نمی تواند از باب محاربه و افساد فی الارض باشد.

۱- مستند به آیه ۳۳ سوره مائده «أما جزوا اللّٰذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع و ارجلهم من خلف او ینفوا من الارض» و ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ حد محاربه و افساد فی الارض یکی از این چهار چیز است: قتل، آویختن به دار، قطع دست راست و پای چپ، نفی بلد که در انتخاب هر یک از امور چهارگانه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد، گروهی قاضی را در انتخاب هر یک از این مجازات ها مختار می داند و گروهی نیز معتقدند که قاضی باید در انتخاب هر یک از مجازات های مذکور رعایت ترتیب را بکند، قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ و همچنین مصوب ۹۲ از نظریه اول تبعیت نموده و قاضی را در انتخاب مجازات محارب مختار دانسته است.

از آنجایی که از اصول مسلم حقوق کیفری اسلام و تمام نظام های کیفری، رعایت تناسب بین مجازات و جرم ارتكابی می باشد بنابراین در این مورد نیز قاضی باید متناسب با جرم، حکم به مجازات دهد، حال آنکه در مجازات محارب، محصور به مجازات اعدام شده است و مجازات های صلب، قطع و نفی بلد برای این جرائم مقرر نگشته است. در نتیجه در صدق عنوان محارب بر جرائم مواد مخدر تردید وجود دارد.

۲- به عنوان دومین دلیل می توان به این امر استناد کرد که علی رغم ادعای مزبور نص صریحی در قرآن، روایات و احادیث در خصوص این که بدست گرفتن و تجرید و تشهیر سلاح در تعریف محاربه جنبه های حصری ندارد و از باب تمثیل است نداریم بلکه غالب فقها بدست گرفتن و تجرید و تشهیر سلاح را شرط لازم برای تحقق جرم محاربه دانسته اند و حتی می توان گفت در این زمینه بین آنها اجماع نیز وجود

دارد. از جمله فقهایی که به دست گرفتن سلاح را شرط تحقق محاربه می دانند: (شیخ طوسی در خلاف، قاضی ابن براج در المهدب، محقق در مختصر النافع، علامه حلی در تحریر، شهید ثانی در مسالک الافهام)

۳- ارتداد، ادعای نبوت، جادوگری، آدم ربائی، نبش قبر و ... محاربه و افساد فی الارض نیستند، بلکه جرائمی خاص هستند که در مکتب فقها احصاء شده اند و فقها در کتب خود پس از مبحث حدود تحت عنوان در مبحث محاربه این جرائم را مطرح نکرده اند. با توجه به دقت و ظرافت اندیشه فقها در بیان مطالب و مباحث، این امر آن است که فقها نیز این جرائم را در پایان مبحث حدود در لواحق حدود مطرح کرده اند.

۴- همچنین جرائمی که در برخی قوانین کیفری مانند قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ آمده و بدون آن که مرتکبین آنها تجرید و تشهیر کرده باشند ولی مجازات محارب بر آنها بار شده است. ماهیتاً محاربه نیستند و عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه را ندارند و تنها مجازات جرم محاربه بر آنها بار شده است. تعدادی از این عناوین مذکور از حقوق اروپایی اخذ شده اند و هر کدامشان دارای تعریف خاص و ارکان مخصوص به خود هستند. (حبیب زاده، ۱۳۷۰)

و در خصوص سایر عناوین نیز در صدق عنوان محاربه بر آنها تردید وجود دارد، بنابراین عبارت در طرح محاربه بدست گرفتن و تجرید و تشهیر سلاح جنبه حصری دارد و مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نمی تواند از باب محاربه و افساد فی الارض باشد، مگر در مواردی که این جرائم به صورت مسلحانه انجام پذیرد. همانگونه که ماده ۱۱ در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در ماده ۹ خود صریحاً مقرر داشته است که «مرتکب در حکم مفسد فی الارض و به اعدام محکوم که بیانگر این است قانون گذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم دانسته و اعدام در جرایم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض به عنوان جرمی جدا و مجزا از محاربه می دانند. (حبیب زاده، ۱۳۷۰)

۶- این از باب «محاربه و افساد فی الارض» می باشد صحیح نمی باشد، زیرا محاربه از جمله جرایم حدی می باشد و همان طور که می دانیم حدود پاره ای از مجازات ها هستند که نوع، میزان و کم و کیف آنها در شرع تعیین شده است و مجازات های ثابتی می باشند که جنبه آمره داشته، حق اله محسوب شده، قابل تخفیف، عفو، شفاعت و گذشت نمی باشند. حال اینکه قانون گذار در قانون مذکور این اعمال عفو و تخفیف مجازات را در تمامی مراحل دادرسی ولو پس از صدور حکم محکومیت نیز ممکن دانسته است. ماده ۳۸ قانون مذکور مقرر داشته است که: «دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد؛ و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون ارسال خواهد شد» و تبصره این ماده بیان داشته است که «کلیه محکومین که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری

نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه ها گردد، دادگاه صادر کننده رأی می تواند ضمن تقاضای نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق صدور تا نصف تخفیف دهد.

با توجه به ماده فوق و تبصره آن ملاحظه می شود که قانون گذار در خصوص تمامی جرائم و مجرمین مواد مخدر امکان تخفیف مجازات و عفو را ممکن دانسته است، حال این که ادعا بر این است که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب محاربه می باشد (در محاربه امکان عفو و تخفیف مجازات وجود ندارد) خلاصه این که به دلیل وجود تردید و شبهه در مبانی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب محاربه و افساد فی الارض، موضوع مضمول قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» قرار میگیرد و اعدام در جرائم مواد مخدر نمی تواند از باب محاربه باشد، مگر در مواردی که این جرائم به صورت مسلحانه صورت گیرد. در سایر موارد قاچاق مواد مخدر به صورت غیر مسلحانه اعمال مجازات اعدام تحت عنوان محاربه صحیح و قابل توجیه به نظر نمی رسد سایر موارد قاچاق مواد مخدر به صورت غیر مسلحانه اعمال مجازات اعدام تحت عنوان محاربه صحیح و قابل توجیه به نظر نمی رسد.

به نظر می رسد در مورد آیه ۳۳ سوره مائده سه تفسیر وجود دارد؛ تفسیر اول این است که جرم اختصاص به محاربه دارد و در واقع شرایط تحقق محاربه را بیان می کند. تفسیر دوم این است که این جرم دو عنوان را مطرح کرده است. یکی از آن ها عنوان محاربه و دیگری عنوان افساد فی الارض است. موید این تفسیر دوم این است که در آیه قبل که می فرماید: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض» فقها و مفسرین حقوقی این عنوان فساد فی الارض را اینگونه تفسیر کرده اند که علاوه بر عنوان محاربه ما عنوان دیگری نیز تحت عنوان فساد فی الارض نیز داریم. تفسیر دیگری که از این آیه شده، این که برای تحقق مصداق خارجی این آیه، هم محاربه و هم افساد فی الارض لازم است. اتفاقاً تفسیر امام خمینی (ره) از این آیه در تحریر الوسيله نیز همین است. در واقع ایشان محاربه بر وجه افساد را مطرح می کنند. یعنی در واقع برای تحقق جرم محاربه علاوه بر این که به کاربردن سلاح لازم است، باید این عمل موجب فساد نیز بشود. از بعضی عبارت های صاحب جواهر نیز این گونه استنباط می شود که ایشان نیز تمایل به این نظر دارد.

آنچه که قانون گذار ما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب افساد فی الارض آورده است اساساً از بحث افساد فقهی خارج شده است. در واقع با تعبیری که در قانون مزبور آمده است همه عناوین جرایم موجود را ما می توانیم در صورتی که به تعبیر قانون وسیع باشند، مصداقی از افساد فی الارض تلقی کنیم و مجازات مربوط به افساد فی الارض را در مورد آنها اعمال کنیم و در واقع تفسیر موسعی است از عنوان افساد فی الارض؛ ایرادی هم که فقهای مخالف می گرفتند و می گفتند که ما نمی توانیم افساد فی الارض را جرم انگاری کنیم این بود که عنوان افساد فی الارض یک عنوان کلی است و جرم انگاری به یک عنوان

کلی تعلق نمی گیرد... پس بنابراین آن برداشتی که ما از بحث افساد داشتیم متفاوت است با آنچه که امروز قانون گذار در مورد افساد فی الارض دارد. با توجه به این که در هر حال ما افساد فی الارض را در بحث حدود مطرح می کنیم، در باب حدود باید قاعده جاری شود و شبهات اعم از حکمی و موضوعی نباید به سمت تحریم و جرم انگاری و به تعبیر امروزی علیه متهم تفسیر شوند به نظر میرسد ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که مقرر کرده بود: هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد قدر متیقن عنوان محاربه در فقه است.

پس همانطور که در متن اشاره شد بین فقها در مورد رابطه بین محاربه و افساد فی الارض اختلاف نظر وجود دارد و به طور کلی می توان گفت در این رابطه سه احتمال وجود دارد:

الف) محاربه و افساد فی الارض بیانگر یک جرم واحد هستند.

ب) احتمال دیگر این است که محاربه و افساد فی الارض دو عنوان مستقل می باشند.

ج) عده ای از فقها نیز معتقدند که بین محاربه و افساد فی الارض رابطه عموم و خصوص مطلق می باشد، بدین معنا که هر محاربه ای الزاماً افساد فی الارض می باشد؛ اما بر عناوین دیگر افساد فی الارض محاربه صدق نمی کند (هر افساد فی الارضی الزاماً محاربه نیست) (لنکرانی، ۱۳۷۴ق)

به نظر می رسد قول سوم مطابق واقع باشد، بدین معنا که هر شخصی که دست به اسلحه ببرد و قصد ایجاد رعب و وحشت و برهم زدن نظم عمومی باشد، قطعاً مفسد می باشد؛ اما در مواردی نیز عناصر مادی و معنوی جرم متفاوت از محاربه می باشد، مانند شخصی که به قصد نابودسازی نیروی جوان جامعه و به قصد ضربه زدن به حکومت، اقدام به پخش مواد مخدر و سی دی مبتذل در سطح وسیع و کلان می کند و یا اقدام به دایر نمودن اماکن فساد و فحشا، به منظور مقابله با اعتقادات مذهبی جامعه می نماید، مفسد فی الارض می باشند و مستحق مجازات های مذکور در آیه مذکور عقلائی نیست که گفته شود خطر شخصی که باچاقوکشی، امنیت اجتماعی جامعه را سلب می کند، بیشتر از شخصی باشد که با ترویج هدفدار فساد و فحشا در صدد سلب حیات فرهنگی و اعتقادی جامعه است. در اسلام دو نوع حق حیات وجود دارد، حق حیات مادی و حق حیات معنوی، این حقوق هر دو مهم و گرانبه هستند، هیچ کس مجاز نیست، حق حیات مادی یا معنوی دیگران را سلب کند، سلب حیات معنوی اشخاص به این می باشد که آنان را گمراه سازند، کسی که دیگران را به هر طریقی گمراه می سازد حیات معنوی آنان را از میان می برد. (عابدی، ۱۳۸۷)

#### ۴-۴ - بررسی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب تعزیرات

##### ۴-۴-۱- ادله طرفداران تعزیرات

طرفداران «تعزیری بودن مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر» برای اثبات ادعای خود به چند دلیل استناد می‌کنند:

۱- طرفداران این نظریه به عنوان نخستین دلیل، معتقدند که این اصل (تعزیرات باید دون الحد باشند) به این معنی نیست که تعزیرات باید کمتر و خفیف‌تر از حدود باشند، بلکه «دون» در لسان عرب و برخی آیات قرآن کریم به معنای «غیر» نیز استعمال شده است بنابراین «دون الحد» یعنی «غیر از حد» چنان که وقتی می‌گویند «یعزر دون الحد» مراد آن است که «یودب علی غیر مثل الحد» یعنی عقوبتی که مثل حد نباشد بنابراین با استناد به این دلیل، هر مجازاتی (ولو اعدام) را اعمال نمود، و از آنجا که جرائم مواد مخدر، جرائمی تعزیری می‌باشند، اگر ضرورت و مصلحت ایجاب کند در مورد مرتکبین آنها می‌توان به مجازات اعدام نیز متوسل شد.

۲- با بررسی کتب فقهی می‌توان مواردی را یافت که در مجازات جرم تعزیری، قتل پیش بینی شده، گرچه خود فقها هنگامی که پیرامون تعزیر به صورت مستقل صحبت کرده اند آن را دون الحد گرفته اند. به نمونه ای چند از این موارد اشاره می‌شود:

الف) سلار، و دیگران معتقدند «خون منبئی - کسی که ادعای نبوت می‌کند - حلال است» با توجه به اینکه ادعای نبوت از جرایم حدی نیست، پس جرم تعزیری بوده و اثبات مجازات قتل در این جا حاکی از جواز مجازات قتل در جرایم تعزیری است.

ب) فقهای اسلامی معتقدند مسلمان جادوگر محکوم به قتل می‌شود و حال آنکه سحر از جرایم حدی نیست.

ج) مرحوم شهید اول پس از اینکه در «متن لمعه» انواع جرایم حدی را شمرده و هر کدام را در فصل مستقلی بحث کرده است، در فصل هفتم تحت عنوان «عقوبات متفرقه» مجازات های جرایمی را مطرح کرد که از جمله آنها ارتداد است که قائل به مجازات اعدام شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰)

ایشان با عنوان کردن ارتداد در بحث عقوبات متفرقه، ارتداد را از جرایم حدی ندانسته و در عین حال مجازات قتل را برای آن در نظر گرفته است؛ یعنی ارتداد از جرایم تعزیری است که مجازات آن اعدام است.

بنابراین این بیانگر این است که در تعزیرات نیز می‌توان مجازات اعدام را اعمال نمود، در نتیجه در مورد مرتکبین جرائم مواد مخدر نیز به دلیل این که این جرائم، جرائمی تعزیری هستند می‌توان متوسل به مجازات اعدام شد. (معرفت، ۱۳۶۵)

۳- دلیل دیگر رعایت مصلحت فرد و جامعه می باشد، بدین معنی که در مواردی چند با زدن چند ضربه شلاق و یا جزای نقدی و یا حبس، نمیتوان فردی را که مرتکب جرائم مواد مخدر می شود تنبیه و منافع و مصالح فردی و اجتماعی را رعایت نمود. بنابراین برای این که منافع جامعه تامین شود و جامعه از شر وجود چنین مجرمی پاک شود، اجرای مجازات اعدام لازم و ضروری است. بعلاوه چنین امری موجب پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب جرم نیز خواهد شد.

۴- دلیل دیگری که طرفداران به آن استناد می کنند این است که این نظر از طرف اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۲۳۹۸ مورخه ۱۳۷۰/۵/۱۲ ابراز شده است. مطابق این نظر مجازات های مصوب مجمع تشخیص مصلحت تعزیری است و استفاده از مقررات ( ماده ۳۵ راجع به مجازات اسلامی ۷۰ و همچنین ماده ۳۷ ق.م.ا. جدید) در آنها بلا اشکال است بنابراین به استناد این ماده قاضی دادگاه می تواند متهم را به مجازات کمتر از حداقل مقرر در قانون محکوم نماید مگر آنکه صریحاً منع شده باشد. که در حال حاضر حکم تخفیف در مورد مجازات اعدام در ماده ۳۸ مصوبه مبارزه با مواد مخدر بیان شده است. (باصری، ۱۳۸۶)

#### ۴-۲-۴- ادله مخالفین تعزیرات

در تحلیل و نقد نظر فوق می توان گفت که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر به دلایل ذیل نمی تواند مجازات تعزیری باشد:

۱- غالب فقهای امامیه بر این امر اجماع دارند که تعزیرات باید «دون الحد» و کمتر از حد باشد. چون مجازات حدی در برخی موارد قتل، مجرم تعیین شده لذا تعزیر باید کمتر از آن در نظر گرفته بشود از جمله شیخ صدوق، (قمی، ۱۴۱۳ق) ابن ادریس، (حلی، ۱۴۱۰ق) و... این امر را تصریح نموده اند. (صافی، ۱۳۶۳)

حضرت امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله در این باره میگوید: تعزیر از حد پایین تر است و اندازه آن با نظر حاکم است. و در مواردی که اندازه آن معین نشده است و دلیلی بر آن در دست نیست، احوط در آن است که از کمترین اندازه حدود تجاوز نکند. (خمینی، ۱۳۶۸)

بنابراین به دلیل آنکه اجماع یکی از منابع مسلم فقهی- حقوقی اسلام پس از کتاب و سنت می باشد و جماعت فقها را نیز عقیده بر این است که تعزیرات باید خفیف تر و پایین تر از حدود باشند، در نتیجه نظر فوق نمی تواند صحیح بوده و مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نیز نمی تواند مجازاتی تعزیراتی باشد، زیرا دون و کمتر از حد محسوب نمی شود.

۲- دلیل دیگر برای اثبات صحت این ادعا، در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ می باشد. با ملاحظه قانون مذکور در می یابیم که قانون گذار در این قانون، حداکثر مجازات شلاق را ۷۴ ضربه

مقرر کرده و در ماده ۶ و ۹ صریحاً بیان داشته است که در مجازات شلاق برای بار دوم به بعد حداکثر ۷۴ ضربه می باشد که این امر بیانگر این است که قانونگذار به نظر و اجماع فقها در ارتباط با نوع و میزان مجازات های تعزیری توجه داشته است و بر خلاف آن عمل نکرده است. چنین امری را در قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ و سایر قوانین نیز می بینیم و باتوجه به اینکه حداقل تازیانه در حدود ۷۵ ضربه قرار داده است بنابراین مجازات اعدام به دلیل آنکه کمتر و «دون الحد» نمی باشد، نمی تواند یک مجازات تعزیری محسوب شود و این امکان وجود ندارد که در مورد مجازات اعدام، قانون گذار از قاعده تخطی و آن را یک مجازات تعزیری بداند .

۳- دلیل دیگری که در این زمینه می توان ارائه داد، ماده ۹ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ است که صریحاً مقرر داشته است: « مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم می شود» بیانگر این است که قانون گذار مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض می داند نه تعزیرات

۴- با مراجعه به ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و ملاحظه ظاهر این ماده درمی یابیم که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نمی تواند مجازاتی تعزیری باشد. ماده مذکور مقرر میدارد «دادگاه میتواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات ها تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد ... در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد. ظاهر این ماده بیانگر این است که قانون گذار مجازات اعدام را سوای از مجازات های تعزیری دانسته است، زیرا در بیان نحوه و شرایط عفو و تخفیف مجازات، بین مجازات های تعزیری و مجازات اعدام تفاوت و تمایز قائل شده است، در نتیجه اعدام نمی تواند مجازات تعزیری محسوب شود. بنابراین باتوجه به مواردی که بیان شد مبنای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نمی تواند از باب باشد «تعزیرات» و به دلیل تردید شبهه در این مورد، موضوع مشمول قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» قرار می گیرد. (عابدی، ۱۳۸۷)

#### ۴-۵- مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر از باب امر به معروف و نهی از منکر

##### ۴-۵-۱- تبیین معنای لغوی و اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر

##### الف) معنای لغوی امر

امر در لغت دو معنی دارد؛ یکی کار که جمع آن امور است (قریشی، ۱۳۶۴)

و دیگری دستور و طلب که جمع آن اوامر است. (رافعی قزوینی، ۱۴۱۴ق)

**ب) معنای لغوی نهی**

نقیض امر، نهی به معنای زجر و منع است. (قریشی، ۱۳۶۴)

**ج) معنای لغوی معروف**

معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده می باشد. (بستانی، ۱۳۷۵)

**د) معنای لغوی منکر**

منکر از ماده «نکر» به معنی ناشناخته است. (بستانی، ۱۳۷۵)

**ه) معنای اصطلاحی امر به معروف و نهی از منکر**

امر در اصطلاح، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده و منکر، ضد معروف و هر کاری است که عقل‌ها و خرده‌های سلیم، زشتی آن را حکم می‌کند یا این‌که عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند، سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

پس امر به معروف یعنی فرمان دادن به نیکی و نهی از منکر، باز داشتن از بدی و ناپسندی است.

(مطهری، ۱۳۶۹)

**ز) شناخت معروف و منکر**

بهترین راه شناخت معروف و منکر، مراجعه به شرع مقدس و عقل سلیم است. بر این اساس هر چیزی را که شارع مقدس به آن امر کرد و مردم را به انجام آن تشویق نمود، آن چیز «معروف» و هرگاه شارع مقدس، از چیزی نهی کرد و مردم را از انجام آن سرزنش نمود، آن چیز منکر است و هم‌چنین می‌توان برای شناخت معروف و منکر از عقل سلیم بهره برد.

از انواع معروف می‌توان به امور واجب و مستحب از قبیل ایمان، احیای مراکز دینی و مساجد، یتیم‌نوازی و ... (مطهری، ۱۳۸۷)

و از انواع منکر به امور حرام و مکروه از قبیل غیبت، دروغ و ...

**۴-۵-۲- ادله مخالفین مجازات اعدام از باب امر به معروف و نهی از منکر**

نهی از منکر به دو صورت قابل طرح است: بازداشتن از منکری که در شرف وقوع است و بازداشتن فرد از ادامه دادن منکر. فرض اول به اقدام های تأمینی و تربیتی شباهت دارد و فرض دوم به تعزیر مرتکب. در نتیجه می‌توان از اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مبنایی برای مجازات تعزیری و دامنه‌ی آن بهره‌گرفت و این سوال را مطرح کرد که آیا می‌توان برای بازداشتن از منکر در جامعه به قتل یا جرح نیز متوسل شد؟ با این تفاوت که برخی اذن امام را، پاسخ بسیاری از فقها به سوال



یادشده مثبت است شرط دانسته و تعدادی به کشتن بدون اذن امام نظر داده اند که چند نمونه را در ادامه نقل می کنیم:

الف- شرط بودن اذن امام: غالب فقها چنین شرطی را لازم می دانند برای نمونه:

۱- صاحب مختصر النافع بعد از بیان شرایط امر به معروف و نهی از منکر راجع به مراتب آن می نویسد:

انکار با قلب، زبان و سپس دست (اعمال قدرت) انجام می شود و به مرتبه ی بالاتر انتقال نمی یابد مگر آن که مرتبه ی پایین تر اثر نکند. اگر اظهار ناخوشایندی موجب زوال منکر شود، کافی است هر چند به نوعی از اعراض بیانجامد و اگر بی ثمر بود، نوبت به ابراز زبانی می رسد و اگر ممکن نشد جز با اقدام عملی مانند زدن، جایز است و اگر به ایراد جراحت بدنی یا قتل نیاز بود، جایز نیست مگر با اذن امام. (خمینی، ۱۳۶۸)

۲- در تحریر الوسيله آمده است: اگر بازداشتن از منکر به جرح یا قتل منجر شود بنا بر نظر قوی تر جایز نیست مگر با اذن امام و امروزه فقیه جامع شرایط با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر، جانشین وی خواهد بود (خمینی، ۱۳۶۸)

۳- نیز برخی آورده اند امر به معروف و نهی از منکر هرگاه به جرح یا قتل نیاز پیدا کنند، به اذن امام نیاز دارد. بنابر آن چه از شیخ طوسی، فخر الاسلام، شهید، مقداد و کرکی نجفی نقل شده، امر به معروف و نهی از منکر با جرح و قتل جایز نیست مگر با اذن امام. (خمینی، ۱۳۶۸)

#### ۴-۵-۳- ادله موافقین مجازات اعدام از باب امر به معروف و نهی از منکر

نظر دیگر جواز قتل است حتی بدون اذن امام؛ برای نمونه شیخ طوسی در کتاب اقتصاد خود می نویسد: هدف از بازداشتن از منکر آن است که رخ ندهد پس اگر سخن گفتن و موعظه اثرگذار بود، به همان اکتفا می شود و اگر اثرگذار نبود جایز است در سخن گفتن درشتی به خرج داد که اگر اثرگذار بود، کافی است و اگر اثرگذار نبود واجب است از منکر منع شده و دفع شود هر چند موجب رنج مرتکب و اضرار به وی و اتلاف نفس او شود به شرط آن که قصد از بین رفتن منکر و انجام ندادن از طرف مرتکب باشد و ضرر زدن به وی مقصود نباشد. نظیر جایی که دفع ضرر از خود نیکوست هر چند موجب اضرار دیگری شود (طوسی، ۱۳۸۷ق)

و در ادامه می افزاید: با وجود این از کلمات بزرگان امامیه چنین بر می آید که نهی از منکر بدین صورت فقط از ائمه یا کسی که امام (ع) اذن دهد ساخته است اما سید مرتضی با آن مخالف بود و انجام این مرحله از نهی از منکر را بدون اذن امام جایز می دانست صاحب «سرائر» پس از نقل سخن فوق از شیخ طوسی می نویسد: آن چه سید رضی مطرح کرده (عدم لزوم اذن امام)، قوی تر است و خود به

آن فتوا داده و استاد ما شیخ طوسی در کتاب تبیان به نظر سید مرتضی برگشته و آن را تقویت کرده و اقوال دیگر را تضعیف نموده است (حلی، ۱۴۱۰ ق)

نیز در جایی که منکر خود از قبیل قتل نفس باشد، دفع منکر با قتل را جایز دانسته اند که به نظر می رسد مسأله داخل در دفاع مشروع و خارج از بحث ماست.

به نظر می رسد تجویز قتل به استناد نهی از منکر به دلایل زیر پذیرفتنی نیست:

۱- اصل مسأله امر به معروف و نهی از منکر که در کلام فقها و تعابیر روایی به کار رفته، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر بودن، دلالتی بر جواز قتل ندارد چنان که برخی با اشاره به همین نکته به صراحت آورده اند: زیرا جرح و قتل از مصادیق امر و نهی نیست و این که امر به معروف و نهی از منکر بر بیش از اصل امر و نهی دلالت کرده و شامل جرح و قتل شوند معلوم نیست.

به بیان دیگر، مراد از نهی از منکر، هدایت و اصلاح مرتکب جرم است و با کشتن وی، موضوع نهی از منکر منتفی می شود؛ از این رو، می توان گفت ماهیت امر به معروف و نهی از منکر اقتضا دارد که به کمتر از قتل اکتفا شود و نیز می توان گفت استفاده ی جواز از عنوان امر به معروف و نهی از منکر به دلیل منجرشدن به تمسک به عام در شبهه مصداقیه که قبل اشاره شد، ممکن نیست و آن چه به عنوان تکلیف از مردم خواسته شده امر و نهی است اما این که با قتل و جرح هم می توان به امر و نهی متوسل شد یا نه، از عنوان امر و نهی چنین چیزی بر نمی آید، بلکه به شرحی که گذشت این عنوان بر عدم جواز دلالت دارد. (حلی، ۱۴۰۸ ق)

۲- در صورت تردید در جواز قتل و جرح در مقام نهی از منکر، اصل بر عدم جواز است چنان که برخی نوشته اند: اصل بر عدم وجوب نهی از منکر با ارتکاب جرح و قتل است زیرا آزار رساندن به دیگران از نظر عقل و شرع قبیح است و تا دلیل شرعی در میان نباشد نمی توان به آن اقدام کرد. بر همین اساس اگر کتک زدن هم مورد اجماع فقها نبود، نظر دادن به جواز ضرب به استناد امر و نهی کردن مشکل بود.

۳- از برخی روایت ها عدم جواز قتل قابل استفاده است، مانند روایت های متعددی که در مورد تفسیر و نحوه عمل به آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أهیکم نارا» (تحریم، آیه ۶) وارد شده است و درخواست اطاعت از فرامین الهی و دوری از موارد نهیها کافی می داند در یک نمونه شخصی با گریه از پیامبر اکرم (ص) می پرسد: «من خود را به سختی انداخته و تلاش بسیار کرده ام و در انجام این خواسته ناتوانم؟» که حضرت می فرمایند: «همین که آنان را به چیزی امر کنی که خودت را امر می کنی یا از کاری باز داری که خودت را از آن باز می داری، کافی است.»

۴- یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر حتی نسبت به حکومت، مسأله ی تأثیرگذاری است و اگر توسعه و ترویج این قبیل مجازات ها حتی در قالب قانونی موجب فرار افراد از جامعه شود و

نه اصلاح آن ها، به حکم اولی از مصادیق مجاز امر به معروف و نهی از منکر خارج خواهد بود. به بیان دیگر، شرط تاثیرگذاری نشان می دهد که هدف از امر به معروف و نهی از منکر اصلاح است و مادامی که بدانیم این هدف برآورده نمی شود، دلیلی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود.

#### ۴-۶- تجویز مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر در صورت تکرار جرم از باب تعزیر

قاعده ی فقهی «اصحاب الكبائر یقتل فی الثالث او الرابع» بنا بر اختلاف مبانی حکایت از آن دارد که مرتکب جرم تعزیری در صورت تکرار کشته می شود و به حسب همین قاعده در موارد متعدد فقها به قتل تعزیری فتوا داده اند که از آن جمله است:

۱- خوردن روزه علنی در ماه مبارک رمضان که تکرار آن برای بار سوم از اسباب موجب قتل به شمار آمده است. (حلی، ۱۴۰۸ق)

۲- در عبارات فقهی از کشتن کسی که نماز خود را بدون عذر ترک کند سخن به میان آمده و از جمله نوشته اند: کسی که بدون عذر نماز را ترک کند و در مرتبه ی اول و دوم تعزیر و در مرتبه ی سوم کشته می شود به دلیل سخن ائمه ع که فرمودند: مرتکبان گناه کبیره در مرتبه ی سوم کشته می شوند. (حلی، ۱۴۱۳)

همین سخن در مورد کسی که با آگاهی از حکم ربا به ربا خواری اقدام کند در کلمات فقها تکرار شده و روایتی نیز بر این حکم دلالت دارد:

ابوبصیر می گوید به امام صادق ع عرض کردم بعد از اقامه بینه بر خوردن ربا، حکم آن چیست؟ فرمودند تأدیب می شود و اگر تکرار کرد، باز هم تأدیب می شود و اگر بار دیگر مرتکب شد به قتل می رسد .

به واقع این قبیل احکام فقهی علاوه بر مستندهای موردی، چنان که ابن ادریس و دیگر فقها یادآور شده اند مستند به قاعده ی فقهی «اصحاب الكبائر یقتل فی الثالثه» است.

پذیرش این نظر موجب می شود به جواز تعزیر اعدامی دست کم در موارد تکرار جرم ملتزم شویم. چنان که برخی به صراحت به اعدام تعزیری در صورت تکرار جرم تعزیری ملتزم شده وبا اشاره به مضمون روایتی آورده اند: «روی آنه متی عزّر المرء رابعه استتیب فان أصرّ و عاد إلی ما یوجب التعزیر ضربت عنقه » روایت شده هرگاه کسی چهار بار تعزیر شد، از او خواسته می شود که توبه کند و اگر بر گناه اصرار کرد و مجدد عملی را که موجب تعزیر است انجام داد، گردنش زده می شود به نظر می رسد این استدلال با اشکال های زیر مواجه است:

۱- روایت های مورد استناد به تعبیر برخی مقطوعه و غیر صحیحه‌اند و اگر هم در میان اخبار، مستند علی بن ابراهیم را به تعبیر برخی موثق بدانیم در نهایت خبر واحد است و به شرحی که گذشت، به استناد اخبار واحد نمی‌توان به احکام کیفری در حد اعدام ملتزم شد.

۲- قاعده ی یادشده مبنی بر کشته شدن گناه کاران در مرتبه ی سوم یا چهارم به حسب اختلاف اقوال، به دلایل زیر قابل خدشه است: ( کلینی، ۱۴۲۹ق)

اول این که، قاعده ی احتیاط در دماء و نفوس به حدی اهمیت دارد که به سادگی نتوان از آن صرف نظر کرد و دست کم در خروج از این قاعده به استناد روایت های یادشده تردید داریم که در این صورت هم اصل عملی بر عدم جواز قتل خواهد بود. دوم این که تعبیر ناظر به حدود است به دلیل:

الف- در برخی روایت ها به صراحت آمده است که وقتی حد دو بار اجرا شد در مرتبه ی سوم مرتکب آن کشته می أصحاب الكبائر کُلِّهَا إِذَا أَقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحُدُوتُ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ « شود؛ مانند. تصریح به حد، مانع تسری آن به جرم های غیر حدی است و حتی موارد مطلق را هم باید به کبائر مستوجب حد مقید کرد. ( کلینی، ۱۴۲۹ق)

با این بیان، روایت هایی هم که به قتل خورنده ی روزه و رباخوار در مرتبه ی سوم دلالت دارند به شرحی که گذشت به دلیل ضعیف و غیر قابل استناد بودن نمی‌توانند موجب توسعه در مفهوم مرتکبان کبیره شوند.

ب - برخی روایت ها با وجود تکرار تعزیر، از کشتن مرتکب منع کرده « اند؛ مانند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ أَكَلُ الْأَمِيَّةِ وَالدِّمِّ وَلَحْمِ الْخَنْزِيرِ عَلَيْهِمْ أَدَبٌ فَإِنْ عَادَ أَدَبٌ قُلْتُ فَإِنْ عَادَ يُوَدَّبُ قَالَ يُوَدَّبُ وَيُؤَدَّبُ وَإِلَيْهِ حُدُودٌ، این قبیل روایت ها مانع از آن است که بگوییم مرتکب هر کبیره ای در صورت تکرار کشته می شود.

ج- به نظر می رسد این قاعده اصطیادی از روایت هاست و خود به صراحت در روایت ها نیامده چنان که کلینی عنوان «باب فی أنَّ صاحبَ الكبیره یقتل فی الثلثة» را برای روایت هایی انتخاب می کند که در آن ها به صراحت بر حدی بودن فعل ارتكابی تصریح شده است و هیچ یک بر قابل تعزیر بودن مطلق مرتکب کبیره دلالتی ندارند. عده ای نیز با استناد به روایت های کشتن روزه خوار و رباخوار در مرتبه ی سوم خواسته اند قاعده را شامل غیر حدود هم بدانند. (کلینی، ۱۴۲۹ق)

د- توسعه در مفهوم کبیره و سرایت دادن آن به همه گناهان موجب می شود که اقامه ی شاهد بر دعاوی غیر ممکن شود چون اگر هر گناهی را مستوجب تعزیر بدانیم، عدالت شاهدان که مستحق تعزیرند زیر سوال می‌رود. بنابراین توسعه مفهوم به «اصحاب الكبائر» به جرم های غیر حدی دلیل کافی نداشته بلکه محذوراتی دارد. ( کلینی، ۱۴۲۹ق)

#### ۴-۷- تجویز مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر با حکم حکومتی

تأسیس حکومت اسلامی و حفظ و نگه داری آن واجب است آن چنانکه رهبر فقید انقلاب بارها تأکید می کردند که مصلحت نظام اسلامی از اوجب واجبات است. (اخمینی، ۱۳۶۸) حال آنکه مصلحت نظام اسلامی واجب است هر آنچه مقدمه این واجب است نیز به حکم عقل و با استفاده از اصل مهم و جوب مقدمه واجب، (آخوند خراسانی، ۱۳۷۰) واجب خواهد بود که از جمله این مقدمات جلوگیری از اختلال، بی نظمی و هرج و مرج در سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اسلامی و جامعه آن است و از آن جا که جلوگیری از این مفسد لازم و واجب است، باید برای آن اقدامات لازم صورت گیرد و قوانین شایسته وضع شود و این قوانین باید ضمانت اجرایی قوی داشته باشند آن چنانکه لوث و مخدوش نگردند. حال اگر با وضع مجازاتهای تعزیری که در کتب فقهی مطرح شده که باید از جنس تازیانه و آن هم کمتر از حد باشد، به گونه ای که قاعده و اصلی در این مورد بیان شده است، نتوان جلوی این اختلالات، بی نظمی ها و هرج و مرجها را گرفت آیا باید ساکت نشست و دست روی دست گذارد یا با توجه به وجوب حفظ نظام باید مجازاتهایی سنگینتر را وضع نمود؟ اینجا است که فلسفه وجودی حکومت اسلامی و ضرورت حفظ آن اقتضا می کند که با وضع مجازاتهای مناسب با توجه به اوضاع و احوال و شرایط و مصالح جامعه و شدت تهدید که جرم مربوطه نسبت به جامعه دارد، مجازاتهای مناسبی وضع و اعمال گردد و این همان چیزی است که به نام «تعزیرات حکومتی» مطرح می باشد. در تبیین حکم حکومتی، یکی از صاحب نظران معتقد است: «حکم حکومتی حکمی است که ولی جامعه بر مبنای ضوابط پیش بینی شده طبق مصالح عمومی» برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمانهای دولتی و غیردولتی با مردم، سازمانها با یکدیگر، افراد با یکدیگر در مورد مسائل فرهنگی، تعلیماتی، نظامی، جنگ و صلح، بهداشت، عمران و آبادی، طرق و شوارع، اوزان و مقادیر، ضرب سگه، تجارت داخلی و خارجی، امور ارزی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظافت و زیبایی شهرها و سرزمینها و سایر مسائل مقرر داشته است. احکام حکومتی بر مبنای مصالح اجتماعی تنظیم یافته است. بنابراین، چنانچه با احکام فردی مزاحمتی نداشته باشد، هیچ گونه محذوری پدید نمی آید، اما در صورت تراحم با احکام فردی نظر به اینکه این احکام معمولاً بر مبنای مصلحت اهم برقرار شده؛ مثلاً برای حفظ اصل اسلام، بقای کشور اسلامی، قطع سلطه اجانب، امکان برقراری حکومت اسلامی، پیروزی اسلام بر کفر، انتظام امور جامعه اسلامی، پذیرش اسلام از ناحیه دیگر جوامع، بهداشت جامعه، بالا رفتن فرهنگ عمومی مسلمین و مصالح عمومی بسیار دیگر بدون شک بر احکام فردی تقدم داشته و چه بسا به طور موقت یا غیرموقت موجب موقوف الاجرا شدن آن می گردد گرچه بعضی از فقها احکام حکومتی را تاجایی قبول دارند که در محدوده احکام شرعی باشد که به وسیله وحی یا سنت به ما رسیده و علت آن را عدم وسعت اختیارات فقیه می دانند ولی بدیهی است که پذیرش این قول با حفظ حکومت اسلامی سازگاری ندارد؛

برای نمونه در همان مثالی که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح شد، اگر در صورت کمبود مواد غذایی یا دارو و یا بحرانهای ارزی کسی یا کسانی با هدف سودجویی، مرتکب احتکار مواد غذایی و دارو گردند و یا به قاچاق ارز روی آورند و در نتیجه بحران ناشی از این جرایم به جایی برسد که مردم به مشکلات جدی بیفتند، اجرای تعزیرات به صورتی که در محدوده احکام شرعی باشد؛ یعنی ضرب، آن هم دون حد، نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه خود مشوقی برای ارتکاب چنین جرمهایی می شود؛ زیرا مجازات اعمال شده با جرم ارتكابی تناسب ندارد و فرد سودجو حاضر می شود در مقابل کسب سودهای کلان مجازات اندک را تحمّل نماید و به سبب سودجویی افرادی این چنین و عدم کارآیی قوانین تعزیری خاص - دون حد - وضع جامعه آشفته شده و موجبات نابودی و اضمحلال حکومت اسلامی فراهم می گردد. با توجه به موارد فوق، حکومت اسلامی می تواند در صورت مصلحت و برای حفظ نظام اسلامی، حتی مجازات تعزیری مستوجب اعدام را نیز به عنوان حکم حکومتی وضع نماید، خصوصاً با توجه به اینکه بسیاری از احکام اسلام می توانند با تغییر شرایط و مقتضیات زمان و مکان تغییر کنند، البته این تغییر شامل احکام ثابت اسلام که در کتاب خدا و سنت معصومین منصوص هستند نمی باشد، ولی شامل بقیه احکام می تواند باشد، مشروط به اینکه عقل بتواند به طور قطعی مناط حکم و وجود مصلحت و مفسده را به دست آورد

#### ۴-۸- آرای فقهای اهل سنت پیرامون مجازات اعدام در قبال جرایم مواد مخدر

این سؤال مطرح می شود که آیا قتل می تواند به عنوان مجازات تعزیری مطرح شود؟ در این زمینه، در فقه اهل سنت دو نظریه وجود دارد: نظریه جمهور علما این است که قتل تعزیری جایز است؛ مانند قتل جاسوس مسلمان. در صورت وجود مصلحت، جاسوس مسلمان در هر حال کشته می شود و حکم او همان حکم جاسوس حربی یا مشرک است تا این که مرتکب و دیگران را از جاسوسی علیه مسلمانان بازدارد. در مجازات مزبور، جنبه بازدارندگی و تکرار جرم، مورد نظر است. این طریقه مالک و برخی از پیروان او است. قاضی عیاض و ابن عقیل از حنبلی ها نیز گفته اند جاسوس مسلمان کشته می شود و برخی از شافعی ها نیز معتقد به قتل جاسوس مسلمان هستند. در همین باره می خوانیم: «فالامام مالک یری تعزیر الجاسوس المسلم بالقتل و وافقه بعض اصحاب احمد بن حنبل و قد ذکر بعض اصحاب الشافعی ذلک ایضاً. ابوحنیفه گرچه از تعزیر به قتل دوری می جوید، ولی در عین حال معتقد است در بعضی صور می توان جاسوس مسلمان را کشت؛ مانند قتل به مثقل و قصاص: «الامام ابوحنیفه فهو ابعد الاثمه عن التعزیر بالقتل و مع ذلک فیجوز التعزیر به للمصلحه کقتل القاتل بالمثقل.» از علمای معاصر اهل سنت، سید طنطاوی، رئیس جامعه الازهر می نویسد: «الجاسوس الذی تثبت ضده التهمه التجسس و التخابر، یتحق القتل»؛ جاسوسی که جرم آن به اثبات رسیده باشد، قتلش جایز است. وهبه الزحیلی در کتاب «العقوبات الشرعیة»

مواردی از قتل تعزیری را مطرح کرده، می‌نویسد: «تعزیر به وسیله قتل در نزد حنفیه و مالکیه در صورتی جایز است که حاکم مصلحتی را در آن بیابد؛ و جنس جرم هم موجب قتل باشد؛ مثل اعتیاد در ارتکاب جرم، لواط و قتل به وسیله مثقل در نزد حنفیه که آن را قتل از باب اعمال سیاست می‌دانند. حنفیه فتوا بر قتل کسی که پیامبر را چندین بار سب نماید، داده‌اند... و مالکیه و حنابله بر خلاف شافعیه و حنفیه، قتل جاسوس مسلمان را در صورتی که برای دشمن و ضرر مسلمانان جاسوسی کند، لازم می‌دانند؛ و کسی که فسادش در زمین دفع نمی‌شود مگر به سبب قتل، کشته می‌شود؛ مثل کسی که در جامعه اسلامی ایجاد تفرقه می‌کند یا دعوت به بدعت در دین می‌نماید و الخلاصه: أنه يجوز القتل السياسي لمعتادی الاجرام و مدمنی الخمر و دعاة الفساد و مجرمی امن الدولة، و نحوهم کسانی که مرتکب تکرار و تعدد جرم می‌شوند یا معتاد به شرب خمر و مسکرات هستند یا فساد را در جامعه ترویج می‌کنند یا مرتکب جرایم بر ضد امنیت دولت می‌شوند، فرق نمی‌کند جرایم بر ضد امنیت داخلی باشد یا خارج قتل آنان جایز است. (الزحیلی، ۱۹۹۳م)

امام محمد ابوزهره نیز معتقد است که اکثر فقها، قتل تعزیری را در صورتی که شخص مرتباً مرتکب جرم شده و فساد ناشی از جرایمش جامعه را تهدید می‌کند، جایز می‌دانند؛ و قتل جانین را به دست امام، قتل تعزیری و پیشگیری‌کننده از فساد می‌دانند. ولی دکتر عبدالرحیم صدقی مسأله را به صورت مبنایی مطرح کرده، می‌گوید قائلان به عدم جواز قتل، سلب حق حیات را منحصرأ حق خداوند سبحان دانسته و دیگران را برای سلب حق حیات صالح نمی‌دانند؛ ولی قائلان به جواز قتل تعزیری، مصلحت را مبنای حکم خود قرار می‌دهند. وی با تأیید موضع موافقان اعدام تعزیری، آن را منحصر به موارد خاصی دانسته که موجب سست شدن پایه‌های حکومت می‌شود، مثل جاسوسی، خیانت به کشور و...؛ سرانجام برای مجازات اعدام تعزیری، عدم وجود وسیله‌ای دیگر جز قتل را برای رفع فساد شرط می‌کند. به همین صورت، ابن قیم جوزی، پس از این که اقوال فقها را در چهار قول دسته بندی کرده، معتقد است که اگر قتل تعزیری از باب مصلحت جامعه اسلامی باشد، جایز است. چنان که مشهور فقهای اهل سنت، مثل مالک و احمد و ابن عقیل و شافعی و غیره آن را پذیرفته‌اند و مثال‌هایی را مطرح کرده‌اند که هر یک از فقهای داعی به بدعت، رفض، انکار قدر و کسی که فسادش از بین نمی‌رود، مگر به سبب قتل، نام برد که در این موارد مجازات قتل تعزیری اعمال می‌گردد.

با دقت در این اقوال، این مطلب به دست می‌آید که فقهای اهل سنت نیز قتل تعزیری را از باب مصلحت یا نهی از منکر و یا دفع فساد در زمین و مانند این‌ها جایز می‌شمارند؛ چنان که در عبارتی به مصلحت یا اصلاح شخص اشاره شده است؛ ماوردی در کتاب «الاحکام السلطانیة» می‌گوید اجرای سلب تعزیری در صورت وجود مصلحت، جایز است؛ بنابراین از باب مصلحت، اعدام تعزیری را قابل اعمال می‌داند. (ماوردی، ۱۹۹۹م)

متصدی اقامه تعزیر، ولیّ امر یا نایب وی می‌باشد. تعزیر می‌تواند ضرب یا حبس یا توبیخ و مانند آن بنا به صلاحدید حاکم و برای جلوگیری شخص از تکرار و تعدد جرایم باشد. البته بایستی حالات افراد و اصل فردی‌سازی مجازات، مورد عنایت و توجه ولیّ امر باشد. در تعزیر باید اصل تناسب جرم و مجازات رعایت شود و این رعایت تناسب، منوط به نظر امام است که می‌تواند با گفتار غلیظ و شدید باشد، یا حبس و یا حتی قتل. در جرایم خلاف عفت، در فقه مالکی تعزیر می‌تواند با عزل از ولایت صورت گیرد. یکی از نویسندگان معاصر اهل سنت می‌نویسد: تعیین نوع و میزان مجازات در جرایم مستوجب تعزیر، منوط به نظر ولیّ امر مسلمین است که متصدی اقامه و اجرای حدود الاهی و تطبیق شریعت و اجرای احکام خداوند مطابق منهج قرآن و سنت می‌باشد. اولیاء امور در خلافت اسلامی، بعضی مجازات‌های تعزیری را بیان می‌کنند. ائمه، فقها و علماء، قضات متکفل بحث در منابع و مصادر تشریح اسلامی هستند. در آنان پرتو مقاصد عمومی شریعت و اهداف، فلسفه مجازات‌ها، عهده‌دار ذکر مجازات‌های تعزیری در کتاب‌ها و تألیفات خود هستند تا قضات هنگام لزوم، به آن مراجعه کنند.

خلاصه دیدگاه فقهای اهل سنت درباره قتل تعزیری، به این شرح بیان می‌شود که قتل تعزیری مشروع است؛ نزد حنفیه حوزه قتل تعزیری، جرایمی است که مرتکب به صورت مکرر آن‌ها را انجام دهد و دفع خطر جانی و جلوگیری از آسیب وی، برای جامعه ممکن نباشد مگر با قتل؛ و همچنین در جرایمی که موجب فساد جامعه می‌شود، در صورت تکرار؛ و مجازات تعزیری مفید نباشد مگر با اعدام کسانی که متکرر در فساد باشند. این دیدگاه حنفیه و برخی حنابله و در رأس آنان ابن تیمیه و ابن القیم است. در دیدگاه مالکی، قتل تعزیری به‌طور مسلم پذیرفته شده است. در فقه اهل سنت، مجازات‌های تعزیری بالاتر از حد شرعی پذیرفته شده است؛ در مواردی مانند جاسوسی، بدعت‌گذاری در امور دینی و جرایم سیاسی که باعث فساد در جامعه می‌شود و اصلاح آن امکان‌پذیر نیست جز با اعدام مجرم. ولیّ امر و حاکم شرع می‌تواند مرتکبان تعدد و تکرار جرایم را به اعدام محکوم نماید. بنابراین می‌توان گفت کسانی که با تولید، زرع و قاچاق، توزیع و استعمال مواد مخدر، باعث فساد در جامعه می‌شوند و با مجازات‌های خفیف مانند حبس، مصادره اموال و مجازات‌های نقدی قابل اصلاح نباشند، در صورت تکرار و گسترده بودن عمل ارتكابی، اعدام آنان جایز است؛ زیرا مصلحت امت اسلامی ایجاب می‌کند که با اعدام و نابودی این افراد، برای تأمین امنیت روانی و اخلاقی جامعه و جلوگیری از نابودی حرث و نسل، قدم برداشت. ولیّ امر می‌تواند در صورت مصلحت عمومی، مجرمان مواد مخدر را به اعدام محکوم کند تا ریشه فساد اجتماعی برچیده شود؛ زیرا مجازات تعزیری میزان معین ندارد و تعیین نوع و میزان مجازات بر عهده امام و ولیّ امر نهاده شده است که اعدام‌های تعزیری را به نام قتل‌های سیاسی در صورت اعتیاد به جرم با نظر به مصلحت اجتماعی انجام دهد. در اعدام‌های تعزیری باید اولاً جرم مربوط به جامعه باشد و متضرر از جرم،



فصل چهارم : تحلیل کیفراعدام درخصوص جرایم مواد مخدر در فقه اسلام

---

جامعه باشد؛ و ثانیاً مرتکب آن، اعتیاد به ارتکاب جرم داشته باشد و قابل اصلاح نباشد. در صورت تشخیص  
مصلحت امام، اعدام چنین کسانی جایز است. (الزحیلی، ۱۹۹۳م)

## فصل پنجم

### نتیجه گیری، پیشنهادات،

## ۵-۱- نتیجه گیری

به طور کلی درباره ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در فقه امامیه، سه نظریه مطرح شده است: حدی بودن اعدام از باب افساد فی الارض؛ تعزیری بودن مجازات جرایم مواد مخدر در صورت تکرار و تعدد؛ و از باب احکام حکومتی بودن آن. در این نوشتار مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، در رابطه با حدی بودن یا تعزیری بودن مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد اگر مجازات اعدام حدی باشد، مجازات‌های حدی، قابل عفو، اسقاط، شفاعت، تعلیق و تخفیف نمی‌باشد؛ در حالی که در جرایم مواد مخدر، عفو، تعلیق و تخفیف، تشدید و سایر قواعد شکلی حقوق جزا تطبیق می‌شود. افزون بر این، جرایم مستلزم حد در عناوین مشخص و معین، محدود و محصور است؛ مانند ارتداد، محاربه، سرقت، زنا و قذف که فقهای عظام از گذشته دور مشخص کرده‌اند. جرایم مواد مخدر از مصادیق هیچ کدام از جرایم حدی شمرده نمی‌شود؛ حتی نمی‌توان آن را مصداق شرب خمر و مسکرات دانست؛ زیرا مواد مخدر مست‌کننده نیست، بلکه باعث فساد عقل می‌شود.

اگر از جرایم مستلزم تعزیر است، فقهای امامیه در جرایم تعزیری در مرحله اول قائل به مجازات اعدام نمی‌باشند؛ زیرا معتقدند «التعزیر دون الحد»؛ ولی اگر مرتکب با تحمل مجازات تعزیری در مرحله اول و دوم به طور مکرر مرتکب جرم تعزیری شود، مشهور فقها با استناد به روایات معتبر، قائل اند که در مرحله سوم یا چهارم می‌شود او را اعدام کرد. نظر دیگر این است که در جرایم مستلزم تعزیر، اصلاً اعدام جایز نیست، لذا نهایتاً این نتیجه حاصل شد که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نه از باب حد بوده و نه از باب تعزیر لذا با توجه به ادله تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت حفظ نظم و نظام، می‌توان گفت فقیه حاکم، می‌تواند قوانینی را وضع کند و در صورت مصلحت، اعدام را تجویز نماید. در این صورت، مبنای جواز اعدام، مصلحت نظم عمومی و نظام حکومتی باشد. همان طور که در متن پژوهش به طور مفصل بیان شد، مجازات اعدام در قبال مجرمین مواد مخدر می‌تواند از باب احکام حکومتی باشد، چرا که قلمرو و محدوده احکام حکومتی محدود به احکام شرعی اولیه و ثانویه نمی‌باشد، بلکه فراتر از محدوده احکام شرعی می‌باشد. به عبارت دیگر ولی امر، متولی همه ابعاد دین در عصر غیبت امام معصوم (ع) است و شریعت نظام اسلامی و اعتبار و مقررات آن به او بر می‌گردد و به تأیید و تنفیذ او مشروعیت می‌یابد. بنابراین برای حفظ دین و نظام اسلامی زمانی که مصلحت اقتضاء نماید ولی امر می‌تواند از باب احکام حکومتی مجازات اعدام پیش بینی کند. بنابراین بر اساس مبانی فقهی کیفر اعدام در مورد شاذ و نادر، بر اساس مصلحت قابل توجیه است. البته باید در نظر داشته باشیم با توجه به اینکه یکی از اثرات مجازات پیشگیری از وقوع جرائم می‌باشد و یکی از هدف های پیش بینی مجازات اعدام در قبال مرتکبین مواد

مخدر نیز پیشگیری از این گونه جرائم است ولی بدون مقابله با زمینه های وقوع این جرائم، (مواد مخدر) پیش بینی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نه تنها اثری ندارد بلکه اثر این مجازات را در موارد لزوم نیز سست خواهد کرد. و حتی اعمال نابجای این مجازات می تواند حیثیت و اعتبار بین المللی کشورمان را مخدوش کند. البته مجازات اعدام می تواند در قبال قاچاقچیان مسلح، باند ها و شبکه های تهیه و توزیع مواد مخدر که مصداق واقعی افساد فی الارض هستند و با اعمال خود جامعه را از مسیر وحد اعتدال خود خارج می کنند قابلیت اعمال باشد.

## ۵-۲- پیشنهادات

با توجه به مطالبی که در این پایان نامه تحصیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل از آن ، راهکارهایی به شرح زیر اعلام می گردد:

۱- اگر قرار باشد دادگاه های انقلاب هم چنان به فعالیت خود ادامه دهند بهتر است صلاحیت این دادگاه ها تنها به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محدود گردد. به ویژه رسیدگی به جرایمی مانند قاچاق و مواد مخدر با توجه به طبع خاصی که دارند نوعاً نباید در دادگاه های انقلاب مورد رسیدگی قرار گیرند . مخصوصاً جرایم مربوط به مواد مخدر باید در دادگاه های عمومی و تخصصی و با قضات آموزش دیده به صورت تعدد قاضی رسیدگی شوند.

۲- حبس های نه چندان طولی مدت با کار اجباری در اردوگاه های کار مانند طرح پیش سازی ریل های قطار و معدن به صورتی که محکومین دور از اجتماع باشند.

۳- اعمال مجازات زندان بین (۱۰ تا ۲۰ سال) جایگزین مناسبی برای مجازات اعدام می باشد، از یک سو ایرادات مجازات اعدام را ندارد و از سویی دیگر جنبه ی ارعابی و پیش گیری کننده ای به مراتب بیشتر از اعدام دارد.

۴- چون منظور از ارتکاب قاچاق مواد مخدر تحصیل اموال است و قاچاقچیان بین المللی اموال حاصل از جرم را به کشورهای دیگر به ویژه کشورهای مترقی منتقل نموده و با روش تطهیر بعداً مورد استفاده قرار می دهند، بنابراین ضروری است با همکاری های بین المللی مطالعاتی به عمل آید و مقرراتی وضع شود که اموال حاصل از جرم در هر محلی که کشف شود، سریعاً بتوان آن را ضبط نمود و این امر میسر نیست مگر از طریق کنترل سیستم های بانکی.

۵- لازم است خانواده معدوم تحت حمایت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدی قرار گیرد. تشکیل گروه های قوی مددکاری می تواند خانواده معدوم را تحت کنترل درآورده و ارتباط آنها را با ارزش های اجتماعی بیشتر کند. در صورت امکان، محیط زندگی آنها را باید عوض نمود تا از جو روانی ایجاد شده در محل زندگی پیشین رها شده و در محیطی جدید به طور عادی زندگی کنند.

۶- با توجه به اهمیت همکاری های بین المللی در زمینه مواد مخدر ضروری است این همکاری ها از طریق معاضدت قضایی و استرداد مجرمان گسترش یابد و تشریفات و اقدامات استرداد مجرمان مواد مخدر با اصلاح مقررات مربوطه به آن آسان شود.

## منابع و مأخذ

## منابع و مأخذ

## فارسی

۱. قرآن کریم
۲. آخوند خراسانی، م (۱۴۱۲ق) "کفایه الاصول" چاپ اول، موسسه نشر اسلامی، قم، ص ۱۲۳
۳. احتشامی، ع (۱۳۸۵) "کلیات و طبقه بندی مواد مخدر"، تهران، ناشر دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ص ۱-۵-۷-۶۵-۱۶۴
۴. اسعدی، ح (۱۳۷۲) "پژوهشنامه ای درباره بحران جهانی مواد مخدر"، تهران، ناشر سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۰۶
۵. اسعدی، ح (۱۳۸۲) "پژوهشی درباره مواد مخدر"، تهران، نشر مؤلف، چاپ ۶، ص ۱۶۰-۱۶۵-۱۷۶
۶. ابطحی، م (۱۳۶۳) "مفسد فی الارض"، قم، شماره ۴، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، صفحه، ص ۱۷-۴۰
۷. اکبری، ح (۱۳۸۶) "مطالعه نظری، علمی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران"، ارائه شده در همایش بین المللی علمی کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، تهران، ص ۱-۲۵۰-۲۵۳
۸. ابن منظور، م (۵۱۲۷۴ق) لسان العرب انتشارات دار الفکر، جلد ۴، ص ۲۳۰-۲۳۲-۲۳۳
۹. الزحیلی، م (۱۹۹۳م) "النظریات الفقهیة"، نشر دار القلم، دمشق، ص ۵۵-۶۰-۷۷
۱۰. باصری، ع (۱۳۸۶) "سیاست جنایی (داخلی و بین المللی) مواد مخدر"، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۱۴۱-۱۶۸-۱۷۲-۲۱۷
۱۱. بای، ح (۱۳۸۵) "افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست" تهران، ص ۴
۱۲. بکاریا، س (۱۳۶۸) "جرائم و مجازات ها"، ترجمه اردبیلی، محمدعلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱-۷
۱۳. بستانی، ف (۱۳۷۵) "فرهنگ ابجدی" مترجم، مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، ص ۴۸
۱۴. جهانبخش اصل، م (۱۳۵۹) "مجازات اعدام" دانشگاه تهران، ص ۱۱۵-۱۱۸
۱۵. حامدی، ه (۱۳۹۵) "تحولات مجازات اعدام در مواد مخدر در نظام کیفری ایران" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت
۱۶. حبیب زاده، م (۱۳۷۰) "بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض"، تهران، انتشارات کیهان، ص ۳۷-۸۴-۳۶۰

۱۷. حبیب زاده، م (۱۳۷۹) "محرابه در حقوق کیفری ایران" دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ص ۲۳۸
۱۸. حسینی، ق (۱۳۶۸) "پژوهشی نو در مواد مخدر و اعتیاد"، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۳۴۰-۳۵۰
۱۹. حلّی، ن (۱۴۰۸.ه.ق) "شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام" ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ص ۱۴۸-۱۶۸
۲۰. حلّی، الف (۱۴۱۰ ق) "السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی" جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۰
۲۱. حلّی، ح (۱۴۱۳ ق) "قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام" جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۶۹
۲۲. خزائی، م (۱۳۷۵) "زمینه حقوق جزای عمومی"، تهران، انتشارات کانون وکلا، ص ۹۷-۳۹۱
۲۳. خمینی، ر (۱۳۶۸) "تحریر الوسیله" ترجمه اسلامی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۲، ص ۴۷-۱۱۲-۲۱۳-۴۹۲
۲۴. خویی، الف (۱۳۹۶ ق) "مبانی تکمله المنهاج"، ج ۱، قم، مطبعه العلمیه، ج ۴۳، چاپ دوم، ص ۳۶۸
۲۵. دهخدا، ع (۱۳۷۹) "لغت نامه دهخدا" موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران، جلد ۴۴، ص ۲۰۱-۶۴۴
۲۶. رحم دل، م (۱۳۸۶). "سیاست جنایی ایران در قبال مواد مخدر"، تهران، نشر سمت، سال دوم، شماره ۶، ص ۳۷-۳۸
۲۷. راغب اصفهانی، ح (۱۴۱۲ ق) "المفردات"، انتشارات دار الشامیه، ص ۸۵-۶۳۶
۲۸. رافعی قزوینی، ع (۱۴۱۴ ق) "مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر" ۲ جلد، موسسه دار الهجره، ص ۹۹
۲۹. زراعت، ع (۱۳۸۶) "حقوق کیفری مواد مخدر"، تهران، ناشر ققنوس، ص ۹۹-۱۰۹
۳۰. ساکی، م (۱۳۸۰) "جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی بین الملل"، تهران، ناشر خط، ص ۲-۲۴۴-۷۹-۳۰
۳۱. سلمان پور، م (۱۳۸۲) "مبانی فقهی و حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن، مجله فقه اهل بیت
۳۲. ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۷) "همایش ابعاد بین المللی مواد مخدر در زمینه مسائل قضایی"، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ص ۹۱-۲۶۴-۲۶۵



۳۳. ستاد مبارزه با مواد مخدر، (۱۳۷۹) "همایش بین المللی علمی - کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر" ج ۶، تهران، ناشر روزنامه جمهوری اسلامی، ص ۲۳-۹۶-۲۶۸-۲۷۰
۳۴. سینایی، پ (۱۳۹۲) "مبانی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان ۵۰-۵۹-۶۰ تا ۷۲
۳۵. شاکری، ع (۱۳۶۸) "مواد مخدر و اعتیاد"، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ص ۱۱۲-۱۲۷
۳۶. شامبیاتی، هـ (۱۳۷۱) "حقوق جزای عمومی"، جلد ۲، تهران، انتشارات رودکی، ص ۳۱۰-۳۱۴
۳۷. شیخ صدوق، م (۱۴۱۳ق) "من لایحضره الفقیه" جلد ۶، ص ۶۰-۲۴-۲۷
۳۸. شهید ثانی، ز (۱۴۱۳ق) "مسالك افهام إلى تنقیح شرائع الإسلام" ۱۰ جلد، نشر مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ص ۵-۳۳۷
۳۹. شهید ثانی، ز (۱۴۱۰ق) "الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة" ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم، ص ۱۳۷
۴۰. شهیدی، م (۱۳۸۲) "مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم"، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ۲۳-۲۴-۳۳-۴۹
۴۱. صافی، ل (۱۳۶۳) "تعزیرات"، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ص ۳۷
۴۲. صانعی، پ (۱۳۷۱) "حقوق جزای عمومی"، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۶۱۰
۴۳. صالحی، ش (۱۳۹۳) "تاریخچه مصرف تریاک در ایران" فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال اول، شماره ۳، ص ۳۵
۴۴. صدوق، الف (۱۳۶۸ق) "علل الشرایع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۶۶
۴۵. صدرات، ع (۱۳۴۰) "حقوق جزا و جرم شناسی"، تهران، انتشارات کانون معرفت، ص ۷۸-۷۸۰
۴۶. طیار، ع (۱۳۸۰) "مواد مخدر در فقه اسلام"، ترجمه حسین پور، م، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ص ۱۳۴
۴۷. طوسی، م (۱۳۷۵ق) "الاستبصار" ۴ جلد، مطبعه النجف، ص ۱۲۰-۱۳۶
۴۸. طوسی، م (۱۳۸۷ق) "المبسوط فی فقه الإمامیة" جلد ۸، المكتبة المرتضویة لإح یاء الآثار الجعفریة، تهران، ص ۴۷
۴۹. طوسی، م (۱۴۰۷ق) "الخلاف" ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۱۵
۵۰. طریحی، ف (۱۳۶۲ق) "مجمع البحرین" چاپ دوم، ۶ جلد، المكتبة المرتضوی، تهران، ص ۵۶

۵۱. علی آبادی، ع (۱۳۸۵) " حقوق جنائی "، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷۸
۵۲. عابدی، ع (۱۳۸۷) " بررسی فقهی - حقوقی مجازات اعدام و حبس در جرائم مواد مخدر "، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ص ۳۵ تا ۷۰
۵۳. غنجی، ع (۱۳۸۶). " کلیات مواد مخدر "، مرکز فناوری معاونت آموزش ناجا، سال اول، شماره ۵، ص ۱۹
۵۴. فیض، ع (۱۳۶۳) " مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام "، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ص ۹۹
۵۵. قانون اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب (۱۳۹۵).
۵۶. قریشی، ع (۱۳۶۴) " قاموس قرآن " ناشر تهران دارالکتب اسلامی، ج ۷، ص ۱۱۶
۵۷. قمی، ص، (ق ۱۴۱۳) " من لا یحضره الفقیه " جلد ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۲۴-۲۷
۵۸. کی نیا، م (۱۳۷۳) " مبانی جرم شناسی " ( جلد ۲)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۲۱۰
۵۹. کاظمی، م (۱۳۹۳) " تاثیر مجازات اعدام در بازدارندگی ( هدف ارعاب فردی و اجتماعی) ارتکاب جرایم مواد مخدر و روان گردان ها "، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ص ۲۶ تا ۵۰
۶۰. کلینی، م (۱۴۲۹ق) " الکافی " ۱۵ جلد، انتشارات دار الحدیث، قم، ص ۲۴۵
۶۱. گلیایگانی، م (۱۴۱۲) " الدر المنضود فی حکام الحدود " جلد ۲، دار القرآن ۹ الکریم، قم، ص ۲۲۲
۶۲. گلدوزیان، الف (۱۳۸۷) " بایسته های حقوق جزای عمومی ۱، ۲، ۳ "، تهران، انتشارات میزان، ص ۳۵۶
۶۳. گودرزی، ف (۱۳۷۷) " پزشکی قانونی " جلد ۲، تهران، انتشارات گوتنبرگ، ج ۲، ص ۱۵۰۴
۶۴. لنکرانی، م (۱۴۷۴ق) " تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله " الحدود، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ص ۶۸
۶۵. محمدی گیلانی، م (۱۳۶۱) " حقوق کیفری در اسلام "، تهران، انتشارات المهدی " ص ۲۲۹-۵۰۱
۶۶. مدنی، الف (۱۳۵۱) " افیون "، تهران، انتشارات کیهان، ص ۹۳
۶۷. مرتضوی، س (۱۳۸۸) " قاچاق مواد مخدر و روان گردان "، تهران، انتشارات مجد، ص ۱۱۱-۱۱۲
۶۸. مطهری، م (۱۳۶۹) " آشنایی با علوم اسلامی "، تهران، انتشارات صدرا، ص ۴۰
۶۹. مطهری، م (۱۳۸۷) " امر به معروف ونهی از منکر " انتشارات صدرا، ص ۸۳

۷۰. **مظلومان**، ر (۱۳۵۶) "حقوق جزا و جرم شناسی"، تهران، انتشارات آگاه "ص ۳۷-۴۶-۴۵-۴۹-۵۰-۱۲۷-۶۳"
۷۱. **معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۹۰)** "جرایم مواد مخدر از دیدگاه علوم جنایی و حقوق" کیفری، تهران، ناشر راه نوین، ص ۵۰-۶۶-۷۲-۹۴-۱۰۰
۷۲. **معین، م (۱۳۶۲)** "فرهنگ فارسی"، تهران، انتشارات امیر کبیر، جلد ۴، ص ۴-۲۸۷-۳۹۴
۷۳. **منتسکیو، ش (۱۳۶۲)** "روح القوانين"، ترجمه مهندی، علی اکبر، تهران، انتشارات سپهر، ص ۷۲۱-۷۸۲
۷۴. **مهرپور، ح (۱۳۷۲)** "دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی"، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ۱۲۱
۷۵. **میرمحمد صادقی، ح (۱۳۴۷)**، "مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت"، انتشارات راهبرد، تهران، ص ۳۸
۷۶. **موسوی بجنوردی، م (۱۳۸۴)** "فقه تطبیقی بخش جزایی" تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۴۵
۷۷. **مهرگان، ش (۱۳۹۵)** "تناسب مجازات اعدام جرایم مواد مخدر و روانگردان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ص ۶۳
۷۸. **مازندرانی، م (۱۳۸۲ق)** "شرح الکافی" جلد ۱۰، المکتبه الإسلامیة تهران، ص ۲۵۳
۷۹. **مجلسی، م (بی تا)** "حدود و قصاص و دیات" نشر آثار اسلامی، قم، ج ۵۹، ص ۱۸۱
۸۰. **مرعشی، م (۱۳۷۹)** "مبانی فقهی مواد مخدر"، ارائه شده در همایش بین المللی علمی کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، تهران، ص ۳۵
۸۱. **ماوردی، ع (۱۹۹۹م)** "الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة"، انتشارات المکتب الاعلامی الاسلامی، بیروت، ص ۱۰۲
۸۲. **معرفت، م هـ (۱۳۶۵)** "بحثی در تعزیرات" تهران "انتشارات اطلاعات" شماره ۸ "ص ۹۷-۱۱۸"
۸۳. **نجفی، م (۱۲۷۴ه.ق)** "جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام" ۴۱، جلد، انتشارات دار الحیاه التراث العربی، ص ۴۴۲-۵۶۴
۸۴. **وحدت طاهر، م (۱۳۹۴)** "نقش بازدارندگی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، ص ۵۶-۶۰-۷۷-۹۰
۸۵. **هاشمی شاهرودی، م (۱۳۸۷)** "بایسته های حقوق جزاء"، تهران، نشر میزان، ۲۹۰
۸۶. **هاشمی، ع (۱۳۸۳)** "مواد مخدر بحران اجتماعی، تهدید علیه امنیت ملی"، دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، ص ۹

## **Abstract**

One of the important issues in the national and international arena in the last few decades, especially in the present era, is the phenomenon of drugs and its detrimental effects on human and human societies. This phenomenon has been identified as a serious threat to public health, political, social, societal and national security. Our country is safe from the effects of these phenomena in the vicinity of the largest drug-producing country, Afghanistan. This has involved numerous economic, social, political and security implications for the country, so The makers of the country to deal with this phenomenon were ruinous to different laws and penalties and a Punishment is executed. Some jurists consider the death Punishment for drug offenses to be on the ground and some others consider the death sentence to be repeated and multiplied, and many believe that drug executions are government-mandated and The religious ruler can execute the perpetrators of drug offenses, depending on the circumstances, in order to maintain the health of the community and regulate its affairs.

**Keywords:** Execution, drugs, drug crimes



**Higher Education Institute of Afagh  
Faculty of Economics and Humanities  
Department of Law and Jurisprudence**

**A thesis submitted to the Graduate studies office in partial fulfillment  
of the requirements for the degree of M.A  
in Jurisprudence Theology and Foundations of Islamic Law**

**Title:  
Limitation of the Severity or Punishment of the death penalty in drug  
crimes**

**Supervisor:  
Saleh noory.PhD**

**Rewivers:  
Mohmaad Hasan Javadi.PhD  
Hamed Rahmani.PhD**

**By:  
Amir ZandiFar**

**Summer 2019**